

## تواتر اخبار

# در استمرار امامت بعد از صاحب الزمان علیه السلام

(۱۰۰ روایت که بر استمرار امامت بعد از صاحب الزمان علیه السلام دلالت دارند)

به قلم

شیخ ناظم عقیلی

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

تواتر اخبار در استمرار امامت بعد از صاحب الزمان <small>عليه السلام</small>	نام کتاب
تواتر الأخبار في استمرار الإمامة بعد صاحب الزمان	نام کتاب اصلی
شیخ ناظم عقیلی	نویسنده
گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی <small>عليه السلام</small>	مترجم
اول	نوبت انتشار
۱۴۰۲	تاریخ انتشار
۱۴۳۹ق / ۲۰۱۷م	تاریخ انتشار کتاب اصلی
۲۱۱	کد کتاب
اول	ویرایش ترجمه

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن عليه السلام

به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.

[www.almahdyoon.co](http://www.almahdyoon.co)

[www.almahdyoon.com](http://www.almahdyoon.com)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست

۹.....	پیشگفتار
۱۳.....	تواتر مضمون وصیت مقدس
۱۳.....	قرینه اول
۱۵.....	قرینه دوم
۲۲.....	قرینه سوم
۲۵.....	قرینه چهارم
۲۸.....	قرینه پنجم
۳۰.....	قرینه ششم
۳۵.....	قرینه هفتم
۳۵.....	قرینه هشتم
۳۸.....	قرینه نهم
۴۱.....	قرینه دهم
۴۵.....	قرینه یازدهم
۴۸.....	قرینه دوازدهم
۴۹.....	قرینه سیزدهم
۴۹.....	قرینه چهاردهم
۵۱.....	قرینه پانزدهم
۵۲.....	قرینه شانزدهم
۵۶.....	قرینه هفدهم
۶۱.....	احادیث مهدیین و حجت‌های پس از امام مهدی (علیه السلام)
۶۱.....	حدیث اول
۶۱.....	حدیث دوم
۶۱.....	حدیث سوم

٦٢	.....	حدیث چهارم
٦٣	.....	حدیث پنجم
٦٤	.....	حدیث ششم
٦٦	.....	حدیث هفتم
٦٧	.....	حدیث هشتم
٦٨	.....	حدیث نهم
٦٨	.....	حدیث دهم
٦٩	.....	حدیث یازدهم
٧٠	.....	حدیث دوازدهم
٧١	.....	حدیث سیزدهم
٧١	.....	حدیث چهاردهم
٧٣	.....	حدیث پانزدهم
٧٣	.....	حدیث شانزدهم
٧٤	.....	حدیث هفدهم
٧٥	.....	حدیث هجدهم
٧٦	.....	حدیث نوزدهم
٧٧	.....	حدیث بیستم
٧٨	.....	حدیث بیست و یکم
٨٠	.....	حدیث بیست و دوم
٨٢	.....	حدیث بیست و سوم
٨٤	.....	حدیث بیست و چهارم
٨٥	.....	حدیث بیست و پنجم
٨٦	.....	حدیث بیست و ششم
٨٦	.....	حدیث بیست و هفتم
٨٩	.....	حدیث بیست و هشتم

- ۹۰..... حدیث بیستونہم
- ۹۱..... حدیث سی ام
- ۹۳..... حدیث سی ویکم
- ۹۴..... حدیث سی و دوم
- ۹۵..... حدیث سی و سوم
- ۹۶..... حدیث سی و چہارم
- ۹۷..... حدیث سی و پنجم
- ۹۷..... حدیث سی و ششم
- ۹۸..... حدیث سی و ہفتم
- ۹۹..... حدیث سی و ہشتم
- ۹۹..... حدیث سی و نہم
- ۹۹..... حدیث چہلم

## تقدیم

به تو ای بهترینِ تمام مخلوقات خدا  
به تو ای کسی که نزدیک و نزدیک‌تر شدی، تا به فاصلهٔ دو کمان یا نزدیک‌تر  
به تو ای مشعل رحمت و هدایت  
به تو ای محمد مصطفی ﷺ

این اندک صفحات را تقدیم می‌کنم... در دفاع از اوصیای بزرگوار تو  
پس با پذیرفتن آن بر ما تفضلی فرما... که تو بزرگواری هستی از نسل بزرگواران







## پیشگفتار

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سپاس و ستایش تنها از آن خداوند، آن پروردگار جهانیان است، و سلام و صلوات تامّ  
خداوند بر محمد و آل محمد، امامان و مهدیین باد!

از همان زمانی که بشریت زندگی شهری و اجتماعی را شناخت، از پاییند بودن به پیروی از رهبری شایسته و امین که خیرخواه مردم باشد بی‌نیاز نبود؛ و حتی این صفتی است پایدار در همه حیوانات و حشراتی که به صورت جمعی در کلونی‌ها زندگی می‌کنند. این سنت خداوند در مخلوقات است و تا هنگامی که اجتماعی وجود داشته باشد، این سنت نیز جاری و تخلّف‌ناپذیر خواهد بود. اینکه انسان‌ها در برگزیدن و پیروی از فردی صالح و مورد رضای خدا ره به خطا می‌پیمایند، به هیچ عنوان خدشه‌ای به این سنت میل به داشتن رهبر و پیروی از او وارد نمی‌کند؛ چراکه داشتن رهبر و پیشوا ضرورتی است که هر جامعه‌ای در هر جایی بر خود لازم می‌داند. تا وقتی جامعه‌ای وجود داشته باشد، وجود رهبر نیز ضروری خواهد بود؛ چراکه در غیر این صورت به دلیل تضارب آرا و نظرات افراد جامعه، امور اجتماعی استقرار نخواهد یافت.

برای اینکه خداوند حجت را بر مخلوقات اقامه کند برای هر امتی فرستاده، انذارکننده و هدایتگری مورد رضای خودش قرار داد تا برای کسانی که از غیر از آن کس - که خداوند سبحان او را برای هدایت مخلوقاتش برگزیده بود - پیروی کرده‌اند عذری باقی نماند.

حق تعالی می‌فرماید: ﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِّئَلَّا یَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَی اللّٰهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِیزًا حَكِیْمًا﴾<sup>۱</sup> (پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند تا بعد از

۱۰ ..... تواتر اخبار در استمرار امامت بعد از صاحب الزمان علیه السلام

این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، [و بر همه اتمام حجت شود] و خداوند، توانا و حکیم است).

و می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾<sup>۱</sup> (به راستی که ما تو را به حق، مژده‌دهنده و بیم‌دهنده و بیم‌دهنده‌ای فرستادیم، و هیچ امتی نبوده مگر آنکه در میانشان بیم‌دهنده‌ای بوده است).

همچنین می‌فرماید: ﴿... إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾<sup>۲</sup> (جز این نیست که تو تنها بیم‌دهنده‌ای هستی و هر قومی را رهبری است).

و روایات در تأکید بر اینکه به هیچ وجه ممکن نیست زمین خالی از امام شود، به حد تواتر رسیده و پیشوای معصوم ضرورتی است که در هیچ حالتی بی‌نیاز بودن از او ممکن نیست؛ از جمله:

از اسحاق بن عمار از اباعبدالله امام صادق علیه السلام که فرمود: «به درستی که زمین هرگز از امام خالی نمی‌شود تا اگر مؤمنان چیزی را با نظر خود اضافه کنند آن را تصحیح و اگر چیزی را با نظر خود کم کردند برایشان کامل کند.»

از کرام نقل است که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر از مردم تنها دو نفر باقی باشند باید یکی از آنها امام باشد.» و نیز فرمود: «آخرین کسی که می‌میرد امام است تا برای احدی در برابر خداوند عزوجل عذر و حجتی باقی نماند که او را بدون حجت رها کرده است.»

از یونس بن یعقوب از امام صادق علیه السلام که فرمود: «اگر در زمین جز دو نفر باقی نمانند، حتماً یکی از آنها امام خواهد بود.»

از یعقوب بن شیبث که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: «نه به خدا سوگند خداوند این امر را رها نمی‌کند، مگر اینکه کسی باشد که آن را تا آن ساعت (قیامت) بر پا بدارد.»

۱. فاطر، ۲۴.

۲. رعد، ۷.

پس می‌توانیم بگوییم که عقل و نقل (هم قرآنی و هم روایی) بر ضرورت وجود امام یا رهبر یا پیشوا برای هر گروهی -چه کوچک و چه بزرگ- هم‌نظر هستند؛ و شریعت آسمانی برای امامت و رهبری در منحصربودن به کسانی که در هر زمان و مکان خداوند آن‌ها را برگزیده متمایز شده است؛ چراکه مردم شایستگی شناسایی سزاوارترین، استوارترین و هدایت‌کننده‌ترین فرد را ندارند، زیرا این خصوصیات، موضوعاتی هستند که از حالات روحانی نفسانی باطنی سرچشمه می‌گیرند، نه از صفات ظاهری معلوم و مشخص مثل رنگ و اندازه!

در این کتاب کوچک، به موضوع امامت پس از امام مهدی محمد بن الحسن العسکری (علیه السلام) خواهیم پرداخت. در این مقطع برای برخی مشکلی عقیدتی مطرح می‌شود؛ چراکه گمان می‌کنند امامت و حجیت پس از امام محمد بن الحسن المهدی (علیه السلام) منقطع خواهد شد و هیچ امام یا حجتی از اوصیای رسول خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) پس از امام دوازدهم وجود نخواهد داشت! و این اعتقاد با تمامی آیات قرآنی و روایات متواتری که به ضرس قاطع بر خالی‌نماندن زمین از حجت خدا بر خلقش و اینکه اگر تنها دو نفر از مردم باقی بمانند حتماً یکی از آن‌ها حجت بر دیگری خواهد بود، مخالفت می‌کند.

به‌علاوه هیچ‌کس نمی‌تواند انقطاع امامت پس از امام مهدی (علیه السلام) را ثابت کند، مگر با اثبات یکی از دو موضوع نشدنی یا محال؛ اینکه ثابت کند با وفات امام مهدی (علیه السلام) زندگی دنیوی و در نتیجه تکلیف پایان می‌پذیرد، یا اثبات وقوع رجعت بلافاصله پس از وفات امام مهدی (علیه السلام). هر دوی این حالت‌ها، محال و محکوم به نابودی هستند؛ زیرا هیچ دلیل قطعی‌الصدور و قطعی‌الدلاله‌ای بر آن‌ها اقامه نشده است؛ در غیر این صورت اصل موجود [یعنی استمرار امامت] همچنان جاری خواهد بود و با دلیل مشکوک یا ظنی نمی‌توان آن را نقض کرد یا با آن به مخالفت برخاست؛ و این اصل قطعی و یقینی یعنی «استمرار امامت بر این زمین تا هنگامی که با وجود انسان‌ها تکلیف باقی است، وجود دارد» حتی اگر تعداد انسان‌ها اندک باشد؛ که تفصیل آن در صفحات این کتاب مختصر خواهد آمد.

[کتاب] احادیثی که به ما رسیده حاوی احادیث و روایات بسیار زیادی است که می‌توان با آن‌ها بر ادامه و استمرار امامت پس از امام مهدی علیه السلام استدلال کرد که تنها به بیان ۱۰۰ روایت بسنده کردم و برخی از این احادیث بر استمرار امامت پس از امام مهدی علیه السلام در مهدیین از نسل آن حضرت، دلالتی صریح دارند که به حد تواتر رسیده‌اند؛ چنانچه توضیحش خواهد آمد.

نیت بنده آن بود که سخن را در خصوص این موضوع شرح و بسط بیشتری بدهم و تلاش و وقت در خورش را به آن اختصاص دهم، ولی مشغله بسیار و نبود فرصت کافی مانع این مهم شد و در دوره‌ای ننوشتن یا نوشتن به صورت موجز و مختصر قرار گرفتم. حکمتی را به یاد آوردم که می‌فرماید: «انجام آن مقداری که شدنی است با دشوار بودن، ساقط نمی‌گردد.» و انتظار می‌رود برادران عزیز از اساتید و طلاب حوزه علمیه برای شرح این بحث و تکمیل و اصلاح آن همت گمارند که به اعتقاد بنده موضوعی است در غایت اهمیت که به تحقیق و تَبُّعِ وسیع‌تر و دقیق‌تر در ادله شرعی نیازمند است؛ چراکه متون شرعی بسیاری در این خصوص موجود است که این حقیر توان و وقت کافی برای بررسی و تدوین آن‌ها را ندارم؛ به‌علاوه موضوعات بسیاری نیز وجود دارد که به شرح و بسط و شاخه‌بندی بیشتری نیاز دارد. امید است که این تحقیق مختصر، زمینه و سببی برای اهل علم و معرفت در تکمیل این موضوع با تحقیق و جست‌وجوی بیشتر باشد؛ و خداوند یاری‌رسان است.

و سپاس و ستایش تنها از آن خداوند، آن پروردگار جهانیان است، و سلام و صلوات خداوند بر محمد و آل پاک و طاهر او تا روز دین!

شیخ ناظم عقیلی

نجف اشرف

۲۵ ذی‌حجه ۱۴۳۸ ق (۲۰۱۷/۹/۱۶ م)<sup>۱</sup>

## تواتر مضمون وصیت مقدس

مضمون وصیت مقدس دو موضوع اصلی را شامل می‌شود: تصریح بر امامان دوازده‌گانه و تصریح بر مهدیین دوازده‌گانه. متن و تصریح بر دوازده امام از نظر شیعه با ذکر تعداد و اسامی آن‌ها به تواتر ثابت شده و تعداد آن‌ها نیز به تواتر برای اهل سنت ثابت شده است.

آنچه باقی می‌ماند تواتر متن و تصریح بر مهدیین پس از امام مهدی علیه السلام است و اینکه آیا متواتر معنوی هستند یا خیر؟ اگر نص بر مهدیین نیز متواتر باشد مضمون یا معنای وصیت در هر دو قسمش متواتر خواهد بود؛ متن بر امامان دوازده‌گانه و متن بر مهدیین دوازده‌گانه.

روایات و اخبار در نص و اشاره به مهدیین از نسل امام مهدی علیه السلام متواتر است و در این خصوص در کتاب «چهل حدیث درباره مهدیین و فرزندان قائم» به تفصیل توضیح داده‌ام و پیش از آنکه به نقل بخشی از آن‌ها بپردازم، بهتر است به قرآینی که روایات مهدیین و حجت‌هایی پس از امام مهدی علیه السلام را در خود داشته و تأیید می‌کنند و موجب تحقق تواتر با کمترین تعداد ممکن می‌شود، پرداخته شود.

### قرینه اول

روایات مهدیین با اصل ثابت‌شده مبتنی بر متن قرآن و روایات متواتر موافق است؛ یعنی با استمرار امامت و اینکه امامت ضرورتی است که بی‌نیازی از آن، هرگز حاصل نخواهد شد. از این اصل نمی‌توان چشم‌پوشی کرد، مگر با دلیل قطعی‌الصدور و قطعی‌الدلاله، درحالی‌که ادعای به‌پایان‌رسیدن امامت پس از امام مهدی علیه السلام با ادله شرعی که متواتر معنوی است رد می‌شود؛ و هیچ‌یک از علمای متقدم شیعه و نیز علمای

متأخر مثل شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی و دیگران چنین ادعایی را نپذیرفته‌اند.<sup>۱</sup> ادعای برپاشدن رجعت بلافاصله پس از وفات امام مهدی علیه السلام نیز ادعایی قطعی و پذیرفته‌شده نیست؛ و دلایلی که بر آن ارائه شده از نظر دلالت، مخدوش و ناکافی و با دلایل شرعی که بر خلافت مهدیین بلافاصله پس از پدرشان امام زمان علیه السلام تصریح دارند، در تعارض هستند.

بنابراین از کسی که ادعا می‌کند امامت پس از امام دوازدهم پایان می‌پذیرد دلیلی خواسته می‌شود که قطعی‌الصدور و قطعی‌الدلالة باشد؛ چراکه مدعای او خلاف اصل ثابت شده است، یعنی خلاف استمرار امامت؛ اما کسی که به ادامه‌داشتن امامت پس از امام مهدی علیه السلام اعتقاد دارد، نیازی به دلیل ندارد؛ چراکه موافق با اصل است.

روایاتی که بر امامان دوازده‌گانه، یا به نُه نفر از فرزندان حسین علیه السلام تصریح می‌کنند و نیز روایاتی که بر این مطلب دلالت دارند که امام مهدی علیه السلام آخرین و ختم‌کننده آن‌ها یا آخرین امام یا خاتم آن‌ها یا خاتم اوصیاست، هیچ‌کدام بر نفی امامت مهدیین از نسل امام مهدی علیه السلام و به محصور بودن امامت در دوازده امام علیه السلام دلالت قطعی ندارند؛ چراکه تمامی این روایات ناظر بر مقام و تعداد امامان دوازده‌گانه علیه السلام هستند که با امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام آغاز و با محمد بن الحسن العسکری علیه السلام به پایان می‌رسد؛ بنابراین امام دوازدهم پایان‌بخش امامان با این مقام و این تعداد و از این نظر آخرین آن‌هاست؛ اما این، امامت مهدیین علیه السلام با مقام و جایگاهی دیگر را نفی نمی‌کند؛ چنان‌که گفته می‌شود «اثبات چیزی به منزله نفی غیر از خود نیست.»

روایت وصیت و دیگر روایات بر جدا و متمایز کردن مقام امامان دوازده‌گانه از مقام مهدیین دوازده‌گانه صراحت دارند. بسیاری از روایات واردشده تصریح دارند بر اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام خاتم اوصیاست، درحالی‌که به قطع‌ویقین ثابت شده که پس از ایشان تا روز قیامت اوصیای دیگری نیز وجود دارند؛ بنابراین «ختم‌کننده بودن» از دیدگاه و مقام

۱. که سخنان این علما خواهد آمد.

معینی مطرح می‌شود و به‌طور مطلق نیست.

این مسئله که امام مهدی (علیه السلام) ختم‌کننده اوصیا یا پایان‌بخش امامان یا آخرین آن‌هاست نیز از همین دست است؛ یعنی وی پایان‌بخش ائمه دوازده‌گانه و آخرین آن‌هاست، نه اینکه به‌طور کلی پایان‌دهنده امامت باشد؛ چراکه روایات اهل بیت (علیهم السلام) بر استمرار حجت‌ها و امامان پس از امام مهدی (علیه السلام) تصریح دارند که خواهد آمد.

بنابراین، روایات مهدیین (علیهم السلام) موافق با اصل ادامه‌داشتن امامت است و کسی که مدعی پایان‌یافتن امامت پس از امام مهدی (علیه السلام) است، مخالف این اصل است و باید برای مدعایش دلیلی قطعی ارائه کند.

## قرینه دوم

روایات مهدیین و به‌خصوص روایت وصیت، موافق با روایات متواتر یا روایات متظافری<sup>۱</sup> است که بر ادامه‌داشتن امامت در اعقاب (فرزندان) و فرزندان فرزندان از نسل امام حسین (علیه السلام) تا روز قیامت تصریح دارند. از طرفی مشخص است که قیامت بلافاصله پس از فوت امام مهدی (علیه السلام) بر پا نمی‌شود؛ بلکه امت باقی خواهد بود و تکلیف ادامه خواهد داشت و در نتیجه وجود امامی از نسل حسین (علیه السلام) ناگزیر خواهد شد؛ و این در حالی است که امامت از نسل حسین (علیه السلام) اکنون به امام مهدی محمد بن الحسن (علیه السلام) رسیده است؛ پس ناگزیر امامت در نسل امام مهدی (علیه السلام) ادامه خواهد داشت و این همان مطلبی است که وصیت و سایر روایات مربوط به مهدیین و فرزندان قائم (علیهم السلام) بر آن تصریح دارند؛ آنجا که وصیت به‌صراحت بیان می‌دارد که امام مهدی (علیه السلام) امامت را به فرزندش احمد تسلیم می‌کند. برخی از روایاتی که بر ادامه‌داشتن امامت در نسل امام حسین (علیه السلام) تا روز قیامت تصریح دارند، تقدیم حضور می‌شود:

۱. تظافر به عربی به‌معنی همیاری و کمک‌کردن است. روایت متظافر در اصطلاح به روایتی گفته می‌شود که خبر واحد (یگانه) نیست، اما به حد تواتر نیز نرسیده است؛ یعنی مثلاً سه یا چهار سلسله آن را نقل کرده باشند. (مترجم)

۱۶ ..... تواتر اخبار در استمرار امامت بعد از صاحب الزمان علیه السلام

۱- از امام صادق علیه السلام در حدیثی هنگامی که مفضل از سخن حق تعالی ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ﴾ (و آن را در پشت خود سخنی پاینده کرد) سؤال می کند روایت شده است که فرمود: (منظور از آن، امامت است که خداوند تا روز قیامت در نسل حسین قرار داد).<sup>۱</sup>

۲- از احمد بن عیسی از اباعبدالله امام صادق علیه السلام درباره سخن خداوند عزوجل ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ (سرپرست و ولی شما، تنها خداست و فرستاده اش و آن ها که ایمان آورده اند) روایت است که فرمود: «منظور از «انما» یعنی به شما سزاوارتر هستند؛ یعنی نسبت به خود شما و به امور شما و جانها و اموال شما از خود شما مُحَقِّق تر هستند؛ (خدا و فرستاده اش و کسانی که ایمان آوردند) یعنی علی و فرزندان امامان از فرزندان علیه السلام تا روز قیامت.»<sup>۲</sup>

۳- ابوبصیر می گوید: از اباعبدالله امام صادق علیه السلام در خصوص این سخن خداوند عزوجل ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ﴾ (و آن را در پشت خود سخنی پاینده کرد) پرسیدم، فرمود: «منظور از آن، امامت است که خداوند عزوجل تا روز قیامت در نسل حسین قرار داد.»<sup>۳</sup>

۴- هشام بن سالم می گوید: از امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام پرسیدم: آیا پس از حسن و حسین علیهم السلام امامت در دو برادر خواهد بود؟ فرمود: «خیر، امامت تنها در نسل حسین علیه السلام خواهد بود که خداوند عزوجل می فرماید: ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ﴾ (و آن را در پشت خود سخنی پاینده کرد). پس امامت در فرزندان و فرزندان فرزندان تا روز قیامت جاری خواهد بود.»<sup>۴</sup>

۵- از ثابت ثمالی از علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده است که

۱. معانی الاخبار، ص ۱۲۶ و ۱۲۷؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۵۸ و ۳۵۹.

۲. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۸۸.

۳. معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۴. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ص ۴۱۶ و ۴۱۷.



فرمود: این آیه ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾ (و خویشاوندان نسبت به یکدیگر در کتاب خدا سزاوارترند) درباره ما نازل شد و این آیه نیز ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ﴾ (و آن را در پشت خود سخنی پاینده کرد) درباره ما نازل شد و امامت تا روز قیامت در نسل حسین بن علی بن ابی طالب خواهد بود.<sup>۱</sup>

۶- از انس بن مالک از معاذ بن جبل نقل شده است: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «... آنچه از نور من در نسل حسین (علیه السلام) قرار می‌گیرد، در امامان از فرزندان او تا روز قیامت منتقل می‌شود...»<sup>۲</sup>

۷- اصبع بن نباته می‌گوید: شنیدم امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرمود: بهترین کلام عبارت «لا اله الا الله» است و بهترین مخلوق، اولین کسی است که گفت «لا اله الا الله». سؤال شد: ای رسول خدا! اولین کسی که گفت «لا اله الا الله» چه کسی بود؟ فرمود: من؛ و من نوری در پیشگاه خداوند والا و بلندمرتبه بودم که او را یگانه می‌داشتم، تسبیح می‌کردم، تکبیر و تقدیس می‌نمودم و او را بزرگ می‌داشتم و به دنبال من نور شاهد من بود. گفته شد: ای رسول خدا! شاهد شما کیست؟ فرمود: او علی بن ابی طالب، برادرم، برگزیده‌ام، وزیرم، جانشینم، وصی من، امام امتم، صاحب حوضم و پرچم‌دار من است. گفته شد: ای رسول خدا! چه کسی پس از او خواهد بود؟ فرمود: حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت؛ و پس از آن‌ها امامانی از فرزندان حسین تا روز قیامت.»<sup>۳</sup>

۸- از امام رضا (علیه السلام) در حدیثی طولانی درباره امامت، روایت شده است که فرمود: «... پس امامت فقط در نسل علی (علیه السلام) خواهد بود تا روز قیامت...»<sup>۴</sup>

۹- از علی بن ابی طالب (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: پیامبر فرمود: «من میان

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۲۳ و ۲۲۴.

۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۰۸ و ۲۰۹.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۶۹.

۴. کافی، ج ۱، ص ۱۹۸ و ۲۰۰.

شما دو چیز گران بها بر جای گذاشته‌ام، کتاب خدا و عترتم اهل بیت؛ که این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا در حوض بر من وارد شوند، مانند این دو؛ و سپس دو انگشت سبابه‌اش را به هم چسباند. جابر بن عبدالله انصاری به‌سوی ایشان برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! عترت شما چه کسانی هستند؟ فرمود: علی، حسن، حسین و امامان از فرزندان حسین تا روز قیامت.»<sup>۱</sup>

۱۰- از اباجعفر امام باقر (عج) درباره این سخن خداوند عزوجل ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمر را) روایت شده است که فرمود: «امامان از نسل علی و فاطمه (عج) هستند تا هنگامی که ساعت (قیامت) بر پا شود.»<sup>۲</sup>

۱۱- اصبح بن نباته می‌گوید: شنیدم امیرالمؤمنین (عج) می‌فرماید: «شنیدم رسول خدا (ص) می‌فرمود: بهترین کلام، عبارت «لا اله الا الله» و بهترین مخلوق، اولین کسی است که گفت «لا اله الا الله». سؤال شد: ای رسول خدا! اولین کسی که گفت «لا اله الا الله» چه کسی بود؟ فرمود: من؛ و من نوری در پیشگاه خداوند والا و بلندمرتبه بودم که او را یگانه می‌داشتم، تسبیح می‌کردم، تکبیر و تقدیس می‌نمودم و او را بزرگ می‌داشتم و به دنبال من نور شاهد من بود. گفته شد: ای رسول خدا! شاهد شما کیست؟ فرمود: او علی بن ابی‌طالب، برادرم، برگزیده‌ام، وزیرم، جانشینم، وصی من، امام امتم، صاحب حوض و پرچم‌دار من است. گفته شد: ای رسول خدا! چه کسی پس از او خواهد بود؟ فرمود: حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت؛ و پس از آن‌ها امامانی از فرزندان حسین تا روز قیامت.»<sup>۳</sup>

۱۲- از امام رضا (عج) روایت شده است که فرمود: «... حق تعالی در کتاب بلندمرتبه‌اش می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾ (به‌درستی که در این، عبرت‌هاست برای

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۴۴ و ۲۴۵.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۲۲.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۶۹.

هوشیاران). نخستین متوسمین، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود؛ سپس امیرالمؤمنین (علیه السلام) و پس از او حسن و حسین (علیهم السلام) و سپس امامان از فرزندان حسین تا روز قیامت...»<sup>۱</sup>

۱۳- از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در گفت‌وگویش با فاطمه زهرا (علیها السلام): «... سپس [خداوند] برای مرتبه سوم بر زمین نظری افکند و تو و دو فرزندت را برگزید؛ پس تو سرور زنان بهشت هستی و دو فرزندت حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت و فرزندان همسر تو، اوصیای من تا روز قیامت؛ که همگی شان هادی و مهدی هستند...»<sup>۲</sup>

۱۴- در حدیثی طولانی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است: «... سپس خداوند متعال نازل فرمود: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (امروز دین شما را برای شما کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم). رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تکبیر گفت و فرمود: الله اکبر، برای تمام کردن نعمت و کامل کردن نبوت من و دین خداوند عزوجل و ولایت علی پس از من. ابوبکر و عمر ایستادند و گفتند: ای رسول خدا! آیا این آیات به علی اختصاص دارد؟ فرمود: آری، در خصوص اوست و در خصوص اوصیای من تا روز قیامت... و من برای شما گواهی می‌دهم که این آیه به این شخص اختصاص دارد و دستش را بر کتف علی بن ابی طالب (علیه السلام) نهاد. و به دو فرزندش پس از او و پس از آنها برای اوصیا از فرزندانشان که آنها از قرآن جدا نمی‌شوند و قرآن نیز از آنها جدا نمی‌گردد تا بر حوض من بر من وارد شوند...»<sup>۳</sup>

۱۵- از اباعبدالله امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «پس از حسن و حسین (علیهم السلام) دیگر هیچ‌گاه امامت در دو برادر نخواهد بود، و تنها از علی بن الحسین (علیه السلام) جاری خواهد شد، چنانچه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾ (و خویشاوندان نسبت به یکدیگر در کتاب خدا سزاوارترند)؛ پس

۱. المحتضر، حسن بن سلیمان حلی: ص ۱۶۶ و ۱۶۷.

۲. کمال الدین و تمام النعمة: ص ۲۶۲ و ۲۶۳.

۳. کمال الدین و تمام النعمة: ص ۲۷۴ تا ۲۷۹.

بعد از علی بن الحسین علیه السلام فقط در فرزندان و فرزندان فرزندان خواهد بود.»<sup>۱</sup>

۱۶- از اباعبدالله امام صادق علیه السلام روایت شده است: «بعد از علی بن الحسین علیه السلام

امامت در دو برادر جمع نخواهد شد و تنها در فرزندان و فرزندان فرزندان خواهد بود.»<sup>۲</sup>

۱۷- از عبدالعلی بن اعین نقل شده است: شنیدم اباعبدالله امام صادق علیه السلام

می فرمود: «به راستی که خداوند عزوجل، علی علیه السلام را به وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و آنچه به او

رسید مخصوص گرداند. حسن و حسین علیهما السلام به آن اقرار کردند؛ سپس او به حسن علیه السلام

وصیت کرد و حسین تسلیم حسن بود تا اینکه امر به حسین رسید و احدی در آن با او به

منارعه برنخاست و هیچ کس سابقه ای همچون او نداشت و علی بن الحسین علیه السلام این را

سزاوار این سخن خداوند عزوجل می داند: ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ

اللَّهِ﴾ (و خویشاوندان نسبت به یکدیگر در کتاب خدا سزاوارترند)؛ پس (امامت) بعد از

امام سجاد تنها در فرزندان و فرزندان فرزندان بوده است.»<sup>۳</sup>

۱۸- از اباعبدالله امام صادق علیه السلام در خطبه ای در وصف ائمه علیهم السلام: «... پس خداوند

تبارک و تعالی پیوسته آنان را برای خلق خود برمی گزیند، از فرزندان حسین علیه السلام و از نسل

هر امامی؛ به همین منظور آنان را برمی گزیند، پاک می گرداند، برای خلقش انتخاب

می کند و به [پیشوایی] آنان برای خلقش رضایت می دهد، و از آن ها راضی است. هرگاه

امامی از آن ها درگذرد برای خلق خود از نسل او امامی منصوب می کند که رهبری مبین،

هدایتگری درخشان، امامی استوار، و حجت و عالم باشد. امامانی از طرف خدا که به حق

هدایت می کنند و به حق داوری می کنند. آن ها حجت های خدا، داعیان به او و والیان او

بر خلقش هستند که به رهبری آن ها بندگان هدایت شوند، به نورشان سرزمین ها آباد شود

و به برکتشان ثروت ها افزون گردد؛ خداوند آن ها را زندگی مردمان، چراغ های تاریکی،

کلیدهای سخن و ستون های اسلام قرار داد؛ به این ترتیب تقدیرهای خدا بر محتوماتش

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۸۵ و ۲۸۶.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۸۶.

۳. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۰۷.

در میان آن‌ها جاری است...»<sup>۱</sup>

۱۹- از اباعبدالله امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: «بعد از علی بن الحسین (علیه السلام) امامت در دو برادر نخواهد بود و تنها در فرزندان، در نسل حسین جاری خواهد بود.»<sup>۲</sup>

۲۰- از علی بن رئاب نقل است که گفت: ابوعبدالله امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هنگامی که فاطمه (علیها السلام) حسین (علیه السلام) را باردار بود، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: خداوند عزوجل به تو پسری خواهد داد که نامش حسین است و امت من او را به قتل می‌رساند. فاطمه فرمود: من به او نیازی ندارم. رسول خدا فرمود: خداوند به من وعده‌ای داده است. فاطمه پرسید: چه وعده‌ای؟ رسول خدا فرمود: به من وعده داده است که پس از او امامت را در فرزندان او قرار خواهد داد. فاطمه فرمود: راضی شدم.»<sup>۳</sup>

این روایات و دیگر روایات تصریح می‌کنند و تأکید دارند بر اینکه امامت در نسل امام حسین (علیه السلام) تا روز قیامت ادامه دارد و هرکس گمان می‌کند که امامت پیش از روز قیامت از نسل حسین (علیه السلام) جدا می‌شود، باید دلیلی قطعی بیاورد که تأویل‌پذیر نباشد.

ادامه‌داشتن امامت پس از امام مهدی (علیه السلام) در فرزندان حسین (علیه السلام) تا روز قیامت با وصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و روایات مهدیین (علیهم السلام) انسجام و سازگاری دارد؛ درحالی‌که با عقیده کسانی که بر امام دوازدهم محمد بن الحسن العسکری (علیه السلام) متوقف می‌شوند در تعارض است؛ پس بر آن‌ها واجب است با دلیلی قطعی‌الصدر و قطعی‌الدلاله از این تنگنای مهم اعتقادی رهایی یابند.

---

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۰۳ و ۲۰۴.

۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۰۸.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۱۶.

## قرینه سوم

روایت وصیت و روایات مهدیین با روایات متواتری که بر خالی نبودن زمین از امام تصریح دارند، به طور کامل هم‌خوانی دارد؛ و اینکه حتی اگر تنها دو نفر از مردم باقی بمانند یکی از آن دو حجت خواهد بود؛ به علاوه زمین و نیز مردم پس از وفات امام مهدی علیه السلام باقی خواهند بود؛ پس حتماً باید امامی باشد، وگرنه زمین از امام خالی خواهد شد؛ و این در حالی است که خالی بودن زمین از امام، مخالف روایات متواتری است که زمین از امام خالی نمی‌شود! همچنان که از قرینه دوم روشن شد، امامت پس از امام مهدی علیه السلام نیز حتماً منحصر در نسل ایشان است و این همان مطلبی است که وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگر روایات مهدیین و فرزندان قائم علیه السلام بر آن تصریح دارند که همان مطلوب و خواسته ماست.

اما این ادعا که رجعت بلافاصله پس از وفات امام مهدی علیه السلام خواهد بود ادعایی است که پشتوانه علمی صریحی ندارد و سرمنشأ آن به برخی روایاتی برمی‌گردد که اشاره دارند بر اینکه حسین بن علی علیه السلام بعد از قائم، مهدی یا حجت، بازمی‌گردد و این در حالی است که هیچ‌یک از این روایات منجر به دلیل قطعی و یقینی بر مدعای آن‌ها نمی‌شود؛ چراکه در پاسخ به آن‌ها گفته می‌شود: با کدام دلیل، یقین حاصل کردید که مراد از قائم یا مهدی یا حجت در این روایات به طور خاص محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است؟!

چراکه صفات «قائم»، «حجت» و «مهدی»، همگی بر امامان از نسل ایشان نیز صدق می‌کنند؛ اینان حجت‌های خداوند بر مردم، قائمان به امر امامت، و همه مهدی هستند؛ همچنان که روایات اهل بیت علیهم السلام تصریح می‌نمایند.

با در نظر گرفتن مجموع روایات مشخص می‌شود آن کسی که حسین بن علی علیه السلام بر او رجعت می‌کند، مهدی دوازدهم از نسل امام مهدی علیه السلام خواهد بود؛ همان کسی که فرزندی نخواهد داشت. این اعتقاد ما و چیزی است که براساس آن به دین خدا پایبند هستیم. این اعتقاد قطعی و تعیین شده است؛ چراکه روایات مهدیین متضمن معنایی است

که به صراحت بر بلافضل بودن حکومت مهدیین علیهم السلام پس از وفات امام مهدی علیه السلام دلالت دارند؛ مانند روایت وصیت که تصریح دارد بر اینکه وقتی امام مهدی علیه السلام وفاتش فرامی‌رسد، امر [امامت] را به فرزندش احمد علیه السلام که اولین مهدیین است تسلیم خواهد کرد. دلیل ما دلالتی است قطعی، درحالی که دلیل آن‌ها در بهترین حالت، دلالتی متشابه است؛ به علاوه ما با اصل ادامه داشتن امامت و اصل استمرار امامت از نسل حسین علیه السلام تا روز قیامت همراه هستیم؛ بنابراین کسی که مدعی است رجعت بلافاصله پس از امام مهدی علیه السلام خواهد بود، موظف است دلیلی محکم و تشکیک‌ناپذیر بیاورد که این کار ناممکن و چون دست کشیدن بر درخت خاردار است.

اکنون برخی از روایاتی را که بر خالی نشدن زمین از امام یا حجت دلالت دارد بیان خواهیم کرد:

۱- از اسحاق بن عمار از اباعبدالله امام صادق علیه السلام که فرمود: «به درستی که زمین از امام خالی نمی‌شود تا اگر مؤمنان چیزی را با نظر خود اضافه کردند آن را تصحیح و اگر چیزی را با نظر خود کم کردند برایشان کامل کند.»<sup>۱</sup>

۲- از حسین بن ابی‌علاء که می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ فرمود: «خیر.»<sup>۲</sup>

۳- از ابوبصیر از اباعبدالله امام صادق علیه السلام که فرمود: «به راستی که خداوند با عظمت‌تر از آن است که زمین را بدون امامی عادل رها نماید.»<sup>۳</sup>

۴- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «خداوند! به راستی که تو زمینت را از حجت خود بر خلقت خالی نمی‌گذاری.»<sup>۴</sup>

۵- از ابوحمزه از ابوجعفر امام باقر علیه السلام که فرمود: «به خدا سوگند، از زمان وفات

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۷۸.

۳. کافی، ج ۱، ص ۱۷۸.

۴. کافی، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲۴..... تواتر اخبار در استمرار امامت بعد از صاحب الزمان علیه السلام

آدم علیه السلام خداوند زمین را رها نکرد، مگر اینکه امامی در آن باشد که به وسیله او به سوی خدا هدایت شوند و او حجت خداوند بر بندگانش است و زمین بدون امامی که حجت خدا بر بندگانش باشد باقی نخواهد ماند.»<sup>۱</sup>

۶- از حمزة بن طیار از امام صادق علیه السلام که فرمود: «اگر تنها دو نفر باقی بمانند یکی از آن دو بر دیگری حجت خواهد بود.»<sup>۲</sup>

۷- از کرام نقل است که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر مردم تنها دو نفر می بودند یکی از آن دو حتماً امام می بود.» و فرمود: «آخرین کسی که می میرد امام است؛ تا هیچ کسی در برابر خداوند عزوجل احتجاج نکند که او را بدون حجت رها کرده است.»<sup>۳</sup>

۸- از یونس از یعقوب از اباعبدالله امام صادق علیه السلام که فرمود: «اگر جز دو نفر بر زمین باقی نمی ماندند حتماً یکی از آن دو نفر امام می بود.»<sup>۴</sup>

۹- از یعقوب بن شیبث نقل است که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: «نه به خدا سوگند که خداوند این امر [امامت و خلافت] را رها نمی کند، مگر اینکه کسی باشد که آن را تا روز قیامت به پا دارد.»<sup>۵</sup>

۱۰- بخاری در صحیح خود از ابن عمر از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: «این امر همیشه تا زمانی که دو نفر از مردم باقی باشند در قریش خواهد بود.»<sup>۶</sup>

۱۱- مسلم در صحیح خود از عبدالله از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: «این امر همیشه تا زمانی که دو نفر از مردم باقی باشند در قریش خواهد بود.»<sup>۷</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۳. کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۴. کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۵. غیبت نعمانی، ص ۶۲.

۶. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۵۵ و ج ۸، ص ۱۰۵.

۷. صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲ و ۳.



این روایات و دیگر روایات، تصریح و دلالت دارند بر اینکه امامت در گرو وجود مردم است، نه وابسته به وجود امام مهدی علیه السلام، به گونه‌ای که اگر وی وفات کند امامت پایان یابد و هیچ دلیلی هم بر نابودشدن مردم با وفات امام مهدی علیه السلام در دست نیست و حتی بر باقی‌بودن آن‌ها دلیل وجود دارد؛ پس حتماً امامت پس از امام مهدی علیه السلام ادامه خواهد داشت و حتماً باید امام از نسل حسین علیه السلام باشد یعنی به‌طور خاص از نسل امام مهدی علیه السلام - و این به‌طور کامل با وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و روایات مهدیین علیهم السلام مطابقت دارد.

## قرینه چهارم

روایت وصیت و روایات مهدیین با این سخن حق تعالی موافق است: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾<sup>۱</sup> (جز این نیست که تو تنها بیم‌دهنده‌ای هستی و هر قومی را رهبری است). این آیه به‌صراحت بیان می‌کند که هر قومی هدایت‌کننده‌ای دارد و از آنجا که پس از وفات امام مهدی علیه السلام نیز قوم و حتی اقوامی باقی خواهند بود، پس حتماً باید هدایتگرانی هم داشته باشند؛ آن‌ها همان مهدیین و اوصیا از نسل امام مهدی علیه السلام هستند؛ و روایاتی وارد شده است در خصوص اینکه این آیه را به علی بن ابی‌طالب علیه السلام و اوصیای هدایتگر از نسل او تفسیر کرده‌اند:

- ۱- محمد بن مسلم می‌گوید: از امام صادق علیه السلام از این سخن خداوند عزوجل پرسیدم: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ (جز این نیست که تو تنها بیم‌دهنده‌ای هستی و هر قومی را رهبری است). فرمود: «هر امامی برای هر قومی در زمانشان هدایتگر است.»<sup>۲</sup>
- ۲- فضیل می‌گوید از امام صادق علیه السلام دربارهٔ ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ پرسیدم. حضرت فرمود: «هر امام، هدایتگرِ عصری است که در آن هستند.»<sup>۳</sup>

۱. رعد، ۷.

۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ص ۶۶۷.

۳. کافی، ج ۱، ص ۱۹۱.

۳- برید بن معاویه عجلای می‌گوید: به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: معنای ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ (جز این نیست که تو تنها بیم‌دهنده‌ای هستی و هر قومی را رهبری است) چیست؟ فرمود: «انذاردهنده رسول خدا (ص) است و علی (علیه السلام) نیز هادی، و در هروقت و در هر زمانی امامی از ما، مردم را به آنچه رسول خدا (ص) آورده است هدایت می‌کند.»<sup>۱</sup>

۴- از امام باقر (علیه السلام) درباره این سخن خدا که ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ نقل شده که فرمود: «مراد از مُنذِر، رسول‌الله (ص) است و در هر زمانی از ما یک نفر راهبر و هادی خواهد بود که مردم را به راه دین پیغمبر خدا هدایت می‌کند. راهبران بعد از رسول اکرم، علی (علیه السلام) و تک‌تک اوصیا یکی پس از دیگری هستند.»<sup>۲</sup>

۵- ابوبصیر می‌گوید به امام صادق (علیه السلام) آیه ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ را عرض کردم، فرمود: «بیم‌دهنده، رسول خدا (ص) و رهبر، علی (علیه السلام) است. ای ابومحمد، آیا امروز رهبری هست؟» عرض کردم: آری فدایت گردم! همیشه از شما رهبری پس از رهبر دیگری بوده تا به شما رسیده است. فرمود: «رحمت خداوند بر تو ای ابومحمد! اگر این‌گونه بود که وقتی آیه‌ای درباره مردی نازل می‌شد و آن مرد می‌مُرد، آن آیه هم از بین می‌رفت [و مصداق دیگری نداشت] و قرآن مرده بود؛ ولی قرآن همیشه زنده است و بر بازماندگان منطبق می‌شود چنانچه بر گذشتگان منطبق بوده است.»<sup>۳</sup>

۶- از امام باقر (علیه السلام) درباره گفته‌ی خدای تبارک و تعالی ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ نقل شده است که فرمود: «رسول خدا (ص)، بیم‌دهنده و علی (علیه السلام)، رهبر است. به خدا سوگند که مقام هدایت و رهبری از میان ما نرفته و تا ساعت [قیامت] هم در میان ما خواهد بود.»<sup>۴</sup>

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۶۷.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۹۱ و ۱۹۲.

۳. کافی، ج ۱، ص ۱۹۲.

۴. کافی، ج ۱، ص ۱۹۲.

۷- ابن جریر طبری در کتاب جامع البیان (ج ۱۳، ص ۱۴۲) به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که هنگامی که این آیه نازل شد، رسول خدا ﷺ دستش را بر سینه خود قرار داد و فرمود: **من همان منذر و هشداردهنده هستم؛ و هر قومی هدایتگری دارد؛ سپس با دستش به شانه علی رضی الله عنه اشاره کرد و فرمود: ای علی، هدایتگر تو هستی. هدایت یافتگان پس از من به وسیله تو هدایت می شوند.**<sup>۱</sup>

۸- حاکم نیشابوری در مستدرک الصحیحین (ج ۳، ص ۱۳۰) به سند خود از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت می کند که درباره آیه محل بحث فرمود: **«رسول خدا ﷺ منذر (هشداردهنده) بود و من هدایتگرم.»**

حاکم نیشابوری در ذیل این روایت می نویسد: این حدیث صحیح السند است، اما آن دو نفر (بخاری و مسلم) آن را نقل نکرده اند!

۹- ابن ابی حاتم در تفسیر خود (ج ۷، ص ۲۲۲۵، شماره روایت ۱۲۱۵۲) با سند از امام علی رضی الله عنه نقل می کند که فرمود: **«هر قومی هدایتگری دارد، یعنی هدایتگرشان مردی از بنی هاشم است.»** ابن ابی حاتم می گوید ابن جنید گفت: آن شخص بنی هاشمی همان علی بن ابی طالب رضی الله عنه است.<sup>۲</sup>

بنابراین هدایت کننده ها برای هر زمان و برای هر قومی از فرزندان علی بن

---

۱. ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح الباری، ج ۸، ص ۲۸۵ می گوید: این حدیث با سند حسن روایت شده است.

۲. طبرانی در المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۹۴ و ج ۵، ص ۱۵۳ تا ۱۵۴ این حدیث را آورده است.

مسند احمد بن حنبل ج ۱، ص ۱۲۶.

احمد محمد شاکر در تعلیق و حاشیه خود بر کتاب مسند احمد (ج ۲، ص ۴۸ و ۴۹) این روایت را تصحیح کرده است و می گوید: «سندش صحیح است. مطلب بن زیاد بن ابی زهیر ثقفی کوفی ثقه است؛ چون احمد و ابن معین و دیگران او را توثیق کرده اند و بخاری در کتاب الکبیر (ج ۸، ص ۲، ج ۴) احوال او را ذکر کرده و هیچ مذمت و عیبی درباره او نگفته است... و این حدیث از اضافات عبدالله بن احمد است.»

هیثمی در مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۴۱ درباره این روایت گفته است: «عبدالله بن احمد و طبرانی در المعجم الصغیر و المعجم الاوسط آن را نقل کرده اند و رجال و راویان مسند احمد همگی ثقه (معتبر و مورد اعتماد) هستند.»

ابی طالب علیه السلام هستند تا روز قیامت و این به طور کامل با وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و روایات مهدیین علیهم السلام موافق است؛ اما کسی که مدعی است رجعت بلافاصله پس از امام مهدی علیه السلام خواهد بود دلیلش استوار نیست و با روایاتی که بر بلافاصله بودن حکومت مهدیین پس از وفات پدرشان امام مهدی علیه السلام دلالت قطعی دارد در تعارض است؛ چنانچه توضیح این مطلب گذشت.

### قرینه پنجم

در روایات، از عمر امام مهدی علیه السلام پس از قیام مقدسش سخن به میان آمده که مدت زمان بسیار کوتاهی است. مشهورترین این روایات، روایاتی است که حکومت ایشان را به پنج، هفت، هشت یا نه سال محدود می‌کند و نیز روایاتی که حکومت ایشان را نوزده سال بیان می‌دارند. اگر این مدت زمان را با مدت غیبت امام مهدی علیه السلام که بیش از هزار سال طول کشیده است مقایسه کنیم بسیار کوتاه خواهد بود؛ حال اگر این مدت زمان اندک را با طول زمانی که بشریت از زمان پیامبر خدا حضرت آدم علیه السلام تاکنون در ظلم و جور و فساد سپری کرده است مقایسه کنیم، وضعیت به چه صورت خواهد بود؟ درحالی که بشریت در انتظار دولت عدل الهی است که زمین به وسیله آن، از عدل و داد پر خواهد شد، پس از آنکه از ظلم و جور لبریز شده بود. حال آیا عاقلانه است که دولت عدل مورد انتظار، ده، بیست یا پنجاه سال باشد، در برابر هزاران سال ظلم و جور؟! باوجود اینکه اهلیت علیهم السلام اشاره فرموده‌اند که حکومت حق بیش از دولت باطل به طول خواهد انجامید؛ همچنان که در روایت زیر آمده است:

۱- یونس بن رباط می‌گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «همانا اهل حق همیشه در سختی بوده‌اند. آگاه باشید که این وضعیت تا مدتی اندک ادامه خواهد داشت و عافیت و گشایش، طولانی خواهد بود.»<sup>۱</sup>

۲- در حدیث قدسی طولانی از رسول خدا (ص) آمده است که پس از یاد قائم (علیه السلام) فرمود: «... سپس حکومتش ادامه خواهد داشت و روزها بین اولیای من خواهد گشت تا روز قیامت...»<sup>۱</sup>

۳- امام علی (علیه السلام) فرمود: دنیا پس از روی گردانی اش، همانند روی آوردن ماده شتر به بچه اش به ما روی خواهد نمود. سپس این آیه را تلاوت فرمود: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم).<sup>۲</sup>

۴- از سعید بن سالم جیشانی که گفت: شنیدم علی (علیه السلام) می فرمود: «این امر برای آن هاست تا اینکه کشته هایشان کشته شوند [آنهایی که باید کشته شوند کشته می شوند] و با هم به رقابت برخیزند؛ پس وقتی این چنین شد خداوند اقوامی را از مشرق بر آنها برمی انگیزد و مسلط می کند که آنها را می کشند. به خدا سوگند، اگر آنها یک سال حکومت کنند حکومت ما دو سال و اگر دو سال حکومت کنند حکومت ما چهار سال خواهد بود.»<sup>۳</sup>

۵- از حسن بن علی (علیه السلام) روایت شده است که روزی از میان گروهی در مسجد کوفه عبور می کرد که عده ای از بنی امیه میانشان بودند. آنها با دیدن او با گوشه چشم به یکدیگر اشاره کردند و این هنگامی بود که معاویه بر امارت مسلط شده بود. وی آنها و چشم نازک کرد نشان را دید. دو رکعت نماز به جا آورد و سپس فرمود: «چشم نازک کردن شما را دیدم. به خدا سوگند، شما روزی را مالک [حکومت] نخواهید بود، مگر اینکه ما دو روز داشته باشیم، ماهی حکومت نخواهید کرد مگر آنکه ما دو ماه حکومت کنیم و سالی بر

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۵۴ تا ۲۵۶.

۲. نهج البلاغه، ج ۴، ص ۴۷، ح ۲۰۹.

۳. الفتن، نعیم بن حماد، ص ۱۱۰؛ شرح الاخبار، قاضی نعمان مغربی، ج ۲، ص ۲۸۹، از سعید بن ابی سالم از پدرش از امیرالمؤمنین (علیه السلام).

شما نخواهد گذشت مگر اینکه ما دو سال مالکش باشیم.»<sup>۱</sup>

۶- از سلیم بن قیس هلالی از سلمان فارسی روایت است که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: «ای مردم، آیا شما را به مهدی بشارت دهم؟» گفتند: آری. فرمود: «بدانید که خداوند پادشاهی عادل و امامی دادگر در امتم برمی‌انگیزد که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آنگاه که از ظلم و جور لبریز شده است. او نهمین فرزند فرزندم حسین است. نام او نام من و کنیه او کنیه من است. آگاه باشید خیری در زندگی پس از او نیست و حکومتش پایان نمی‌پذیرد، مگر چهل روز پیش از قیامت.»<sup>۲</sup>

بنابراین، حکومت قائم و سلطنت او تا روز قیامت ادامه خواهد داشت و طبق تعبیر این حدیث قدسی، «سپس حکومتش ادامه خواهد داشت و روزها بین اولیای من خواهد گشت تا روز قیامت»، دولت قائم (عج) و حکومتش با اولیای خداوند متعال ادامه خواهد یافت؛ آن‌ها همان مهدیین از نسل امام مهدی (عج) هستند. چگونه حکومت قائم (عج) و سلطنت او با صفت طولانی بودن و ادامه‌دار بودن توصیف می‌شود. اگر تنها برای هفت، نه یا حتی نوزده سال باشد؟!

استمرار فرمانروایی قائم (عج) و گسترش حکومتش تا کل عالم را در بر گیرد و بقای آن تا روز قیامت، با عقیده مهدیین دوازده‌گانه پس از امام مهدی (عج) به‌طور کامل سازگار است؛ همان کسانی که با وصیت پیامبر خدا حضرت محمد (ص) در شب وفاتش بر آن‌ها تصریح شده است.

## قرینه ششم

عالم رجعت عالمی است که خصوصیات خودش را دارد و با عالم آخرت و عالم زندگی مادی این دنیا (دولت قائم (عج)) متفاوت است؛ به همین دلیل اهل بیت (عج) از این عوالم

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۹۰.

۲. کتاب سلیم بن قیس، ص ۴۷۸.

سه‌گانه به روزهای خداوند متعال تعبیر کرده‌اند:

از مثنی حناط از جعفر بن محمد از پدرش (علیه السلام) روایت شده است: «روزهای خداوند عزوجل سه تا هستند: روزی که قائم قیام می‌کند، روز رجعت و روز قیامت.»<sup>۱</sup>

در اینجا تعدد، بر متفاوت بودن این روزهای سه‌گانه گواهی می‌دهد. مشخص است که روز قیامت متفاوت از روز قائم (علیه السلام) یعنی زندگی مادی این دنیاست؛ پس روز رجعت نیز با دو روز قیامت و روز قائم (علیه السلام) متفاوت خواهد بود. منظور از روز در اینجا به معنای متعارفش (شبان‌روز) نیست، بلکه منظور مرحله یا وضعیت است. یمانی آل محمد (علیهم السلام) در کتاب «رجعت، سومین روز بزرگ خدا» این مطلب را شرح داده و در توضیحی بر روایت پیشین به‌طور کامل بیان می‌دارد که رجعت، عالمی است مستقل:

«بله، موضوع واضح و مشخص است؛ اینکه هر حادثه در روز خاص خود یعنی در وقت و عالمی متفاوت به‌وقوع می‌پیوندد؛ در خصوص روز قائم (علیه السلام) واضح و شناخته‌شده است که در این زندگی جسمانی که در آن زندگی می‌کنیم قرار دارد و خلاصه و ماحصل آن است؛ و همان‌طور که معروف و شناخته‌شده است روز قیامت در آخرت و عالمی دیگر غیر از این عالم جسمانی است. می‌ماند روز رجعت و تأکید می‌کنم که آن عالم دیگری است، وگرنه به آن «روز» یعنی «وقت» و «آن مستقل» در برابر زندگی جسمانی و قیامت اختصاص داده نمی‌شد؛ پس، از جمله آن‌ها نیست.»<sup>۲</sup>

«عالم رجعت، غیر از این عالمی است که ما در آن زندگی می‌کنیم و این مطلب از روایات روشن و آشکار است؛ مثلاً روایاتی که دلالت بر این مطلب دارند که رجعت جهانی دیگر است، صفاتی را برای عالم رجعت بیان می‌کنند که با صفات این عالم منافات دارد؛ مثلاً اینکه انسان در آن عمر طولانی دارد

۱. معانی‌الاخبار، ص ۳۶۵-۳۶۶.

۲. رجعت، سومین روز بزرگ خدا، ص ۱۴ (عربی) [صفحه ۲۶ فارسی].

و فرزندان بسیاری برای او خواهد بود؛ علاوه بر آن، آیاتی از قرآن که دلالت بر رجعت دارد و می‌گوید رجعت، زندگانی بعد از مرگ است؛ حال وضعیت چگونه خواهد بود، اگر مردم در آن هنگام ببینند که مردگان بسیاری از گورها سر بر بیاورند؛ در این صورت امتحان و آزمایش کجا خواهد بود و چرا برخی از مردم سرپیچی و نافرمانی کنند؟<sup>۱</sup>

همچنین می‌فرماید:

«توجه شما را به مسئله‌ای در خصوص رجعت جلب می‌کنم؛ عاقل وقتی از روایات رجعت و چگونگی زندگی در آن و اینکه چه تعداد فرزند برای هر شخص به دنیا می‌آید و... اطلاع پیدا می‌کند، نتیجه می‌گیرد که رجعت عالمی دیگر است. عقل و واقعیت این را نمی‌پذیرند که این نکات متعلق به این دنیا با این محدودیت‌هایی که دارد باشند و این برداشت از نظر خردمندان غیرقابل قبول است، اما با کسانی که هیچ سخنی را درک نمی‌کنند چه کنیم؟!»<sup>۲</sup>

بنابراین، ما نمی‌پذیریم که رجعت به معنای متعارفش ضمن دولت قائم (عج) باشد؛ بلکه عالم مستقل دیگری است که این عالم مادی بعد از صدها یا هزاران سال پس از وفات امام مهدی (عج) به آن خواهد رسید؛ به این ترتیب چاره‌ای نیست از اینکه بپذیریم فاصله‌ای بین وفات امام مهدی (عج) و رجعت وجود خواهد داشت که این فاصله همان حکومت و امامت مهدیین (عج) از فرزندان امام مهدی (عج) است.

از همین رو سید احمد الحسن (عج) می‌فرماید:

«در نهایت حرکتِ فلکِ اعظم (منظورم قوس نزول است) و آغاز بالا رفتن آن به سمتی دیگر، تبدیل شدن این عالم جسمانی به جحیم آغاز خواهد شد و

۱. رجعت، سومین روز بزرگ خدا، ص ۱۶ (عربی) [صفحه ۲۹ فارسی].

۲. رجعت، سومین روز بزرگ خدا، ص ۱۶ (عربی) [صفحه ۲۹ فارسی].



این عالم شعله‌ور می‌گردد. مجازات کسانی که زخرف و زر و زیور دنیا را برگزیدند و به خاطر آن خداوند را عصیان نمودند بازگشت آن‌ها به چیزی است که خود انتخاب کرده‌اند، یا همان باقی ماندن آن‌ها در آن است؛ چراکه جهنم با عملکرد، کردار و ظلم و ستم آن‌ها مشتعل خواهد شد.

اکنون مناسبت آیه پیشین برای شما روشن شده است: ﴿يَسْتَعِجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾ (از تو بهشتاب، طلب عذاب می‌کنند، حال آنکه جهنم بر کافران احاطه دارد).

در ابتدای صعود قوس نزول، «عالم رجعت» آغاز می‌شود که عالمی دیگر و امتحانی دیگر است، برای کسانی که ایمان خالص و کسانی که کفر خالص داشته‌اند. عالم رجعت با پایان زمامداری مهدی دوازدهم (علیه السلام) آغاز می‌شود؛ او همان قائمی است که حسین (علیه السلام) بر او خروج می‌کند.<sup>۱</sup>

همچنین می‌فرماید:

«امیدوارم توجه داشته باشی که رجعت در آسمان دنیاست؛ زیرا آسمان دنیا به دو آسمان جسمانی و آسمان اول تقسیم می‌شود و رجعت در آسمان اول تحقق می‌یابد. این ملاحظه را از باب تذکر و یادآوری بیان کردم؛ زیرا چه بسا برخی از کسانی که علمی ندارند گمان کنند آسمان دنیا فقط همین آسمان جسمانی است، باوجود اینکه آسمان جسمانی تنها جزئی از آسمان دنیاست که پیش‌تر در کتاب‌ها بیان نمودم. خدا شما را توفیق دهد. و حتی چه بسا برخی گمان کنند آسمان اول همان آسمان اجسام یا آسمان جسمانی است، باینکه با آن تفاوت دارد و به‌رغم اینکه هر دو در پیدایش آسمان دنیا با یکدیگر مشارکت دارند.»<sup>۲</sup>

۱. مشاهدات، ج ۴، پرسش ۱۷۵.

۲. رجعت، سومین روز بزرگ خدا، ص ۲۴ (عربی). [صفحه ۴۵ فارسی]

همچنین سید احمد الحسن علیه السلام معنای زمین و دنیایی که در روایات رجعت از اهل بیت علیهم السلام درباره‌شان سخن به میان آمده است را روشن ساخته‌اند. هرکس خواهان تفصیل و توضیح بیشتری در این خصوص است می‌تواند به کتاب «رجعت، سومین روز بزرگ خدا» مراجعه کند.

با توجه به آنچه گفته شد:

۱- رجعت عالمی است مستقل که با دولت و دوران امام مهدی علیه السلام تفاوت دارد. این عالم شامل تعدادی مرحله است که این کیهان و بشریت از آن‌ها عبور می‌کنند تا به رجعت برسند و این چیزی است که پیاده‌شدنش بلافاصله پس از وفات امام مهدی علیه السلام ممکن نیست؛ به‌خصوص اگر در نظر داشته باشیم آن‌گونه که روایت‌ها بیان می‌کنند مدت عمر امام مهدی علیه السلام در دولتش پس از قیامش کوتاه خواهد بود که مدت زمانی کافی نخواهد بود؛ حتی اگر بپذیریم این مدت سیصد و چند سال باشد.

۲- از آنجاکه عالم رجعت عالمی متفاوت از زندگی مادی این دنیاست، پس اصل این است که بلافاصله پس از وفات امام مهدی علیه السلام نباشد و از کسی که گمان می‌کند رجعت بلافاصله پس از امام مهدی علیه السلام است دلیلی خواسته می‌شود که دلالتش قطعی و صدورش نیز قطعی باشد که چنین چیزی در دست نیست؛ و این در حالی است که دلیل بلافاصله بودن حکومت مهدیین علیهم السلام پس از وفات پدرشان امام مهدی علیه السلام قطعی الدلاله و قطعی الصدور و موافق با اصل است.

۳- از آنجاکه روز قائم علیه السلام یعنی دولت او- با رجعت متفاوت است ثابت می‌شود که دولت و حکومت او تا روز قیامت ادامه خواهد داشت؛ و از آنجاکه عمر امام مهدی علیه السلام پس از قیامش کوتاه است، پس حتماً باید امتدادی داشته باشد تا در حکومت و اقامه دولتش - که دولت عدل الهی است- جانشینی آن حضرت را عهده‌دار شود؛ همان‌گونه که خداوند متعال در حدیث قدسی می‌فرماید:

«سپس حکومتش ادامه خواهد داشت و روزها بین اولیای من خواهد گشت تا روز

قیامت.»

و پیامبر خدا حضرت محمد (ص) فرموده است:

«و دولتش پایان نمی‌پذیرد، مگر چهل روز پیش از قیامت.»

و این تنها با اعتقاد به امامت مهدیین (عج) پس از وفات امام مهدی (عج) هم‌خوانی دارد.

## قرینه هفتم

لازمه اعتقاد به متصل‌بودن رجعت به وفات امام مهدی (عج) اعتقاد به رد همه روایاتی است که به امامت و حکومت اوصیای امام مهدی (عج) پس از آن حضرت تصریح یا اشاره دارند؛ چراکه پس از رجعت، جز روز قیامت کبرا نخواهد بود و در این صورت زمانی برای حکومت مهدیین (عج) باقی نخواهد ماند. این جسارتی است بسیار خطیر؛ چراکه مردم را به انکار امامت دوازده وصی - که بر امامت و حجیتشان تصریح شده است - می‌کشاند و انکارکننده یک امام از ائمه (عج) همانند انکارکننده همه آنهاست که این مطلب از طریق اهل بیت (عج) ثابت شده است.

این در حالی است که اعتقاد به امامت و حکومت مهدیین بلافاصله پس از وفات پدرشان امام مهدی (عج) ما را با هیچ‌یک از روایات اهل بیت (عج) به چالش نمی‌کشاند، چه روایات رجعت و چه روایات مهدیین که اوصیای امام مهدی (عج) هستند. مهدیین بلافاصله پس از امام مهدی (عج) می‌آیند و رجعت پس از آنها خواهد بود؛ و خدا سختی و مشقت جنگ را از مؤمنان برداشت.

گفته می‌شود: حق آشکار است و باطل مردود.

## قرینه هشتم

روایات متواتری از اهل بیت (عج) رسیده که تصریح دارند بر اینکه امام یا حجت نمی‌میرد، مگر اینکه فرزندی یا نسلی یا کسی از خانواده او بر جا بماند که علمی همانند علم او داشته باشد؛ یعنی امام از دنیا نمی‌رود تا اینکه از فرزندانش، امام، حجت و

جانشینی پس از خود بر جا بگذارد. مهم‌ترین این روایات عبارت‌اند از:

۱- از حسین بن ابوحمزه از پدرش از اباجعفر امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ای ابوحمزه! زمین خالی نخواهد شد مگر اینکه عالمی از ما در آن باشد؛ تا اگر مردم چیزی را (به دین) اضافه کردند بگوید اضافه کردند و اگر کم کردند بگوید کم کردند و خداوند آن عالم را از دنیا نمی‌برد تا اینکه در فرزندانش کسی را ببیند که علمی همچون علم او داشته باشد.»<sup>۱</sup>

۲- از احمد بن محمد بن ابی‌نصر از عقبه بن جعفر نقل شده است: به ابوالحسن امام رضا علیه السلام عرض کردم: رسید آنچه باید می‌رسید، درحالی که شما فرزندی نداری. فرمود: «ای عقبه بن جعفر! صاحب این امر نمی‌میرد تا فرزندی را که پس از او جانشینش خواهد بود ببیند.»<sup>۲</sup>

۳- ابوبصیر می‌گوید: از اباجعفر امام باقر علیه السلام در خصوص این سخن خداوند عزوجل ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ﴾ (و آن را در پشت خود سخنی پاینده کرد) پرسیدم، فرمود: «در نسل حسین علیه السلام است. از هنگامی که این امر به حسین رسید، دائم از فرزندی به فرزند دیگر منتقل می‌شود و به برادر و عمو نمی‌رسد و هیچ‌یک از آن‌ها عالم نمی‌شود مگر آنکه فرزندی داشته باشد...»<sup>۳</sup>

۴- زراره می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا ممکن است امام از دنیا برود و فرزندی نداشته باشد؟ فرمود: «این چنین نیست.» گفتم: پس چگونه است؟ فرمود: «این چنین نیست، مگر آنکه خداوند عزوجل بر بندگانش غضب و در عقوبتشان تعجیل فرماید.»<sup>۴</sup>

۵- محمد بن مسلم از ابوجعفر امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «علی علیه السلام عالم

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۲۸.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۲۹.

۳. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۵۸.

۴. کمال الدین، ص ۲۰۴.

این امت است و علم به ارث می‌رسد و هیچ‌کس از آن‌ها نمی‌میرد تا اینکه از اهل او کسی به دنیا بیاید که علمی همچون او داشته باشد.»<sup>۱</sup>

۶- از اباعبدالله امام صادق (علیه السلام) در خطبه‌ای در وصف ائمه (علیهم السلام): «... پس خداوند تبارک‌وتعالی آنان را پیوسته برای خلق خود برمی‌گزیند، از فرزندان حسین (علیه السلام) و از نسل هر امامی؛ به همین منظور آنان را برمی‌گزیند، پاک می‌گرداند، برای خلقت انتخاب می‌کند و به [پیشوایی] آنان برای خلقت رضایت می‌دهد، و از آن‌ها راضی است. هرگاه امامی از آن‌ها درگذرد برای خلق خود از نسل او امامی منصوب می‌کند که رهبری مبین، هدایتگری درخشان، امامی استوار، و حجت و عالم باشد. امامانی از طرف خدا که به حق هدایت می‌کنند و به حق داور می‌کنند.»<sup>۲</sup>

۷- از زراره و فضیل از ابوجعفر امام باقر (علیه السلام) که فرمود: «علمی که با آدم (علیه السلام) نازل شد، بالا نرفته است و علم به ارث می‌رسد. علی (علیه السلام) عالم این امت بود و این چنین است که عالمی از ما نمی‌میرد، مگر آنکه کسی از اهل و خانواده او که علمی همچون علم او داشته باشد جانشین او گردد یا آنچه خدا بخواهد.»<sup>۳</sup>

۸- از محمد بن مسلم از اباجعفر امام باقر (علیه السلام) که فرمود: «علی (علیه السلام) عالم این امت است و علم به ارث می‌رسد و هیچ‌یک از ما نمی‌میرد تا اینکه از اهل بیتش کسی به دنیا بیاید که علمی همچون او داشته باشد یا هر چه خدا بخواهد.»<sup>۴</sup>

۹- فضیل بن یسار می‌گوید: از امام صادق و امام باقر (علیهم السلام) شنیدم که فرمودند: «علمی که با آدم (علیه السلام) فرود آمد بالا نرفته است و علم به ارث می‌رسد. هر جزئی از علم و آثار فرستادگان و انبیا که از سوی اهل این خانه نباشد باطل است. علی (علیه السلام) عالم این امت بود و اینکه عالمی از ما نمی‌میرد، مگر آنکه کسی را جانشین خود کند که علمی همچون

۱. بصائر الدرجات، ص ۱۳۸.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۰۳.

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۲۲.

۴. کمال الدین، ص ۲۲۳.

علم او داشته باشد یا آنچه خدا بخواهد.»<sup>۱</sup>

این روایات و دیگر روایات، قطعی الصدور و قطعی الدلالة هستند بر اینکه هیچ امامی از ائمه (عج) از دنیا نمی‌رود، مگر اینکه فرزند یا پستی از اهلش داشته باشد که امام مردم و حجت بر بندگان باشد. محمد بن الحسن (عج) قطعاً امام و دوازدهمین ائمه (عج) است؛ بنابراین، حتماً باید پیش از اینکه از دنیا برود فرزندی داشته باشد که حجت و امام باشد؛ و این موافق وصیت مقدس و روایات مهدیین (عج) و مخالف کسانی است که به بلافاصله بودن رجعت پس از وفات امام مهدی (عج) معتقد هستند.

بنابراین، ما می‌توانیم این مطلب را اصل سومی در نظر بگیریم که به دو اصل پیشین اضافه می‌شود؛ یعنی به دو اصل استمرار امامت و اصل وجود امامت در نسل حسین (عج) در فرزندان و فرزندان فرزندان او تا روز قیامت.

هرکس گمان می‌کند امام مهدی (عج) نسلی ندارد که امام باشد، از او برای مدعایش دلیلی قطعی الصدور و قطعی الدلالة خواسته می‌شود؛ در غیر این صورت تمام بافته‌هایش پنبه‌ای بیش نیست.

## قرینه نهم

روایات به برخی دستاوردهای بزرگ امام مهدی (عج) می‌پردازند؛ دستاوردهایی که ممکن نیست به‌طور معمول طی مدت‌زمان کوتاهی که درباره عمر امام مهدی (عج) پس از قیامش روایت شده است به دست بیایند. برخی از این دستاوردها عبارت‌اند از:

۱. اینکه او زمین را از قسط و عدل پر می‌کند همان‌طور که از ظلم و ستم پر شده است؛

۲. خیر و مال در دولتش به حدی می‌رسد که دیگر کسی نیاز ندارد و انسان می‌گردد تا با طلا صدقه بدهد، ولی کسی از او نمی‌پذیرد؛

۳. ساخت مسجدی در پشت کوفه که هزار در دارد؛
  ۴. هیچ خرابی‌ای بر جا نمی‌ماند مگر اینکه آبادش می‌کند؛
  ۵. هر حقی را به اهلش بازمی‌گرداند؛
  ۶. از بین رفتن کینه و دشمنی از دل‌های بندگان و هم‌زیستی درندگان و چهارپایان؛
  ۷. تربیت و پرورش امت بر اساس قرآن و سنت شریف و رشد دادنش تا مراتب کمال مطلوب؛
  ۸. آوردن بیست و پنج حرف علم و انتشار آن بین امت؛
  ۹. یکتاپرستی همهٔ عالم زیر پرچم اسلام حنیف محمدی.
- به‌طور خلاصه مهدی (علیه السلام) تمام عالم را از بُعد ایمانی، روحی، اخلاق، علمی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... به کمال مطلوب خواهد رساند.
- و این چیزی است که به‌طور معمول، تحقق‌یافتنش حتی در چند قرن نیز ممکن نیست، چه برسد به سال‌های اندکی که امام مهدی (علیه السلام) پس از قیامش خواهد زیست؛ سال‌هایی که بیشترشان صرف جنگ‌ها، سرکوب‌فتنه‌ها، پرچم‌های گمراه، ریشه‌کن کردن انحراف و اهلش خواهد شد.
- به همین دلیل می‌بینیم اهل بیت (علیهم‌السلام) بر این نکته تأکید داشته و شیعیانشان را توجه داده‌اند که عمل و دستاوردهای فرزندان همان عمل و دستاوردهای پدران ائمه‌شان (علیهم‌السلام) است.
- ۱- از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «... اگر دربارهٔ مردی از ما، چیزی گفتیم و در فرزندش یا فرزند فرزندش بود آن را انکار نکنید.»<sup>۱</sup>
  - ۲- از ابراهیم بن عمر یمانی از امام صادق (علیه السلام) که فرمود: «اگر دربارهٔ مردی سخنی گفتیم و در او نبود و در فرزندش یا فرزند فرزندش بود آن را انکار نکنید؛ چراکه خداوند

تعالی هر آنچه بخواهد انجام می‌دهد.»<sup>۱</sup>

۳- از احمد بن عائد از ابو خدیجه که گفت: شنیدم اباعبدالله امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «مردی به عدالت یا ظلم قیام می‌کند و به او نسبت داده می‌شود، اما خودش آن را انجام نداده، بلکه فرزند یا فرزند فرزندش پس از او انجام داده است؛ آن عمل، عمل خود او خواهد بود.»<sup>۲</sup>

۴- از امام رضا علیه السلام از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر چیزی درباره مردی گفته شد و در او نبود و پس از او در فرزند او بود قطعاً درباره خود اوست.»<sup>۳</sup>  
و این به طور کامل با وصیت مقدس و روایات مهدیین علیهم السلام موافقت دارد.

پس دستاوردهایی که امام مهدی علیه السلام فرصت نمی‌کند آن‌ها را به انجام برساند یا کامل کند، به دست اوصیای آن حضرت مهدیین دوازده‌گانه از نسل او- انجام خواهد گرفت و کامل خواهد شد و عمل آن‌ها همان عمل اوست؛ چراکه آن‌ها از او و به‌سوی او هستند. این همان نکته‌ای است که پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در خصوص امام مهدی علیه السلام و فرزندان وصی او تصریح فرموده، چنانچه در حدیث زیر آمده است:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مهدی علیه السلام را یاد کرد و خیرات و فتوحاتی را که خداوند به دستان او جاری می‌کند. گفته شد: ای رسول خدا! همه این‌ها را خدا برای او قرار داده است؟ فرمود: «بله، و آنچه در زندگانی او و روزهای او توسط خودش انجام نشود در زمان امامان پس از او از فرزندانش انجام خواهد شد.»<sup>۴</sup>

مهدیین علیهم السلام همان کسانی هستند که برای طول عمر و برآورده شدن آرزوهایشان دعا می‌شود؛ همان‌طور که در دعای امام رضا علیه السلام و دعای امام مهدی علیه السلام در حق خودش آمده است:

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۳۵.

۲. کافی، ج ۱، ص ۵۳۵.

۳. قرب الاسناد، حمیری قمی، ص ۳۴۸ تا ۳۵۲، ح ۱۲۶۰.

۴. شرح الاخبار، قاضی نعمان مغربی، ج ۲، ص ۴۲.



از یونس بن عبدالرحمان: امام رضا (علیه السلام) برای صاحب این امر به صورت زیر دعا می فرمود: «... خدایا، بر والیان عهدش و پیشوایان پس از او درود فرست و آنان را به آرزوهایشان برسان و بر عمرشان بیفزا و پیروزی شان را نیرومند ساز و آنچه از امر خود به آنان محول کرده ای کامل کن و پایه های حکومتشان را ثابت بدار و ما را از یاران آنان و از یاوران دینت قرار بده، به درستی که آنان معادن کلمات و خزانه داران دانشت و پایه های توحیدت و ستون های دینت و والیان امرت، و بندگان خالصت، و برگزیدگان از آفریدگانت و اولیایت و برگزیده های دوستانت و انتخاب شده فرزندان پیامبرت هستند؛ و سلام و رحمت و برکات خدا بر او و بر آنان باد.»<sup>۱</sup>

در صلواتی که ضمن داستانی طولانی از امام مهدی (علیه السلام) به یعقوب بن یوسف ضراب رسیده است، امام مهدی (علیه السلام) پس از آنکه بر همه ائمه دوازده گانه تا امام مهدی (علیه السلام) صلوات می فرستد، می فرماید: «و بر ولی ات و زمامداران پایبند به عهده که امامان از فرزندان شما هستند درود فرست و بر عمرشان بیفزا و بر طول حیاتشان فرونی بخش و به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی و اخروی شان برسان که به یقین تو بر هر چیز توانایی.»<sup>۲</sup>

## قرینه دهم

در روایات اهل بیت (علیهم السلام) به دولت شب و دولت روز اشاره شده است؛ یعنی دولت غاصبین حق آل محمد (علیهم السلام) که بیانگر دولت شب و دولت عدل الهی که همان دولت روز است: از ابوبصیر نقل شده است: از ابوعبدالله درباره این سخن خداوند متعال ﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا﴾ (سوگند به خورشید و برآمدن آفتابش) سؤال کردم. فرمود: «خورشید، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است که خداوند با او دین مردم را برایشان واضح می گرداند.» گفتیم: ﴿وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا﴾ (و سوگند به ماه چون از پی آن برآید). فرمود: «امیر المؤمنین (علیه السلام) است.» عرض

۱. مصباح المتتهجد، ص ۴۰۹؛ جمال الاسبوع، ص ۳۰۷.

۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۳ و پس از آن؛ مصباح المتتهجد، ص ۴۰۶؛ جمال الاسبوع، ص ۳۰۱. ۳۰۶.

کردم: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ (و سوگند به شب چون فرو پوشدش). فرمود: «منظور امامان جور و ستم هستند؛ کسانی که به جای آل محمد (عج) مستبدانه حکومت کردند و بر جایگاهی که آل رسول خدا (عج) به آن سزاوارتر بودند تکیه زدند و دین رسول خدا (عج) را با ظلم و ستم پوشاندند و این همان سخن خداوند متعال است که ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ (و سوگند به شب چون فرو پوشدش)» و فرمود: «ظلم آن‌ها نور روز را پوشانید.» عرض کردم: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾ (و سوگند به روز چون آن را روشن کند). فرمود: «منظور، امام از نسل فاطمه (عج) است که از دین رسول خدا پرسیده می‌شود و برای کسی که پرسیده است روشن می‌کند و خداوند حکایت می‌کند: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾ (و سوگند به روز چون آن را روشن کند)» پرسیدم: و این سخن او ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا﴾ (و سوگند به نفس و آن که نیکویش بیافریده است). فرمود: «خلقش کرد و صورتش بخشید؛ و این سخن او: ﴿فَاللَّهْمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ (سپس بدی‌ها و پرهیزگاری‌هایش را به او الهام کرده است)، یعنی به او شناسانید و به او الهام کرد، سپس او را انتخاب کرد و برگزید؛ ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾ (که هرکه در پاکی آن کوشید رستگار شد)، یعنی نفسش را پاک نمود؛ ﴿وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ (و هرکه در پلیدی‌اش فرو پوشید نومید گردید)، یعنی گمراهش کرد.»<sup>۱</sup>

از محمد بن مسلم روایت شده است: از امام باقر (عج) درباره این سخن خداوند عزوجل ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ (و سوگند به شب چون فرو پوشدش) سؤال کردم. فرمود: «منظور از ﴿لیل﴾ (شب)، در این آیه فلانی است که در جریان دولت خود، امیرالمؤمنین (عج) را پوشاند و امیرالمؤمنین (عج) در دولت آن‌ها صبر کرد تا آن حکومت به پایان برسد.» و فرمود: «﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾ (و سوگند به روز چون آن را روشن کند)، منظور از ﴿النهار﴾ (روز)، قائم ما اهل بیت است که وقتی قیام می‌کند دولت او بر باطل غلبه خواهد کرد و قرآن درباره او مثال‌هایی برای مردم زده و خداوند درباره او و ما، پیامبرش را

خطاب قرار داده است و این معانی را غیر ما نمی‌داند.»<sup>۱</sup>

پس شب همان دولت باطل پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است و ساعت‌های دوازده‌گانه شب در اینجا ائمه دوازده‌گانه هستند که اولین آن‌ها امیرالمؤمنین علیه السلام و آخرینشان امام مهدی علیه السلام است؛ چراکه زندگی خود را در این دولت سپری کرده‌اند؛ و منظور از روز، دولت امام مهدی علیه السلام و دولت عدل الهی است و ساعت‌هایش مهدیین پیشوایان دوازده‌گانه هستند که اولین آن‌ها «احمد» وصی امام مهدی علیه السلام و آخرین آن‌ها کسی است که فرزندی ندارد و حسین بن علی علیه السلام بر او رجعت می‌کند.

با مشاهده دو روایتی که در ادامه خواهد آمد مطلب روشن‌تر خواهد شد:

مفضل بن عمر می‌گوید: از حضرت امام صادق علیه السلام پرسیدم: معنای کلام خداوند **﴿يَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا﴾**<sup>۲</sup> (بلکه اینان ساعت را دروغ انگارند و ما برای کسانی که ساعت را دروغ انگارند آتش سوزان آماده کرده‌ایم). حضرت به من فرمود: «خداوند سال را دوازده ماه آفرید و شب را دوازده ساعت قرار داد و روز را دوازده ساعت و از ما دوازده محدث است و امیرالمؤمنین علیه السلام ساعتی از آن ساعت‌ها بود.»<sup>۳</sup>

ابوسائب از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود: «شب، دوازده ساعت است و روز، دوازده ساعت و ماه‌ها دوازده تا هستند و امامان دوازده تا و ثقباً دوازده نفر و علی علیه السلام یک ساعت از دوازده ساعت است و این سخن خداوند عزوجل است: **﴿وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا﴾** (و ما برای کسانی که ساعت را دروغ انگارند آتش سوزان آماده کرده‌ایم).»<sup>۴</sup>

در این دو روایت اشاره به مهدیین روشن و گویاست. به کلام حضرت علیه السلام در روایت

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۵.

۲. فرقان، ۱۱.

۳. غیبت نعمانی، ص ۸۶ و ۸۷، باب ۴، ح ۱۳.

۴. غیبت نعمانی، ص ۸۷، باب ۴، ح ۱۵.

نخست بنگرید: «خداوند سال را دوازده ماه آفرید و شب را دوازده ساعت قرار داد و روز را دوازده ساعت و از ما دوازده محدث است و امیرالمؤمنین (ع) ساعتی از آن ساعت‌ها بود.» یعنی او ساعتی از ساعت‌های شب است و ائمه پس از او نیز تا امام حجت، محمد بن الحسن (ع) نیز این گونه‌اند؛ چراکه آن‌ها در دولت باطل زندگی کرده‌اند. آنچه باقی می‌ماند این است که ما کسانی را که تمثیل دوازده ساعت روز هستند بشناسیم که آن‌ها چه کسانی هستند و منظور از روز چیست؟

روایت دوم موضوع را بیشتر توضیح می‌دهد. به فرمایش حضرت (ع) بنگر: «شب دوازده ساعت است و روز دوازده ساعت... و امامان دوازده تا و نقبا دوازده نفر، و علی (ع) یک ساعت از دوازده ساعت است...» این دوازده نقیب که پس از ائمه دوازده‌گانه از آن‌ها یاد شده چه کسانی هستند؟ همان کسانی که در مقارنه با دوازده ساعت روز هستند و حال آنکه ائمه (ع) در مقارنه با دوازده ساعت شب هستند.

روشن است که منظور از ساعت‌های روز در این دو روایت و نیز نقبای دوازده‌گانه در روایت دوم، مهدیین دوازده‌گانه از نسل امام مهدی (ع) هستند؛ علی‌الخصوص اگر ما این موضوع را با روایت‌هایی که بر مهدیین دوازده‌گانه و ذریه امام مهدی (ع) تصریح دارند مستند کنیم. اهل بیت (ع) ما را به تفکر در معنای کلامشان راهنمایی فرموده‌اند.

و اگر ما برای شناختن شب و روز مربوط به آن‌ها و دولتشان به روایات اهل بیت (ع) مراجعه کنیم قضیه به روشن‌ترین شکل آشکار خواهد شد.

از آنجا که عمر امام مهدی (ع) در دولت عدل - اگر آن را با مدت زمان حیات ایشان در دولت باطل قیاس کنیم - بسیار کوتاه است، از این جهت از ساعت‌های شب خواهد بود، ولی از سوی دیگر او همان روز، و اوصیایش مهدیین دوازده ساعت آن هستند؛ زیرا آن‌ها امتداد حکومت و دولت و سلطنت و شیوه آن حضرت هستند و حتی اسمشان نیز «مهدی» است.

و تقویت عقیده مهدیین و وصیت مقدس توسط این موضوع پوشیده نیست.

## قرینه یازدهم

برخی روایات تأکید دارند بر اینکه امام مهدی (علیه السلام) امری جدید می‌آورد که هرکس به آن اقرار کند هدایت می‌شود و هرکس آن را انکار کند گمراه می‌گردد. پیش از بیان استدلال به این روایات نگاهی به آن‌ها می‌اندازیم؛ از جمله:

۱- امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «**هنگامی که صاحب شمشیر [قائم] بیاید امری غیر از آنچه بود می‌آورد.**»<sup>۱</sup>

۲- ابوبصیر از امام باقر (علیه السلام) روایت می‌کند که می‌فرماید: «**قائم با امری جدید، کتابی جدید و قضاوتی جدید قیام می‌کند که بر عرب گران است...**»<sup>۲</sup>

۳- امام صادق (علیه السلام) فرمود: «**وقتی قائم (علیه السلام) قیام کند مردم را به اسلامی جدید فرامی‌خواند و آن‌ها را به امری هدایت می‌کند که بیشتر مردم از آن منحرف و گمراه شده‌اند. قائم "مهدی" نامیده می‌شود، زیرا به امری هدایت می‌کند که از آن گمراه شده‌اند و قائم نامیده می‌شود، زیرا به حق قیام می‌کند.**»<sup>۳</sup>

۴- از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «**چون قائم ما به پا خیزد امری جدید می‌آورد، همان‌گونه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در ابتدای اسلام به امری جدید دعوت نمود. اسلام غریبانه آغاز شد و غریبانه باز خواهد گشت، پس خوشا به حال غریبان.**»<sup>۴</sup>

۵- امام باقر (علیه السلام) فرمود: «**... و مهدی، مهدی نامیده می‌شود؛ زیرا به امری مخفی هدایت می‌کند...**»<sup>۵</sup>

۶- از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه‌ای بسیار طولانی نقل شده است که فرمود: «**... و**

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۳۸.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۳۸.

۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۰.

۴. غیبت نعمانی، ص ۳۳۶.

۵. غیبت نعمانی، ص ۲۴۲ و ۲۴۳.

برای مردم کتابی جدید می آورد که بر کافران بسیار سخت و شدید است. مردم را به امری دعوت می کند که کسی که به آن اقرار کند هدایت می یابد و کسی که آن را انکار نماید گمراه می شود...»<sup>۱</sup>

این امر سخت جدید مخفی که تا پیش از آن برای عامه مردم شناخته شده نبود چیست؟! امری که سببی برای هدایت و گمراهی می شود و آشکارترین چیزی است که امام مهدی علیه السلام می آورد؛ به طوری که اهل بیت علیهم السلام در توجه دادن امت و زمینه سازی افکار برای پذیرش آن و اقامه حجت بر منکرانش تا این درجه مبالغه کرده اند!

این امری که مردم در عصر غیبت از آن منحرف شده اند چیست؟ به گونه ای که لازم می آید امام مهدی علیه السلام مردم را از نو به اسلام دعوت کند؟! ممکن نیست این امر بی ارتباط به ولایت الهی اوصیا باشد و نیز ممکن نیست این امر هدایت به سوی شناخت امامت خود امام مهدی علیه السلام باشد؛ چراکه روایت می گوید: امام، مردم را به امری هدایت می کند که بیشتر مردم از آن منحرف شده اند و امام علیه السلام آن ها را به سوی آن هدایت می کند. اگر مردم به امامت امام مهدی علیه السلام اقرار نکرده باشند، چگونه با سخن خود امام علیه السلام هدایت خواهند شد؟ زیرا برای کسی که از او اطاعت نمی شود دیگر امری باقی نخواهد ماند. حال که امامت امام مهدی علیه السلام را پذیرفته اند پس از امام مهدی علیه السلام جز ولایت مهدیین از نسل آن حضرت ولایتی باقی نمی ماند تا مردم را به آن فراخوانند؛ مهدیین که بسیاری از روایات صحیح ذکر آن ها را آورده اند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «قائم ما هنگامی که قیام کند مردم را به امری جدید فرامی خواند همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آن فراخواند.» سنگین ترین چیزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آن دعوت کرد امامت علی بن ابی طالب علیه السلام و امامان از نسل او بود که بر عرب بسیار گران آمد، تا جایی که جز اندک شماری به آن اقرار نکردند. وضعیت امام مهدی علیه السلام نیز به همین صورت است؛ از سنگین ترین چیزهایی که آشکار کرده و آشکار خواهد نمود

ولایت مهدیین از نسل خودش است و در اینجا نیز جز عدۀ اندکی که به عهد خود با خداوند وفادار مانده‌اند به آن اقرار نمی‌کنند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «وقتی قائم قیام کند امری می‌آورد غیر از آنچه بود.»<sup>۱</sup> آنچه پیش از قیام امام مهدی (علیه السلام) بوده و مردم آن را می‌شناسند و از آن غافل نیستند امامت ائمه دوازده‌گانه (علیهم‌السلام) است؛ بنابراین این امر جدید چه می‌تواند باشد جز امامت مهدیین دوازده‌گانه از نسل امام مهدی (علیه السلام)؟ همان‌که مردم از آن منحرف شده و به آن هدایت نشده‌اند.

روشن است که هدایت و گمراهی از ملزومات امامت است؛ هرکس به همه اوصیا اقرار کند هدایت یافته و هرکس یکی از آنان را انکار نماید گمراه شده است. در تفسیر این سخن حق تعالی ﴿وَإِنِّي لَنَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾<sup>۲</sup> (و بی‌شک من بخشاینده آن کسی هستم که توبه کند، ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، سپس (به راه راست) هدایت گردد)، آمده است: یعنی به‌سوی ولایت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) هدایت شود. این ولایت جدیدی که امام مهدی (علیه السلام) به آن فرا خواهد خواند چه چیزی غیر از ولایت اوصیا از فرزندانش (علیهم‌السلام) است؟!

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «به‌طور قطع هرکسی را که در اسلام به ولایت پیشوای ستمگری که از سوی خدا نباشد گردن نهند عذاب خواهم نمود، هرچند آن فرد در کارهای خویش نیک و پرهیزگار باشد؛ و از هرکسی که در قلمروی اسلام به حاکمیت هر امام عادل‌ی که از سوی خداوند باشد تن دهد قطعاً درمی‌گذرم، هرچند آن فرد نسبت به خویشتن ستمکار و گنهکار باشد.»<sup>۳</sup>

و از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «خداوند از عذاب کردن امتی که به پیشوایی گردن نهد که از جانب خداوند نباشد حیا نمی‌کند، هرچند در اعمالشان نیکوکار و

۱. غیبت طوسی، ص ۳۰۷.

۲. طه، ۸۲.

۳. غیبت، نعمانی، ص ۱۳۱، باب ۷، ح ۱۳؛ کافی، ج ۱، ص ۳۷۶.

پرهیزگار باشند و خداوند برای عذاب کردن امتی که به امام منصوب از سوی خدا گردن نهد حیا می‌کند، هرچند در اعمالشان ستمکار و گنهکار باشند.»<sup>۱</sup>

پس این امر جدیدی که امام مهدی علیه السلام خواهد آورد باید به امامت مربوط باشد و شهید صدر نیز در دایرةالمعارف امام مهدی علیه السلام تاریخ پس از ظهور صفحه ۵۴۲ به این مطلب اشاره کرده است؛ آنجا که در بیان وجوه محتمل برای امر جدیدی که امام مهدی علیه السلام به آن فرامی‌خواند می‌گوید:

«سوم: امر به‌معنای امارت، امامت یا خلافت است هرطور که می‌خواهی تعبیر کن- و این عبارت در تعدادی از روایات به این معنا نیز آمده است.»

## قرینه دوازدهم

مخالف بودن وصیت با عقاید مذهبی که از امامت اهل بیت علیهم السلام منحرف شده‌اند. انگیزه‌های جعل روایت، تزویر و دروغ‌بستن در احادیث، غالباً برای کنارزدن خلافت از امام علی علیه السلام و فرزندانش و مشروعیت‌بخشیدن به حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس بوده است؛ پس اگر مضمون روایتی مخالف این انگیزه‌ها باشد دلالت خواهد داشت بر اینکه این روایت صحیح است و دست‌جاعلان و تحریف‌کنندگان احادیث بر آن وارد نشده تا آن روایت را با عقیده خود سازگار کنند و حق علی علیه السلام و فرزندانش در جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله را پوشیده بدارند. روایت وصیت نیز به‌طور کامل با عقاید و مذاهب منحرف مخالفت دارد و حتی نهضت و انقلابی محسوب می‌شود، چه در دوران اولی و دومی و چه در حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس؛ چراکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن تصریح می‌فرماید که جانشینی پس از وفاتش از آن امیرالمؤمنین علیه السلام است، سپس به فرزندان او یکی پس از دیگری می‌رسد تا روز قیامت؛ همچنین بر اسامی ائمه علیهم السلام، کُتبه و اوصافشان نیز تصریح فرموده است.<sup>۲</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۷۶.

۲. برگرفته از کتاب وصیت و وصی احمدالحسن علیه السلام.



اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است: «آنچه را با این قوم [اهل سنت] موافقت دارد رها کنید؛ چراکه رشد در مخالفت با آنهاست.»<sup>۱</sup>

پس اینکه مضمون وصیت، مخالف عقاید و مذاهب گمراه و منحرف است، ما را به عدم دست‌درازی در آن برای جعل و تحریف مطمئن می‌سازد و این اطمینان، همه روایات مربوط به مهدیین از نسل قائم (علیه السلام) را نیز شامل می‌شود؛ چراکه عقیده وجود مهدیین پس از امامان دوازده‌گانه در موضوع امامت به‌طور کامل با همه مذاهب دیگر مخالفت دارد.

### قرینه سیزدهم

عدم وجود معارض صریح برای روایات مهدیین (علیهم السلام). این قرینه‌ای است قوی که روایات مهدیین (علیهم السلام) را تقویت می‌کند. حرّ عاملی در شمارش قراین، این قرینه را آورده، می‌گوید: «و از جمله این قراین، عدم وجود معارض؛ این قرینه‌ای است واضح و روشن و شیخ (طوسی) نیز گفته است که بر آن اجماع وجود دارد؛ چراکه اگر چنین نباشد باید برای آن معارضی نقل می‌کردند؛ و جاهایی نیز به آن تصریح کرده است مثلاً در ابتدای استبصار- و شهید نیز آن را در کتاب «ذکری» از صدوق نقل کرده و موافق آن است.»<sup>۲</sup>

### قرینه چهاردهم

روایات مهدیین و استمرار امامت پس از مهدی (علیه السلام) در کتاب‌های قابل اعتماد و معتبر آمده است؛ کتاب‌هایی مثل من لا یحضره الفقیه، کمال الدین، عیون اخبار الرضا (علیه السلام) و الخصال شیخ صدوق، تهذیب الاحکام و غیبت شیخ طوسی، غیبت نعمانی و کامل الزیارات ابن قولویه؛ و این‌ها کتاب‌هایی هستند که برخی از آن‌ها جزو طبقه اول و برخی نیز در زمره کتاب‌های معتبر و مشهور هستند.

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۳.

۲. خاتمة الوسائل، ص ۹۵.

صحتی که یک حدیث به آن متصف می‌شود مراتبی دارد. بالاترین و اولین مرتبه‌اش صحیح بودن متن حدیث است. مثل موافقت داشتن با محکمت قرآن یا روایات قطعی، و دومین مرتبه آن اعتبار و متین بودن کتابی است که حدیث در آن نقل شده است. برخی موضوعات موجب تقویت اعتبار یک کتاب می‌شود؛ مثل جایگاه مؤلفش در علم، وثاقت و تقوا، عدم تردید در نسبت داشتن کتاب به مؤلف، قوام داشتن عمده روایات کتاب و... و سومین مرتبه صحت یک روایت - که پایین‌ترین مرتبه است - صحت سند حدیث است؛ اگر کوتاه بیاییم و این موضوع را بپذیریم.

پس اینکه روایات مهدیین و حجت‌های الهی پس از امام مهدی علیه السلام در این کتاب‌های قابل اعتماد و معتبر آمده قرینه‌ای است بر صحت و اعتبار این احادیث، آن‌گونه که علما به این نکته اعتراف دارند.

حر عاملی هنگام شمارش قراین حدیث، این نکته را ذکر کرده، می‌گوید:

«از جمله این قراین، اینکه حدیث در کتابی از کتاب‌های اصولی باشد که بر آن‌ها اجماع وجود دارد یا در کتاب یکی از افراد ثقه و قابل اعتماد باشد؛ به دلیل متون متواتری که به آن‌ها اشاره کردیم و برخی از آن‌ها را در باب قضاوت ملاحظه نمودید.

و پوشیده نیست که اثبات حدیثی که در چنین کتابی است موجب افزایش اعتماد به آن می‌شود.

با جست‌وجو و نقل صریح دانسته شد که آنان، زمانی حدیثی را در کتاب قابل اعتمادی می‌آوردند که صحیح بودن نقل آن، نزدشان ثابت شده باشد؛ و نسبت به استثنای احادیث خاصی، از برخی از کتاب‌ها تصریح کرده‌اند که قرینه سخن ماست.

و از جمله این قراین، اینکه روایت از کتاب یکی از اصحاب اجماع نقل شده باشد و این با بررسی، قراین، تصریح شیخ و... دانسته می‌شود؛ همچنان که گذشت...

و از جمله این قراین، اینکه در کتاب‌های متعدد و قابل اعتماد تکرار شده باشد: دانستیم که وجود روایت در یک کتاب قابل اعتماد قرینه‌ای است که به تواتر بر آن تصریح شده است؛ حال اگر یک حدیث در چندین کتاب یافت شود وضعیت به چه صورت خواهد بود؟<sup>۱</sup>

## قرینه پانزدهم

احتمال تقیه در آن راه نداشته باشد. اگر روایت با اصل مذهب مخالفت داشته باشد و موافق مذاهب دیگر باشد، احتمال دارد که امام آن را به دلیل تقیه از دشمنانش فرموده باشد؛ اما اگر مضمون روایت موافق اصل مذهب و مخالف دیگر مذاهب باشد در این صورت چنین احتمالی منتفی خواهد بود.

واضح است که روایات مهدیین تصریح دارد بر اینکه امامت و خلافت پس از رسول خدا (ص) در اهل بیتش (علیهم السلام) - ائمه و مهدیین - است و رسول خدا (ص) در آن، ائمه (علیهم السلام) را یکی پس از دیگری تا امام مهدی (علیه السلام) نام می‌برد و سپس فرزندان او که پس از او هستند و نام اولین آن‌ها را ذکر می‌فرماید که احمد (علیه السلام) است، و این با هیچ مذهبی از مذاهب هم‌عصر رسول خدا (ص) یا ائمه (علیهم السلام) موافقت ندارد؛ بنابراین به هیچ وجه احتمال تقیه در صادر شدن آن وجود ندارد.

حر عاملی هنگام شمارش قراین بر این قرینه نیز تصریح کرده، می‌گوید:  
«و از جمله اینکه احتمال داده نشود روایت از روی تقیه گفته شده باشد، به دلیل آنچه گفته شد.»

## قرینه شانزدهم

عدم قطع و یقین بزرگان علمای متقدم شیعه بر اینکه امامت تنها در دوازده امام منحصر است. اگر آن‌ها دلیلی قطعی بر این انحصار داشتند استمرار ائمه و حجت‌ها پس از وفات امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام را جایز نمی‌شمردند. برخی از این علما عبارت‌اند از:

۱- شیخ صدوق گفته است: «تعداد ائمه، دوازده و دوازدهمین امام، همان کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند و بعد از آن، همان چیزی است که او بیان خواهد کرد؛ اینکه امامی پس از او باشد یا برپایی قیامت؛ و ما این را بعید نمی‌دانیم مگر با اقرار به دوازده امام و اعتقاد به همان چیزی که امام دوازدهم دربارهٔ پس از خود بفرماید.»<sup>۱</sup>

این سخن شیخ صدوق رحمته الله تصریح دارد بر اینکه او به انحصار امامت در ائمهٔ دوازده‌گانه علیهم السلام معتقد نیست؛ چرا که می‌گوید: «بعد از آن، همان چیزی است که او بیان خواهد کرد؛ اینکه امامی پس از او باشد یا برپایی قیامت.» یعنی از نظر شیخ صدوق وضعیت پس از امام مهدی علیه السلام بین تنصیب امام یا برپایی قیامت در تردید است؛ بنابراین او فراتر رفتن امامت از عدد دوازده را جایز می‌شمارد و بر منحصر بودن امامت در دوازده نفر قطع و یقین ندارد و وقتی یقینی وجود نداشته باشد به خودی خود اعتقادی هم بر اساس این انحصار وجود نخواهد داشت.

۲- شیخ مفید می‌گوید: «و پس از دولت قائم علیه السلام هیچ‌کس دولتی نخواهد داشت، مگر آنچه روایت از قیام فرزندانش - اگر خدا این را اراده فرماید - می‌گوید که به صورت یقینی و اثبات‌شده وارد نشده و این در حالی است که بیشتر روایات بیان می‌دارند که مهدی علیه السلام این امت را ترک نمی‌کند، مگر چهل روز پیش از قیامت که در آن هرچو و مرج، خروج مردگان و برپایی قیامت برای حساب و جزا خواهد بود؛ و خدا به آنچه خواهد بود دانایتر است. او توفیق‌دهنده، نسبت به ثواب و درستی است و مصون‌ماندن از گمراهی و هدایت

به راه رشد را تنها از او خواستاریم...»<sup>۱</sup>

پوشیده نیست که شیخ مفید (رحمته الله) در این سخن روشن می‌دارد که وی بر اینکه امامت با مرگ صاحب الزمان (علیه السلام) پایان می‌پذیرد قطع‌ویقین ندارد؛ بلکه ممکن است پس از آن حضرت، فرزندان عهده‌دار مسئولیت امامت بشوند. چنان‌که در روایت آمده و به این مطلب یقین ندارد؛ بنابراین شیخ مفید اعتقادی به منحصر بودن امامت در دوازده امام (علیهم السلام) ندارد. چراکه قطع‌ویقین به این مطلب ندارد و از نظر او وضعیت به دو صورت در تردید است: اینکه پس از امام مهدی (علیه السلام) فرزندان او قائم به امر امامت باشند، یا برپایی قیامت پس از درگذشت صاحب الزمان (علیه السلام) به فاصله ۴۰ روز.

۳- شیخ طبرسی می‌گوید: «و روایت صحیحی است که می‌گوید پس از دولت قائم (علیه السلام) هیچ‌کس دولتی نخواهد داشت، مگر آنچه درباره قیام فرزندان او روایت شده است. اگر خداوند متعال چنین بخواهد و روایات در این خصوص قطعی و یقینی نیستند. بیشتر روایات می‌گویند که امام مهدی (علیه السلام) از دنیا نمی‌رود مگر چهل روز پیش از قیامت؛ که در این مدت هرج‌ومرج، علامت خروج مردگان و برپایی قیامت خواهد بود؛ و خداوند داناتر است.»<sup>۲</sup>

این سخن هم نزدیک به کلام شیخ مفید است و به‌وضوح بیانگر تردید شیخ طوسی و عدم یقین او به اتمام امامت با درگذشت صاحب‌العصر و الزمان (علیه السلام) است.

۴- ابن‌ابوالفتح اربلی می‌گوید: «و پس از دولت قائم (علیه السلام) هیچ‌کس دولتی نخواهد داشت، مگر آنچه روایت از قیام فرزندان او - اگر خدا این را اراده فرماید - می‌گوید که به‌صورت یقینی و اثبات‌شده وارد نشده و این در حالی است که بیشتر روایات بیان می‌دارند که مهدی (علیه السلام) این امت را ترک نمی‌کند، مگر چهل روز پیش از قیامت که در آن هرج‌ومرج، خروج مردگان و برپایی قیامت برای حساب و جزا خواهد بود؛ و خدا به آنچه

۱. ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۷.

۲. إعلام الوری باعلام الهدی، ج ۲، ص ۲۹۵.

خواهد بود داناتر است. او توفیق دهنده، نسبت به ثواب و درستی است و مصون ماندن از گمراهی و هدایت به راه رشد را تنها از او خواستاریم...»<sup>۱</sup>  
و این هم تقریباً عین کلام شیخ مفید است و آنچه در خصوص سخن شیخ مفید گفتم بر این سخن نیز جاری است.

**۵-** شریف مرتضی گفته است: «ما به اینکه هم‌زمان با درگذشت صاحب الزمان محمد بن الحسن علیه السلام تکلیف برداشته می‌شود یقین نداریم؛ بلکه ممکن است پس از آن، عالم برای مدت بسیاری باقی بماند و جایز نیست در دوران پس از آن حضرت امامی نباشد. ممکن است پس از ایشان امامانی باشند که حفظ دین و مصالح پیروان آن را عهده‌دار باشند. این نظر به آنچه ما در خصوص امامت معتقد هستیم آسیبی نمی‌رساند؛ زیرا آنچه ما به آن تکلیف شده‌ایم و به آن متعبد هستیم تنها اعتقاد به این دوازده امام است که آن را به‌صورت کامل تبیین می‌کنیم؛ چراکه موضع اختلاف و نیاز است. این نظر ما را از دوازده امامی نامیده‌شدن خارج نمی‌کند؛ چراکه از نظر ما این عنوان بر هرکسی که امامت دوازده امام را ثابت شده بداند اطلاق می‌گردد و ما نیز آن را اثبات می‌کنیم و در این عقیده موافقی [از دیگر مذاهب] نداریم و با این عنوان ما از دیگران جدا و متمایز شده‌ایم.»<sup>۲</sup>  
نظر شریف مرتضی از توضیح بی‌نیاز است؛ اینکه یقین و اعتقادی به پایان یافتن امامت با وفات صاحب الزمان علیه السلام ندارد و حتی تمایل او به ترجیح‌دادن وجود امامانی پس از آن حضرت از کلامش هویداست.

**۶-** میرزای نوری پس از آنکه دوازده دلیل بر فرزندان امام مهدی علیه السلام پیش می‌کشد، می‌گوید: «... و خبری که با این روایات در تعارض باشد نرسیده است، مگر حدیثی که شیخ مورد اعتماد و بزرگوار فضل بن شاذان نیشابوری در کتاب غیبت با سند صحیح از حسن بن علی خراز روایت می‌کند و می‌گوید: علی بن ابی‌حمزه بر علی ابوالحسن

۱. کشف‌الغمه، ج ۳، ص ۲۶۶.

۱. کتاب رسائل، ج ۳، ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

الرضا (علیه السلام) وارد شد و به او عرض کرد: آیا شما امام هستی؟ امام (علیه السلام) فرمود: «بله.» گفت: من از جدت جعفر بن محمد (علیه السلام) شنیدم که فرمود: امامی نیست مگر آنکه فرزندی دارد. حضرت فرمود: «ای شیخ! آیا فراموش کردی یا خودت را به فراموشی زدی؟! جعفر (علیه السلام) این چنین نفرمود؛ بلکه او فرمود امامی نیست مگر آنکه فرزندی داشته باشد، به جز آن امامی که حسین بن علی (علیه السلام) بر او رجعت می‌کند؛ که او فرزندی ندارد.» ابن ابی حمزه به امام عرض کرد: راست می‌گویی فدایت شوم؛ بنده از جد شما شنیدم که این چنین می‌فرمود.

... شیخ طوسی در کتاب غیبت این حدیث را روایت کرده و گفته است که مقصود امام (علیه السلام) از آن کسی که فرزندی ندارد، یعنی فرزندی که امام باشد ندارد، یعنی او خاتم اوصیاست و فرزندی که امام باشد ندارد، یا آن کسی که حسین بن علی (علیه السلام) بر او رجعت می‌کند فرزندی ندارد؛ پس در روایات گفته شده تعارضی وجود ندارد؛ و خداوند داناتر است.»<sup>۱</sup>

کمترین چیزی که درباره سخن میرزای نوری گفته می‌شود این است که او به جایز بودن گذشتن امامت از عدد دوازده معتقد است و هرکس از تمامی سخن او در کتاب نجم الثاقب اطلاع داشته باشد یقین می‌کند که میرزای نوری به امامت مهدیین از نسل امام مهدی (علیه السلام) معتقد و در اینجا فقط به تردید پناه برده است؛ چراکه وی در اینجا در مقام پاسخ بر استدلال، با استفاده از این حدیث، مبنی بر اینکه امام مهدی (علیه السلام) نسلی ندارد برآمده است و باین وجود می‌گوید: «... یا آن کسی که حسین بن علی (علیه السلام) بر او رجعت می‌کند فرزندی ندارد»؛ یعنی امام حسین (علیه السلام) بر یکی از مهدیین از نسل امام مهدی (علیه السلام) رجعت می‌کند و این مهدی فرزندی ندارد.

## قرینه هفدهم

تصریح برخی علما و نویسندگان بر مهدیین پس از امام مهدی علیه السلام، از جمله:

۱- علی نمازی شاهرودی گفته است: «... اکمال الدین: از ابوبصیر که گفت: به صادق جعفر بن محمد علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا! از پدرت شنیدم که فرمود: پس از قائم، دوازده مهدی هستند. فرمود: «پدرم فرمود دوازده مهدی و فرمود دوازده امام؛ ولی آن‌ها گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به ولایت ما و شناختن حق ما دعوت می‌کنند.»

بنده عرض می‌کنم: این حدیث منظور از روایت ابوحمزه و روایت منتخب البصائر را روشن می‌سازد و اشکالی در آن نیست و نیز روایات دیگری که دلالت دارند بر اینکه پس از امام قائم علیه السلام دوازده مهدی هستند و مسلماً آن‌ها مهدیین از اوصیای قائم و قائمان به امر او هستند تا زمان از حجت خالی نشود.<sup>۱</sup>

شیخ نمازی در اینجا تنها گذر امامت از عدد دوازده را جایز نمی‌شمارد؛ بلکه می‌گوید در این موضوع اشکالی وجود ندارد تا زمان از حجت خالی نگردد.

۲- از شهید سید محمدباقر صدر رحمته الله در کتاب «جامعه فرعونیه» عبارتی نقل شده که تقریر دروسی است که وی گفته است؛ او می‌گوید: «... پس مهدی علیه السلام همه اسباب فساد و انحراف و در رأس آن‌ها ظلم فرعونیه و ستم را در هم خواهد کوبید و جامعه عدل و داد را تأسیس و راه و روش آن را در تمامی عرصه‌های زندگانی بشری ترسیم خواهد نمود؛ سپس بعد از او دوازده جانشین خواهند آمد که مطابق با آن راه و روشی که تحت اشراف حجت خدا مهدی علیه السلام وضع شده است در میان مردم عمل می‌کنند و در برهه زمانی ولایت دوازده جانشین، جامعه در سیر مداومی به سمت تکامل و پیشرفت حرکت می‌کند و انسان در چنان سطحی از علم و اخلاق قرار خواهد گرفت که به مراقبی جز خداوند تعالی نیاز ندارد و در این هنگام است که ابلاغ الهی با به میراث‌بردن زمین توسط صالحان محقق خواهد



شد. حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ \* إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ غَابِطِينَ﴾<sup>۱</sup> (و ما در زبور پس از تورات نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث زمین خواهند شد \* در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان).

۳- شهید سید محمدصادق صدر در کتاب دایرةالمعارف امام مهدی (علیه السلام) می‌گوید: «و اما این سخن او منظورش طبرسی است. که می‌گوید: و بیشتر روایات می‌گویند آن حضرت از دنیا نمی‌رود، مگر به فاصلهٔ چهل روز پیش از قیامت...، این روایاتی است که ما خواهیم شنید و مقصودش این است که حضرت حجت چهل روز پیش از قیامت بالا خواهد رفت یعنی خواهد مرد. و خواهیم دید که مقصود از این حجت، خود امام مهدی (علیه السلام) نیست، بلکه شخص دیگری است که به فاصلهٔ زیادی پس از دوران مهدی خواهد آمد.

... و اما از دیدگاه کفایت روایات اولیا، به این خاطر که از نظر تاریخی اثبات شود: روشن است که با منهج ما در این تاریخ مطابق است؛ چراکه تعداد آن‌ها بسیار است و یکدیگر را تقویت می‌کنند و معنا و محتوای متشابهی ندارند.

... و ما هنگامی که می‌بینیم روایات رجعت غیرقابل اثبات هستند همچنان که دانستیم. و همچنین هنگامی که می‌بینیم روایات اولیا قابل اثبات است همچنان که شنیدیم. طبیعتاً راه‌گریزی از برگرفتن معنا و محتوای روایات اولیا وجود نخواهد داشت.»<sup>۲</sup> همچنین وی در صفحه ۷۸۲ گفته است: «بله، شکی در این نیست که امام مهدی (علیه السلام) پیش از وفاتش با اعلام‌های جهانی پی‌درپی، بر ضرورت اطاعت از جانشینش و بر تثبیت «حکومت اولیای صالح» در اذهان تأکید می‌فرماید؛ اما از آنجاکه جامعه بشری به درجهٔ کمال مطلوب نرسیده است بیشتر اوقات در معرض عصیان و سرپیچی قرار دارد.

۱. انبیاء، ۱۰۵ و ۱۰۶.

۲. تاریخ ما بعد ظهور، ج ۳، ص ۷۷۹.

ولی وجود این سختی‌ها به معنای شکست نیست، آن‌هم پس از دستورالعمل‌های تربیتی که این حاکم با تمام تفصیلاتش از سوی امام مهدی علیه السلام عهده‌دار است. مسلماً این دولت برای بیشتر مردم باشکوه و محبوب باقی خواهد ماند و تربیت عمومی بر پایه دستورالعمل کلی مهدوی ادامه خواهد داشت؛ همچنان که در دوران امام مهدی علیه السلام بوده است.»

۴- شیخ علی کورانی در دایرةالمعارف موضوعی، فصل «یمانی، فرمانده پس از مهدی علیه السلام است و قریش را نابود می‌کند» می‌گوید: «اما احادیث منابع ما دلالت دارند بر اینکه دولت موعود الهی قرن‌ها به دست مهدی علیه السلام سپس به دست مهدیین از فرزندان او ادامه خواهد یافت و اینکه خداوند متعال برنامه‌ای را برای تکامل زندگی بر روی این زمین وضع خواهد کرد و نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به زندگانی دنیوی بازمی‌گردند، برای یک دیدار یا اینکه به مدت طولانی حکومت می‌کنند...»<sup>۱</sup>

وی همچنین پس از بحث و بررسی برخی راویان مخالف اهل بیت علیهم السلام در خصوص کوتاه‌بودن دولت قائم علیه السلام گفته است: «مرحوم بیاضی عاملی رحمته الله در این شبهه آن‌ها دچار شده و حدیث دوازده مهدی پس از امام مهدی علیه السلام را رد می‌کند و شریف مرتضی نیز درباره آن به بحث و مناقشه پرداخته است...»

و معنای این سخن او رحمته الله: اینکه شریف مرتضی رحمته الله از روایات استمرار تکلیف و امامت عامه پس از امام مهدی علیه السلام به وسیله مهدیین از فرزندان او دفاع کرده و گفته است که این مطلب با این عقیده که ائمه علیهم السلام دوازده نفر هستند و نه بیشتر، منافاتی ندارد؛ زیرا آن‌ها اصل و اساس هستند و فروع و امتداد آن‌ها باقی خواهد بود؛ و کلام مرتضی رد نمی‌شود؛ چراکه تأویل حدیث دوازده مهدی استبعاد و تکلف بسیاری دارد [دور از ذهن است و انسان را به سختی می‌اندازد]؛ اما این نظر او که این روایت خبر واحد است به این دلیل است که او از روایات زیادی که آن‌ها را بیان کردیم و بخشی از آن‌ها را نیز از منابع

دیگر مشاهده کردیم اطلاعی ندارد! و این تصور او (علیه السلام) که قیامت به فاصله کمی پس از دولت امام مهدی (علیه السلام) خواهد بود، در احادیث اهل بیت (علیهم السلام) نیامده است؛ همچنین تفسیر اشتباه او از اینکه پس از دولت آل محمد (علیهم السلام) دولتی نیست؛ بنابراین ما بر اینکه این مطلب بر کوتاه بودن دولت آن‌ها دلالت دارد با او هم‌رأی نیستیم! <sup>۱</sup>

قراین دیگری نیز وجود دارند که به دلیل کمبود وقت از آن‌ها صرف نظر می‌کنم و نیز به دلیل اینکه آنچه بیان کردم کافی خواهد بود.

پس از بیان تمامی قراین گفته شده، هیچ تردیدی در صحت عقیده مهدیین پس از امام مهدی (علیه السلام) برای ما باقی نخواهد ماند، حتی اگر این موضوع تنها با یک روایت نقل شده باشد؛ چراکه قراینی که ذکر شد اگر هرکدام از آن‌ها را به تنهایی، قرینه‌ای قطعی به حساب نیاوریم، شکی نیست که مجموع آن‌ها قرینه‌ای قطعی خواهد بود؛ زیرا اگر خبر واحدی با این چنین قراینی همراه باشد با بالاترین مرتبه مفید قطع و یقین خواهد بود و حتی ما می‌توانیم یقین به عقیده مهدیین را بدون پناه بردن به هیچ روایتی از روایات مهدیین اثبات کنیم؛ چراکه برخی قراینی که ذکر شد عهده‌دار اثبات استمرار امامت در نسل امام حسین (علیه السلام) تا روز قیامت و قطع نشدن آن با وفات امام مهدی (علیه السلام) است؛ حال وضعیت به چه صورت خواهد بود، اگر عقیده به مهدیین با روایات بسیاری ثابت شود؟! <sup>۱</sup>

و از آنجا که سخن ما درباره متواتر بودن روایات مهدیین است و نه خبر واحدی که همراه با قراین است، پس با وجود قراینی که گفته شد، کمتر از پنج روایت نیز برای تحقق متواتر بودن وجود مهدیین (علیهم السلام) برای ما کافی خواهد بود؛ یعنی ما به حداقل تعدادی که تواتر با آن محقق می‌شود نیاز داریم و با این تعداد برای ما علم و یقین حاصل خواهد شد؛ زیرا چنانچه گفته شد مضمون روایت در حدومرز عددی که تواتر با آن محقق می‌شود نقش مهمی دارد. هر قدر مضمون و معنای روایت مورد پذیرش باشد و مورد انکار و غریب و نادر نباشد و هر قدر به قرآن و روایات و حکمت نزدیک‌تر باشد، تعدادی که تواتر با آن

تحقق می‌یابد کاهش خواهد یافت و هر قدر عکس این وضعیت برقرار باشد، تعدادی که تواتر با آن محقق می‌شود افزایش خواهد یافت.

بنابراین، عقیده مهدیین با یقینی که از طریق روایت همراه با قرینه است، ثابت می‌شود و نیز با یقینی نتیجه حاصل می‌شود که ثمره تواتر است که برای تحقق آن، سه، چهار یا پنج روایت کافی است. اکنون به برخی روایاتی که به مهدیین و حجت‌های پس از امام مهدی (علیه السلام) تصریح و اشاره دارند خواهیم پرداخت. هر کس در این خصوص خواهان تفصیل و توضیح بیشتر است می‌تواند به کتاب «چهل حدیث درباره مهدیین و فرزندان قائم (علیه السلام)» مراجعه کند.

# احادیث مهدیین و حجت‌های پس از امام مهدی علیه السلام

## حدیث اول

روایت وصیت که شیخ طوسی آن را با ذکر سند از امام صادق علیه السلام از پدرش امام باقر علیه السلام از پدرش امام سجاد علیه السلام از پدرش امام حسین علیه السلام از پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام آورده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبی که وفات کرد به علی علیه السلام فرمود:

«... ای ابوالحسن! صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن‌ها دوازده مهدی. ای علی تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام هستند و سپس دوازده مهدی بعد از او خواهد بود. پس وقتی وفاتش رسید خلافت را باید به فرزندش نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان‌آوردگان است.»<sup>۱</sup>

## حدیث دوم

سید بهاء‌الدین نجفی در کتاب منتخب انوار المصیئه می‌گوید: همچنین از آن روایاتی که مجاز به نقلشان هستیم، از احمد بن محمد ایادی که آن را به علی بن عقبه منسوب می‌کند، از پدرش از امام صادق علیه السلام که فرمود: «از ما پس از قائم علیه السلام دوازده مهدی از نسل حسین علیه السلام خواهد بود.»<sup>۲</sup>

## حدیث سوم

قاضی نعمان مغربی از امام سجاد علیه السلام آورده است که فرمود: «قائم از ما، قیام می‌کند،

۱. غیبت طوسی، ص ۱۵۰. [ترجمه فارسی: ص ۳۰۰]

۲. منتخب انوار المصیئه، ص ۳۵۳ و ۳۵۴؛ مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۸.

یعنی مهدی و بعد از او دوازده مهدی خواهند بود، یعنی امام از نسل او.»<sup>۱</sup>

## حدیث چهارم

صدوق: با سند از ابوبصیر نقل می‌کند که گفت: به امام صادق جعفر بن محمد (علیه السلام) عرض کردم: ای پسر رسول خدا! از پدرت شنیدم که فرمود پس از قائم، دوازده مهدی هستند. فرمود: «پدرم فرمود دوازده مهدی و فرمود دوازده امام؛ ولی آن‌ها گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به ولایت ما و شناختن حق ما دعوت می‌کنند.»<sup>۲</sup>

گویی در اینجا امام صادق (علیه السلام) می‌خواهد در راه‌رویی هرکسی که گمان می‌کند تعداد اوصیای اول (تعداد ائمه) بیش از دوازده امام است ببندد و تأکید می‌کند بر اینکه پدرش امام باقر (علیه السلام) تنها فرموده است دوازده مهدی و نفرموده دوازده امام؛ پس تعداد اوصیای اول رسول خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) همان دوازده امام است که اولین آن‌ها علی بن ابی طالب (علیه السلام) و آخرین و خاتم آن‌ها محمد بن الحسن العسكري المهدی (علیه السلام) است و این همان مطلبی است که وصیت پیامبر خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در شب وفاتش به آن اشاره کرده است؛ آنجا که می‌فرماید: «پس از من دوازده امام و بعد از آن‌ها دوازده مهدی خواهد بود.»

پس در اینجا میان تعداد اول (امامان دوازده‌گانه) و تعداد دوم (مهدیین دوازده‌گانه) -کسانی که در دولت عدل حکومت خواهند کرد- تفاوت وجود دارد که اگر تمامی آن‌ها در یک مقام و مرتبه می‌بودند پیامبر به‌عنوان مثال -می‌فرمود: پس از من بیست و چهار امام خواهد بود.

اما این هرگز به‌معنای نفی حجیت و امامت کلی مهدیین از فرزندان امام مهدی (علیه السلام) نیست؛ چراکه دین و مذهب بر این نکته استوار است که زمین از امام و حجت خدا بر

۱. شرح الاخبار، قاضی نعمان مغربی، ج ۳، ص ۴۰۰.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۵۸.

بندگان خالی نمی‌گردد و نیز اینکه حجت حتماً باید معصوم باشد تا مردم را از حق خارج و به باطل وارد نسازد و این پایین‌ترین مرتبه عصمت است و اعتقاد به عدم عصمت امام یا حجت، اعتقاد مخالفین اهل بیت (ع) و نیز مخالف اجماع علمای قدیم و جدید شیعه است. این مطلب، واجب‌الاطاعه بودن امام را نیز باطل می‌سازد؛ زیرا اطاعت همیشگی از کسی که برایش خطا و انحراف در هدایت مردم و نیز در تشریح و قانون‌گذاری جایز شمرده شود واجب نیست؛ چراکه چنین چیزی مستلزم امر به اطاعت از خطاکار و منحرف است که به‌طور قطع و یقین باطل است.

اینکه امام صادق (ع) مهدیین (ع) را چنین توصیف می‌فرماید -اینکه آن‌ها گروهی از شیعیان هستند- هرگز به معنای تعارض داشتن با امامت یا حجت بودن آن‌ها نیست؛ زیرا شیعه مقامی است بزرگ که حتی پیامبران و ائمه (ع) را نیز شامل می‌شود. روایت شده است که از جمله شیعیان علی (ع)، پیامبر خدا ابراهیم (ع) و حسن و حسین (ع) هستند؛ بنابراین صفت «شیعه بودن» با «امامت» تعارضی ندارد.

## حدیث پنجم

شیخ طوسی در کتاب غیبت با سند از ابوحمزه از امام صادق (ع) در حدیثی طولانی نقل می‌کند که فرمود: «ای ابوحمزه! از ما پس از قائم یازده مهدی از نسل حسین (ع) خواهد بود.»

اینکه این روایت تنها از یازده مهدی سخن به میان آورده، به معنای در تعارض بودن با سایر روایاتی که بر دوازده مهدی تصریح دارند نیست. این روایت یا دچار تصحیف [تغییر سهوی حروف به عبارت مشابه هنگام نقل] شده، یا منظور از قائم در اینجا مهدی اول از فرزندان امام مهدی (ع) است که پس از او یازده مهدی خواهند بود نه دوازده مهدی و اینکه روایتی دچار تصحیف در کلمه یا بخشی از آن شود، تا وقتی که متون دیگری وجود دارد که مضمونش با این روایت مشترک باشد و لفظ صحیح را مشخص بسازد، به معنای

کاستن از ارزش یا شک و تردید در بقیه متن آن نیست. پدیده تصحیف در معتبرترین کتاب‌های حدیث بسیار زیاد رخ می‌دهد و این مستلزم اشکال گرفتن در آن کتاب یا در روایاتی که کلمه یا کلماتی از آن دچار تصحیف شده‌اند نیست و حتی قرآن کریم هم قرائت‌های متعددی دارد که متواتر، مشهور و برگزیده آن‌ها هفت قرائت است؛ که این مطلب در جایگاه خودش توضیح داده شده است.

در هر صورت پوشیده نیست که این روایت بر وجود حجت‌هایی پس از امام مهدی علیه السلام تصریح دارد.

## حدیث ششم

شیخ طوسی<sup>۱</sup> با سند از یونس بن عبدالرحمان نقل می‌کند که امام رضا علیه السلام به دعا برای صاحب الامر با این دعا سفارش می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ... اللَّهُمَّ، أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَتُسَرُّ بِهِ نَفْسُهُ وَتَجْمَعُ لَهُ مَلِكُ الْمَمْلَكَاتِ

۱. سید بن طاووس در جمال الاسبوع، ص ۳۰۷، بیان کرده که شیخ طوسی این دعا را در اسناد متعدد از یونس بن عبدالرحمان روایت کرده است. متن سخن او: «افرادی که ذکرشان را در مواضع متعددی از این کتاب با استنادشان به جدم ابوجعفر طوسی ذکر کردم گفتند: ابن ابی جید از محمد بن حسن بن سعید بن عبدالله حمیری و علی بن ابراهیم و محمد بن صفار، و همه آن‌ها از ابراهیم بن هاشم از اسماعیل بن مولد و صالح بن سندی، از یونس بن عبدالرحمان نقل کرده است و جدم ابوجعفر طوسی آن را در زمره روایاتی از یونس بن عبدالرحمان به چند طریق روایت کرده است و من برای اجتناب از طولانی شدن کلام آن را ذکر نکردم. از یونس بن عبدالرحمان روایت شده است، امام رضا علیه السلام همیشه به این دعا برای صاحب الامر سفارش می‌کرد...»

و میرزای نوری تصریح کرده است که این دعا با چند سند معتبر و صحیح روایت شده است. متن سخن او: «جماعت بسیاری از علما روایت کردند که از جمله آن‌ها شیخ طوسی در مصباح و سید بن طاووس در جمال الاسبوع با سندهای معتبر و صحیح است، از یونس بن عبدالرحمان نقل کرده است که امام رضا علیه السلام همیشه به این دعا برای صاحب الامر سفارش می‌فرمودند:...» النجم الثاقب، میرزای نوری، ج ۲، ص ۴۵۶. سخن میرزای نوری ما را از طولانی کردن در بیان توثیق رجال سند بی‌نیاز می‌کند.



كُلُّهَا قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا وَعَزِيرَهَا وَذَلِيلَهَا... اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى وُلاَةِ عَهْدِهِ وَالْاَيَّمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَبَلِّغْهُمْ اَمَالَهُمْ وَزِدْ فِيْ اَجَالِهِمْ وَاَعِزَّنْ نَصْرَهُمْ وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا اُسَدْتَّ اِلَيْهِمْ مِنْ اَمْرِكَ لَهُمْ وَثَبِّتْ دَعَائِمَهُمْ وَاَجْعَلْنَا لَهُمْ اَعْوَانًا وَعَلٰى دِيْنِكَ اَنْصَارًا فَاقْتُمْ مَعَادِنُ كِلِمَاتِكَ وَخُزَانُ عِلْمِكَ وَاَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ وَدَعَائِمُ دِيْنِكَ وَوُلاَةُ اَمْرِكَ وَخَالِصَتِكَ مِنْ عِبَادِكَ وَصَفَوْتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَاَوْلِيَاؤُكَ وَسَالِئِلُ اَوْلِيَائِكَ وَصَفْوَةَ اَوْلَادِ نَبِيِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ. «**خداوندا، دفع کن از ولیات و خلیفہات و حجت بر خلقت...، خداوندا، عطا کن به خود او و خانواده او و فرزندان او و ذریہ او و امت و رعیت او، چیزی که باعث روشنی چشمش گشته و او را شادمان سازد؛ و حکومت همه سرزمین های دور و نزدیک و قوی و ضعیف را برای او جمع کن...؛ خداوندا، بر والیان عهد او و امامان بعد از او درود فرست، و آنان را به آرزوهایشان برسان و بر [فاصله] اجل هایشان بیفزای و پیروزی شان را با قدرت به آنان عطا کن و آنچه از امر خود به آنان محول کرده ای کامل گردان و دعای آنان را مستجاب فرما و ما را از یاری کنندگان آنان و یاوران دینت قرار بده؛ زیرا آنان معادن کلمات و خزانه داران علمت و پایه های توحیدت و ستون های دینت و والیان امرت و پاک شدگان بندگان و برترین برگزیدگان خلقت و دوستانت و نسل دوستانت و برترین برگزیدگان از فرزندان پیامبرت هستند که درود و رحمت خدا و برکاتش بر او و آنان باد.»<sup>۱</sup>**

دعای امام رضا علیه السلام دلالتی صریح بر وجود امامانی پس از امام مهدی علیه السلام دارد و آن حضرت علیه السلام دعاهاى بزرگی در حق آنها فرموده و آنها را با صفات بزرگی توصیف نموده است؛ صفاتی که بر بزرگی مرتبه و بلندی مقامشان نزد خداوند سبحان دلالت دارد:

«معادن کلماتک» «معادن سخنانت»؛ «خُزان علمک» «مخزن های علمت»؛ «ارکان توحیدک» «پایه های توحیدت»؛ «دعائم دینک» «ستون های دینت»؛ «ولاة امرک» «والیان امرت»؛ «خالصتک من عبادک» «پاک شدگان بندگان»؛ «صفوتک من خلقتک» «بهترین انتخاب شدگان خلقت»؛ «اولیائک و سلائیل اولیائک» «دوستانت و نسل

دوستان: «صفوة اولاد نبیک» «برترین برگزیدگان از فرزندان پیامبر».

## حدیث هفتم

شیخ طوسی با سند از ابوحسین محمد بن جعفر اسدی از یعقوب بن یوسف ضراب غسانی، در نقل قصه‌ای طولانی و گرفتن دفتری که در آن دعا و صلواتی بود که از امام مهدی علیه السلام به وی رسیده و در آن آمده بود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْمُتَّجِبِ فِي الْمِيثَاقِ، الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ، الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، الْبَرِيِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ، الْمُزْتَجَى لِلسَّفَاةِ، الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينِ اللَّهِ... اللَّهُمَّ أَغْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ دُرِّيَّتِهِ وَ شَيْعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ عَدُوِّهِ وَ جَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ تَسُرُّ بِهِ نَفْسُهُ وَ بَلِّغُهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ... وَ صَلِّ عَلَى وَ لِيكَ وَ وِلَاةِ عَهْدِهِ وَ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ وَ مَدِّ فِي أَعْمَارِهِمْ وَ رِزْقِ فِي أَجَالِهِمْ وَ بَلِّغُهُمْ أَقْصَى أَمَالِهِمْ دِينًا وَ دُنْيَاً وَ آخِرَةً، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»<sup>۱</sup> «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرحيم. خدایا، بر محمد، آقای فرستادگان و خاتم انبیا و حجت پروردگار جهانیان درود بفرست. همان فردی که در میثاق، برگزیده شده و در سایه انتخاب شده است و از هر آفت، پاک است و از هر عیبی، بیزار است و آرزوی نجات و امید شفاعت دارد و دین خداوند، به او واگذار شده است... (تا سخن ایشان علیه السلام و پس از اینکه به همه امامان دوازده‌گانه تا امام مهدی علیه السلام درود می‌فرستد): خدایا به او و فرزندان و شیعیان و مردم [زمان] او و خواص و عوام او و همه اهل دنیا چیزی عطا کن که چشمش روشن شود و خوشحال شود. او را به بهترین آرزوهای دنیوی و آخروی برسان که تو بر همه چیز توانایی... (تا سخن ایشان علیه السلام): و بر ولی خود و والیان عهد خود و امامان از فرزندانش درود فرست، و عمر آن‌ها را طولانی و اجل‌های آنان را زیاد کن، و آن‌ها را به دورترین

۱. غیبت طوسی، ص ۲۷۳ به بعد؛ مصباح المتهجد، ص ۴۰۶؛ جمال‌الاسبوع، ص ۳۰۱ - ۳۰۶.

آرزوهای دینی و دنیوی و اخروی‌شان برسان که تو بر همه چیز توانایی.»

امام مهدی (عج) در این دعا نیز بر امامان و حجت‌های پس از خود و اینکه آن‌ها به‌طور خاص از فرزندان خودش هستند تصریح می‌نماید که بیانگر تأکید بر این مطلب و میزان اهمیت آن در نظر اهل بیت (ع) است. اهل بیت (ع) موضوع مهدیین از فرزندان امام مهدی (عج) را حتی در دعا و مناجاتشان ترک نگفته‌اند.

## حدیث هشتم

سید بن طاووس می‌گوید: ما از آنچه ابن ابی‌قره در کتاب خود ذکر کرده است برخی را برگزیدیم که با استناد از علی بن حسن بن علی بن فضال از محمد بن عیسی بن عبیده با استناد از صالحین<sup>۱</sup> می‌گوید:

«در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، چه نشسته و چه ایستاده، در هر حال که هستی و در تمام آن ماه هرطور که برایت ممکن است و هر زمان از عمرت که توانستی بعد از تمجید و بزرگداشت خدای تعالی و درود بر محمد و آل محمد (ع) می‌گویی: «اللهم کن لولیک القائم بأمرک محمد بن الحسن المهدی علیه و علی آبائه أفضل الصلاة والسلام فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیاً وحافظاً وقائداً و ناصراً و دليلاً و مؤيداً حتی تسکنه ارضک طوعاً و تمتعه فیها طولاً و عرضاً و تجعله و ذریته من الائمة الوارثین...»

«خدایا برای ولی‌ات، آن کسی که به دستور تو قیام می‌کند، محمد بن الحسن المهدی (ع) بهترین سلام و درود بر او و بر پدرانش بفرست، در این لحظه و تمام لحظه‌ها؛ ولی و محافظت‌کننده و رهبر، و یاری‌کننده و راهنما و تأییدکننده باش؛ تا او را در زمینت سکونت دهی، و در آن، مدت طولانی بهره‌مند سازی، و او و فرزندان او را امامان وارث قرار دهی.»<sup>۲</sup>

۱. منظور از صالحین در اینجا امامان معصوم (ع) است.

۲. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۹۱؛ بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۴۹؛ مکمال المکارم اصفهانی، ج ۲، ص ۳۸.

توضیح این دعا نیز همانند توضیح ما در موارد قبلی و نیز در ادعیه بعدی است.

## حدیث نهم

علامه مجلسی در دعایی طولانی- می‌گوید: از منبعی اصلی و قدیمی از مؤلفات علمای پیشین آمده است:

«... اللهم كن لوليك في خلقك وليا وحافظا وقائدا وناصرا حتى تسكنه أرضك طوعا، وتمتعه منها طولا، وتجعله وذريته فيها الأئمة الوارثين، واجمع له شمله وأكمل له أمره، وأصلح له رعيته، وثبت ركنه، وافرغ الصبر منك عليه حتى ينتقم فيشتفى ويشفى حزازات قلوب نغلة، وحرارات صدور وغرة، وحسرات أنفس ترحة، من دماء مسفوكة، وأرحام مقطوعة [وطاعة] مجهولة قد أحسنت إليه البلاء، ووسعت عليه الآلاء، وأتممت عليه النعماء، في حسن الحفظ منك له...»

«خداوندا، برای ولی‌ات در میان مخلوقات سرپرست و نگهدارنده و راهبر و یاور باش؛ تا هنگامی که او را در زمینت به‌گونه‌ای که از او فرمان ببرند سامان دهی و او را مدتی طولانی از آن بهره‌مند گردان، و او و فرزندانش را در زمین امامان وارث قرار بده و جمعش را جمع کن، و امرش را کامل کن، و مردمش را اصلاح کن، و رکن او را ثابت گردان، و صبرت را بر او فرود آر؛ تا انتقام گیرد و اندوه قلوب و سینه‌ها شفا یابد، و نیز افسوس و اندوه غمگینان از خون‌های ریخته‌شده و نسل‌های قطع‌شده و ناشناخته تسکین یابد؛ که تو بلا را برایش نیکو گرداندی و روزی را برایش وسعت دادی و بر او نعمت‌ها دادی، در پناهگاه نیکو از سوی تو برای او...»

## حدیث دهم

میرزای نوری در کتاب النجم الثاقب، جلد ۲، صفحه ۷۰ آورده است: چهارم: در انتهای کتاب «مزار» بحار الانوار از کتاب «مجموع الدعوات» هارون موسی تلعبری نقل

شده است: سلام و صلواتی طولانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله به تک تک ائمه علیهم السلام و بعد ذکر سلام و صلوات بر حجت علیه السلام با ذکر سلام و صلواتی خاص بر والیان عهد حجت علیه السلام و بر ائمه از فرزندان او دعا برای آن‌ها:

«السَّلَامُ عَلَىٰ وُلَاةِ عَهْدِهِ، وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ بَلِّغْهُمْ  
 آمَالَهُمْ، وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ، وَ اعِزَّ نَصْرَهُمْ، وَ تَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ مِنْ أَمْرِكَ إِلَيْهِمْ، وَ  
 اجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا، وَ عَلَىٰ دِينِكَ أَنْصَارًا، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، وَ خَزَائِنُ عِلْمِكَ، وَ  
 أَزْكَانُ تَوْحِيدِكَ، وَ دَعَائِمُ دِينِكَ، وَ وُلَاةُ أَمْرِكَ، وَ خُلَصَاوُكُ مِنْ عِبَادِكَ، وَ صَفْوَتُكَ مِنْ  
 خَلْقِكَ وَ أَوْلِيَاوُكَ، وَ سَلَائِلُ أَوْلِيَائِكَ، وَ صَفْوَةُ أَوْلَادِ أَصْفِيَائِكَ، وَ بَلِّغْهُمْ مِّنَّا التَّحِيَّةَ وَ  
 السَّلَامَ، وَ ازْدُدْ عَلَيْنَا مِنْهُمْ التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ، وَ السَّلَامَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ  
 بَرَكَاتَهُ.» «سلام بر والیان عهدش و ائمه از فرزندان او؛ خداوندا بر ایشان درود  
 فرست و به آرزوهایشان برسان و بر عمرهایشان بیفزای و یاری‌شان را عزیز بدار و  
 آنچه از امرشان را محوّل کردی به پایان برسان، و برای آنان یاران و برای دینت  
 انصاری قرار بده که آن‌ها معادن کلمات تو و خزاین علم تو و ارکان توحید تو و  
 ستون‌های دینت و والیان امرت و بندگان خالص از میان بندگان و برگزیدگان  
 خلقت و اولیاییت و برگزیدگان اولیاییت و برگزیدگان فرزندان برگزیدگان هستند و از  
 ما به آن‌ها تحیت و سلام برسان و سلام آن‌ها را نیز به ما برسان. سلام بر آن‌ها و  
 رحمت خدا و برکاتش.»

## حدیث یازدهم

در کتاب فقه الرضا علیه السلام:<sup>۱</sup> دعای وتر و آنچه در آن گفته می‌شود و آنچه ما اهل بیت علیهم السلام

۱. بسیاری از مشهورترین علما به این کتاب اعتماد دارند و آن را از کتاب‌های اصلی و معتبر حدیث برمی‌شمارند.  
 برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به مقدمه کتاب فقه الرضا علیه السلام نوشته جواد شهرستانی مراجعه نمایید.

بر آن مداومت داریم: <sup>۱</sup>

«... اللهم صل عليه و على آله من آل طه و يس، و اخصص وليك، و وصى نبيك، و أختا رسولك، و وزيره، و ولي عهده، إمام المتقين، و خاتم الوصيين لخاتم النبيين محمد، و ابنته البتول، و على سیدی شباب أهل الجنة من الأولين و الآخرين، و على الأئمة الراشدين المهديين السالفين الماضين، و على النقباء الأتقياء البررة الأئمة الفاضلين الباقين، و على بقيتك في أرضك، القائم بالحق في اليوم الموعود، و على الفاضلين المهديين الأئمة الخزنة.» <sup>۲</sup> «خداوندا! بر محمد و آل او از آل طه و يس درود فرست، و آن را اختصاص بده به ولی ات و وصی نبی ات و برادر رسولت و وزیر او و ولی عهد او، امام متقین و خاتم وصیین برای خاتم نبیین محمد صلی الله علیه و آله، و دختر او بتول، و بر دو سرور جوانان اهل بهشت از اولین و آخرین، و بر امامان راشدین و مهدیین قبلی و گذشته، و بر نقبا و اتقیای نیکوکار، امامان فاضل باقی مانده، و بر باقی ماندهات در زمینت، قائم به حق در روز موعود، و بر مهدیین فاضل، خزانه داران امین.»

## حدیث دوازدهم

قاضی نعمان مغربی بیان می کند: «پیامبر صلی الله علیه و آله از مهدی علیه السلام و آنچه خدا از خوبی ها و پیروزی در زمان او به وجود می آید یاد نمود. به ایشان عرض شد: ای رسول الله، همه

---

۱. پوشیده نیست که این سخن، کلام خود امام رضا علیه السلام است و این مطلبی است که میرزای نوری خبر می دهد آنجا که می گوید: «... نسبت صدور آن جز به حجت ها علیهم السلام شایسته نیست و آنچه صراحت دارد این است که از ناحیه آن حضرت علیه السلام به دلایلی: اول، آنچه در ابتدای کتاب نگاشته شده است که در آن آمده: عبدالله علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرماید: اما بعد... تا انتها. دوم، آنچه در اواخرش آمده است: از آنچه ما اهل بیت بر آن مداومت داریم... تا انتها.» خاتمة المستدرک، ج ۱، ص ۲۵۵.

۲. فقه الرضا، علی بن بابویه، ص ۴۰۲.

این موارد را خدا برای او جمع می‌کند؟ فرمود: «بله، و آنچه در [زمان] زندگی و روزگار او نباشد، در روزگار امامان بعد از او از فرزندانش خواهد بود.»<sup>۱</sup>

این حدیث بر ائمه و حجت‌های پس از امام مهدی علیه السلام صراحتی دارد که آن را از شرح و استدلال بی‌نیاز می‌سازد.

## حدیث سیزدهم

ابن قولویه:<sup>۲</sup> با سند از ابوبکر حضرمی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که به ایشان علیه السلام عرض کردم: پس از حرم خداوند [کعبه] و حرم رسول او [مدینه] کدام نقطه زمین برتر و بافضیلت‌تر است؟ امام باقر علیه السلام فرمود: «کوفه ای ابابکر، کوفه دیاری است پاک و طاهر و قبور پیامبران مرسل و غیرمرسل و اوصیای راست‌گو در آن قرار دارد. مسجد سهله در آن است که خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر آنکه وی در آن مسجد نماز گزارده است. عدل خداوند از این شهر ظاهر می‌شود و در این شهر، قائم او و قائمان پس از او خواهند بود و این شهر منزلگاه پیامبران، اوصیا و صالحین است.»<sup>۳</sup>

پوشیده نیست که مراد از قائم در اینجا امام محمد بن الحسن المهدی علیه السلام است؛ اما قائمان پس از او قطعاً همان حجت‌ها و امامان بر خلق پس از او هستند.

## حدیث چهاردهم

شیخ طوسی: و تویق [دست‌نوشت] شریفی برای قاسم بن علاء همدانی وکیل حضرت امام حسن عسکری علیه السلام آمد؛ با این مضمون که مولایمان امام حسین علیه السلام در روز پنجشنبه سوم شعبان متولد شد، پس آن روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان:

---

۱. شرح‌الاخبار، ج ۲، ص ۴۲.

۲. جعفر بن محمد قولویه که به اتفاق ثقه (قابل اعتماد) است.

۳. کامل‌الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، ص ۷۶.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوِلادَتِهِ بَكْتُهُ السَّمَاءِ وَ مَنْ فِيهَا وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ عَلَيْهَا وَ لَمَّا يَطَأُ لَابَتِيهَا قَتِيلِ الْعَبْرَةِ وَ سَيِّدِ الْأُسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكِرَّةِ الْمَعْوِضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنْ الْأَيْمَةَ مِنْ نَسْلِهِ وَ الشَّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ وَ الْقَوْزَ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ وَ الْأَوْصِيَاءَ مِنْ عَثْرَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَ غَيْبَتِهِ حَتَّى يَدْرِكُوا الْأَوْتَارَ وَ يثَارُوا الثَّارَ وَ يَرْضُوا الْجَبَّارَ وَ يَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ... وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَسْلُمُ لِأَمْرِهِ وَ يَكْتُمُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ وَ عَلَى جَمِيعِ أَوْصِيَائِهِ وَ أَهْلِ أَصْفِيَائِهِ الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْاِثْنَى عَشَرَ التُّجُومِ الرَّهْرِ وَ الْحُجَجِ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ...»<sup>۱</sup> «خدایا، از تو می‌خواهم به حق مولود در این روز که به شهادتش وعده داده شد پیش از برخاستن صدایش و قبل از ولادتش، آسمان و هرکه در آن است و زمین و هرکه بر آن است بر او گریست، درحالی که هنوز قدم در جهان نگذاشته بود، کشته اشک، سرور خاندان، مددیافته به یاری در روز بازگشت؛ پاداش شهادتش اینکه امامان از نسل اویند، و شفا در تربت اوست و پیروزی با اوست در هنگام بازگشتش، و اوصیا از خاندانش پس از قائمشان و غیبت او، تا انتقام گیرند و خون‌خواهی نمایند، و جبّار را خشنود سازند و بهترین یاران دین حق شوند؛ درود خدا بر ایشان همگام با رفت‌وآمد شب و روز... و ما را از کسانی قرار بده که به فرمانش تسلیم می‌شوند و به هنگام بردن نامش صلوات زیاد بر او می‌فرستند و هم بر همه جانشینان و خاندان برگزیده‌اش، آن یاری‌شدگان از سوی تو به عدد دوازده، آن ستارگان درخشان، و حجت‌های الهی بر تمام بشر...»

۱. مصباح المتعجد، ص ۸۲۶؛ مختصر بصائر الدرجات، ص ۳۴ و ۳۵؛ مزار مشهدی، ص ۳۹۷ و ۳۹۸؛ اقبال الاعمال، ابن طاووس، ج ۳، ص ۳۰۳ و ۳۰۴؛ مصباح کفعمی، ص ۵۴۳؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۴ و ۹۵؛ و ج ۹۸، ص ۳۴۷.



تعبیرکردن این عبارت‌ها بر غیر از فرزندان امام مهدی (علیه السلام) ممکن نیست؛ چراکه امام عسکری (علیه السلام) می‌فرماید: «و اوصیا از خاندانش پس از قائمشان و غیبت او.» یعنی اوصیای پس از امام مهدی و غیبت او، از نسل امام حسین (علیه السلام) و نیز از نسل قائم (علیه السلام) هستند که آخرین نفر از نه نفر از فرزندان حسین (علیه السلام) است؛ پس عبارت: «پس از قائمشان و غیبتش» دلیلی محکم بر این است که منظور، همان فرزندان امام مهدی (علیه السلام) و اوصیا و مهدیین (علیه السلام) است.

## حدیث پانزدهم

اصل محمد بن مثنیٰ حضرمی گفت: محمد بن شریح حضرمی از ذریح محاربی برای ما حدیث کرد که گفت: از امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ امامان بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرسیدم. فرمود: «...از ما بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) هفت وصی که امام هستند، وجود دارد که اطاعت آن‌ها واجب است. هفتمین آن‌ها قائم (علیه السلام) است، اگر خدای عزیز و حکیم برای او چنین بخواهد! خداوند آنچه بخواهد مُقدم می‌کند و آنچه بخواهد به تأخیر می‌اندازد و او عزیزِ حکیم است؛ سپس بعد از قائم، یازده مهدی از فرزندان حسین (علیه السلام) هستند.»<sup>۱</sup>

توضیح این حدیث در کتاب «چهل حدیث دربارهٔ مهدیین و فرزندان قائم» آمده است. به جهت رعایت اختصار می‌توانید به این کتاب مراجعه نمایید.

## حدیث شانزدهم

شیخ طوسی در تهذیب: با سند از حبهٔ عنری که می‌گوید: امیرالمؤمنین (علیه السلام) به سمت حیره خارج شد و فرمود: «این به این متصل خواهد شد و با دستش به کوفه و حیره اشاره نمود. به طوری که هر ذراع از زمین بین این دو به دینارها معامله خواهد شد و در حیره مسجدی ساخته می‌شود که پانصد در خواهد داشت، خلیفهٔ قائم (علیه السلام) در آن نماز اقامه

خواهد خواند، زیرا مسجد کوفه برای آن‌ها کوچک خواهد بود؛ و دوازده امام عادل در آن نماز خواهند گزارد.» عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! آیا در آن زمان مسجد کوفه گنجایش این همه آدم را که توصیف می‌فرمایید دارد؟! فرمود: «چهار مسجد در آنجا ساخته می‌شود که مسجد کوفه از همه آن‌ها کوچک‌تر خواهد بود؛ و این مسجد و دو مسجد دیگر که در دو سوی شهر کوفه قرار می‌گیرند احداث خواهد شد.» آنگاه حضرت به سوی رودخانه بصرین و غربین اشاره نمود.<sup>۱</sup>

این حدیث بر خلیفه و جانشین قائم (علیه السلام) تصریح می‌کند؛ یعنی کسی که پس از وفات او جانشینش می‌شود؛ همچنین بر وجود دوازده امام عادل تصریح می‌کند که در مسجدی که امام مهدی (علیه السلام) آن را بنا خواهد نمود نماز خواهند خواند. این‌ها همان مهدیین از فرزندان امام مهدی (علیه السلام) هستند، طبق آنچه روایات پیشین تصریح داشته‌اند.

## حدیث هفدهم

قاضی نعمان مغربی: از یحیی بن سلام که به عبدالله بن عمر بازمی‌گردد نقل شده است که گفت: «... بشارت باد شما را! نزدیک است که روزهای ستمگران به پایان رسد و بعد از آن‌ها جابر خواهد بود که خداوند با او امت محمد (صلی الله علیه و آله) را اصلاح خواهد کرد، مهدی، سپس منصور، سپس تعدادی امام مهدیین.»<sup>۲</sup>

و عبدالله بن عمر این خبر را تا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مستند نکرده، اما این حدیث موافق روایاتی است که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و نیز روایاتی که از اهل بیت ایشان (علیهم السلام) نقل شده است؛ و نیز از آنجا که از جمله خبر دادن از غیب است و آنچه خلافت در آخر الزمان به آن برمی‌گردد که به‌طور معمول جز از طریق معصوم فهمیده نمی‌شود؛ زیرا موضوعی نیست که در آن اجتهاد و رأی ممکن باشد، پس این روایت در حکم حدیث مرفوع (حدیثی که به معصوم

۱. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۲۵۳.

۲. شرح الاخبار، قاضی نعمان مغربی، ج ۳، ص ۴۰۰.

می‌رسد) است.

پوشیده نیست که این روایت تصریح دارد بر اینکه پس از امام مهدی (علیه السلام) تعدادی امامان هدایت‌کننده خواهند بود.<sup>۱</sup>

## حدیث هجدهم

ابن ابی حاتم رازی در تفسیر خود با سند از کعب الاحبار نقل می‌کند و می‌گوید: آن‌ها دوازده نفر هستند. وقتی [حکومت] آن‌ها به پایان برسد، به جای دوازده نفر، دوازده نفر دیگر مثل آن‌ها قرار داده می‌شود. خداوند به این امت، این‌گونه وعده داده است. [این آیه را] خواند: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾<sup>۲</sup> (خدا به افرادی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند وعده داده است که آن‌ها را در زمین به جانشینی برگزیند، همان‌طور که افرادی که قبل از آن‌ها بودند را برگزید)؛ و نیز با بنی اسرائیل، این‌گونه نمود.<sup>۳</sup>

و شیخ صدوق نیز با سند از کعب الاحبار در کتاب الخصال به شرح زیر آورده است: در کتاب الخصال و نیز عیون اخبار الرضا (علیه السلام) آمده، و لفظ دعا در الخصال این‌گونه است: از کعب الاحبار نقل شده که در خصوص خلفا می‌گوید:

آن‌ها دوازده نفر هستند. وقتی [حکومت] آن‌ها به پایان برسد، به جای دوازده نفر، دوازده نفر دیگر مثل آن‌ها قرار داده می‌شود. خداوند به این امت، این‌گونه وعده داده است. [این آیه را] خواند: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾<sup>۴</sup> (خدا به افرادی که ایمان آوردند و (کارهای) شایسته انجام دادند وعده داده است که آن‌ها را در زمین به جانشینی برگزیند؛ همان‌طور

۱. بی‌نوشته برگرفته از کتاب «چهل حدیث درباره مهدیین و فرزندان قائم (علیه السلام)».

۲. نور، ۵۵.

۳. تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۸، ص ۲۶۲۸، شماره ۱۴۷۶۹.

۴. نور، ۵۵.

که افرادی که قبل آن‌ها بودند را برگزید)؛ و با بنی‌اسرائیل این‌گونه نمود؛ و اینکه این امت یک روز، یا نصف روز جمع شوند دشوار نیست: ﴿وَ إِنْ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾<sup>۱</sup> (و یک روز از روزهای پروردگار تو برابر با هزار سال است آن‌گونه که شما می‌شمارید).<sup>۲</sup>

این روایت تصریح دارد بر اینکه خلفا و جانشینان رسول خدا ؑ دو گروه هستند: گروه اول دوازده خلیفه، و پس از آنان گروه یا مرتبه‌ای دیگر هستند، و این همان مضمون روایات مهدیین ؑ است و بر استمرار امامت پس از امام مهدی ؑ دلالت دارد که واضح و روشن است.

## حدیث نوزدهم

شیخ طوسی: محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش از علی بن سلیمان بن رشید از حسن بن علی خزاز که گفت: علی بن ابی‌حمزه بر امام رضا ؑ وارد شد و عرض کرد: آیا شما امام هستید؟ فرمود «آری.» عرض کرد: من از جدت جعفر بن محمد شنیدم که امامی نخواهد بود مگر اینکه فرزندی داشته باشد. حضرت فرمود: «ای شیخ! آیا فراموش کرده‌ای یا خود را به فراموشی زده‌ای؟ این چیزی نیست که جعفر ؑ فرمود. او فرمود: امامی نخواهد بود مگر اینکه فرزندی دارد، مگر آن امامی که حسین بن علی بر او خروج می‌کند که او فرزندی ندارد.» علی بن ابی‌حمزه عرض کرد: فدایت شوم! درست فرمودی. از جدت این چنین شنیدم.<sup>۳،۴</sup>

۱. حج، ۴۷.

۲. خصال، شیخ صدوق، ص ۴۷۴ و ۴۷۵؛ عیون اخبار الرضا ؑ، ج ۲، ص ۵۵ و ۵۶.

۳. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۲۴، حدیث ۱۸۸.

۴. میرزای نوری به صحیح‌بودن سند این روایت در کتاب النجم‌الثاقب، ج ۲، ص ۷۳ تصریح می‌کند؛ آنجا که می‌گوید: «... آن را شیخ ثقه بزرگوار فضل بن شاذان نیشابوری در کتاب غیبت با سند صحیح از حسن بن علی خراز روایت کرده است...»

این روایت به روشنی کامل تصریح می‌کند بر اینکه امامی که پس از او رجعت واقع می‌شود، همان امامی است که پشتی ندارد... یعنی فرزندی ندارد... و گفته شد که امام مهدی (عج) فرزندان دارد که امام و حجت هستند.

پس این امامی که بعد از او رجعت خواهد بود، نمی‌تواند امام مهدی محمد بن الحسن العسكري (عج) باشد و از آنجاکه پس از امام مهدی (عج) جز مهدیین از نسل آن حضرت (عج) کسی نیست که صفت امام بودن بر او منطبق شود، پس این شخص یکی از مهدیین از نسل امام مهدی (عج) خواهد بود و به‌طور خاص آخرین مهدی یعنی مهدی دوازدهم؛ آن هنگام که حکومت مهدیین - که رسول خدا (ص) و ائمه (ع) خبرش را داده‌اند - به پایان می‌رسد. آن‌ها پس از امام مهدی (عج) حکومت می‌کنند؛ و پس از آن با رجعت امام حسین (عج) بر مهدی دوازدهم که فرزندی ندارد، رجعت آغاز می‌گردد.

پس این روایت به‌طور دقیق بیان می‌کند که رجعت رخ نخواهد داد، مگر پس از حکومت مهدیین دوازده‌گانه از فرزندان امام مهدی (عج)؛ کسانی که با صفت امام بودن پس از پدرشان توصیف شده‌اند.<sup>۱</sup>

## حدیث بیستم

در گفت‌وگوی بین علی بن ابی‌حمزه بطنانی با امام رضا (عج) این معنا روشن‌تر می‌شود. بطنانی در گفت‌وگویی طولانی به امام رضا (عج) عرضه داشت: ... ما روایت کرده‌ایم که امام نمی‌میرد تا فرزند خود را ببیند. ابوالحسن (عج) فرمود: «آیا در این حدیث چیزی غیر از این هم روایت کرده‌اید؟» عرض کردم: خیر. فرمود: «بلی، به خدا سوگند روایت کرده‌اید؛ به‌جز قائم، و شما معنای آن را نمی‌دانید و هرگز گفته نشده است.» به ایشان عرض کردم: آری، به خدا سوگند این مطلب در این حدیث است. ابوالحسن (عج) فرمود: «وای بر تو! چگونه بر

۱. پی‌نوشت برگرفته از کتاب «چهل حدیث درباره مهدیین و فرزندان قائم (عج)».

چیزی جسارت یافته و ادعای برخی از آن را می‌کنی؟»<sup>۱</sup>

در این سخن امام رضا علیه السلام که می‌فرماید «و شما معنای آن را نمی‌دانید و هرگز گفته نشده است»، اگر منظور از آن، امام مهدی علیه السلام می‌بود، این مطلب بر مردی همچون علی بن ابی‌حمزه بطنانی که به زیادی حفظ و روایت احادیث اهل بیت علیهم السلام مشهور است پوشیده نمی‌ماند؛ چطور ممکن بود بر او پنهان بماند و حال آنکه در آن زمان، بیشتر مردم می‌دانستند که مقصود از قائم همان امام مهدی علیه السلام است؛ بنابراین، مادام که این معنا که «فرزندی ندارد» بر علی بن ابی‌حمزه و دیگر راویان مخفی مانده است قطعاً مراد از آن، کسی غیر از امام مهدی علیه السلام است؛ و او آخرین مهدیین از نسل امام مهدی علیه السلام است و این همان مطلبی است که امام رضا علیه السلام در فرمایش خود مبنی بر «و شما معنای آن را نمی‌دانید و هرگز گفته نشده است» قصد کرده است.

## حدیث بیست و یکم

شیخ صدوق: با سند از علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدرش موسی بن جعفر از پدرش جعفر بن محمد از پدرش محمد بن علی از پدرش علی بن الحسین از پدرش حسین بن علی از پدرش علی بن ابی‌طالب علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی طولانی فرمود: «چون مرا به آسمان‌ها به معراج بردند، جبرائیل دوتادوتا اذان و اقامه گفت، سپس گفت: ای محمد! پیش بایست. گفتم: ای جبرائیل! آیا بر تو پیشی بگیرم؟ گفت: آری، زیرا خدای عزوجل پیامبران را و علی‌الخصوص تو را بر همه ملائکه برتری داده است. من پیش ایستادم و با ایشان نماز خواندم درحالی که این، مایه هیچ فخری نیست، و چون حجاب‌های نور را به پایان رساندم، جبرائیل علیه السلام گفت: ای محمد! پیش برو؛ و از من عقب ماند. گفتم: ای جبرائیل! آیا در چنین جایی از من جدا می‌شوی؟ گفت: ای محمد! نهایت حدی که خدای عزوجل برای من مقرر فرموده همین جاست و

اگر از آن بگذرم به سبب تجاوز از حدودی که پروردگار بزرگوام مقرر فرموده است بال‌هایم می‌سوزد.

من به شدت در نور شدید افکنده شدم، تا به آنجا که خدای تعالی از ملکوتش اراده فرموده بود رسیدم و ندا رسید: ای محمد! گفتم: لبیک و سعیدیک ای پروردگار من! تو را مبارک و متعالی داشتم (تبارکُ و تعالیْتُ). ندا رسید: ای محمد، تو بندهٔ من و من پروردگار توام؛ پس فقط مرا پرستش کن و بر من توکل نما. تو نور من در میان بندگان من و فرستادهٔ من به سوی خلقم و حجت‌م بر مردمانی. برای تو و کسی که از تو پیروی کند بهشتم را خلق کردم و آتش من برای کسی است که با تو مخالفت ورزد، و برای اوصیای تو کرامتم را لازم گردانیدم و برای شیعیانشان ثوابم را مقرر داشتم.

گفتم: پروردگارا! اوصیای من چه کسانی هستند؟ ندا رسید: ای محمد! اوصیای آن‌هایی هستند که نامشان بر ساق عرش من نگاشته شده است و من درحالی که در پیشگاه پروردگار جلّ و جلالم بودم به ساق عرش نگریدم و دوازده نور دیدم و در هر نور، سطری سبز بود که نام هر یک از اوصیای من بر آن نوشته شده بود. اول ایشان علی بن ابی‌طالب و آخر آن‌ها مهدی امتم بود. گفتم: پروردگارا! آیا آن‌ها اوصیای من هستند؟ ندا آمد: ای محمد! آن‌ها اولیا و دوستان و برگزیدگان و حجت‌های من بر خلائق، پس از تو هستند و آن‌ها اوصیا و خلفای تو و بهترین خلق پس از تو هستند. به عزت و جلالم سوگند که به واسطهٔ ایشان دینم را چیره و کلمه‌ام را بالا می‌برم و توسط آخرین آن‌ها زمین را از دشمنانم پاک می‌گردانم و مشرق و مغرب زمین را به تملک او درمی‌آورم و باد را مُسَخَّر او می‌کنم و گردن‌کشان سخت را رام او می‌سازم و او را بر نردبان ترقی بالا می‌برم و با لشکریان خود یاری‌اش می‌کنم و با فرشتگانم به او مدد می‌رسانم تا آنکه دعوتم را آشکار کند و مردمان گرد توحیدم آیند، سپس دولتش را پایدار می‌سازم و تا روز قیامت روزگار و ایام حکمرانی را میان اولیای خود (دست‌به‌دست) می‌گردانم.»<sup>۱</sup>

گفته شد که دولت امام مهدی علیه السلام پس از آن حضرت نیز به رهبری مهدیین از فرزندانش ادامه خواهد یافت و در این حدیث قدسی خداوند بلندمرتبه درباره امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «سپس دولتش را پایدار می‌سازم و تا روز قیامت روزگار و ایام حکمرانی را میان اولیای خود (دست‌به‌دست) می‌گردانم.» یعنی حکومت امام مهدی علیه السلام با مهدیین از فرزندانش ادامه خواهد یافت و روزگار تا روز قیامت در اختیار اینان خواهد بود؛ بنابراین اولیای خداوند پس از حجت بن الحسن علیه السلام همان مهدیین دوازده‌گانه از نسل او هستند.

## حدیث بیست و دوم

در روایتی بسیار طولانی، جزئیات دعوت مسیحیان نجران به اسلام توسط رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله آمده و تفصیل مشورت‌ها و مناظراتی که بین حارثه بن اثال - که آن‌ها را به ایمان به محمد صلی الله علیه و آله ترغیب می‌کرد و اینکه او همان پیامبری است که پیامبران و موسی و عیسی علیهم السلام با سخن خود به او بشارت داده‌اند و عاقب<sup>۱</sup> و سید<sup>۲</sup> جریان داشته، آمده است. در این روایت از مهدی علیه السلام و صالحین از فرزندان او که همه آن‌ها در زمین حکومت خواهند نمود یاد شده و حارثه هنگامی که سید، این مطلب را برایش بازگو می‌کند به آن اقرار می‌کند و حتی آن‌ها را در تطبیق (مهدی) بر مرد صالحی که از فرزندان محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است ملزم می‌سازد.

علامه مجلسی، در بحار الانوار، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۶ تا ۳۰۹ آورده و گفته است:  
و سید بن طاووس رحمته الله در کتاب اقبال الاعمال آورده است: با سند صحیح و روایات صحیح از ابوالفضل محمد بن عبدالمطلب شیبانی رحمته الله از کتاب مباحله و از کتاب اصلی

---

۱. عبدالمسیح بن شرجیل که در آن روزگار بزرگ قوم و صاحب‌نظرشان و طرف مشورتشان بوده، به طوری که جمعیت بدون نظر او رأی نمی‌دادند.  
۲. آهت‌م بن نعمان که اسقف نجران و در بالا بودن شأن و منزلت همتای عاقب بود.



حسن بن اسماعیل آشناس، از کتاب عمل ذی الحجّه از راه‌های واضح و روشن، از افراد صالحی که نیاز به ذکر نام‌هایشان نیست و مقصود تنها نقل سخنانشان است برای ما روایت شده و گفته‌اند: ... سید گفت: ای حارثه! آیا ابووائله با شیواترین بیانی که در گوش جان نفوذ می‌کند، به تو خبر نداد و خبر دیگری نیز شبیه آن برایت بازگو نکرد و تو را در عزم خودت چون سنگی سرسخت نیافت؟ اکنون من نیز آن را با یادآوری از معدن سوم به تو یادآور می‌شوم و بر آن تأکید می‌کنم؛ پس تو را به خدا و به آنچه بر کلمه‌ای از کلماتش نازل کرد سوگند می‌دهم، آیا تو در «زاجره» نقل شده از زبان اهل سوریه به زبان عرب یعنی «صحیفه شمعون بن حمون» که اهل نجران از آن به ارث برده‌اند می‌بینی؟ سید گفت: آیا بعد از کلامی طولانی نمی‌گویید:

«وقتی رحم‌ها بسته و قطع شود و نجیبان بروند، خداوند بنده‌اش "فارقلیط" را با رحمت و عدالت مبعوث می‌دارد. گفتند: ای مسیح خداوند، فارقلیط کیست؟ فرمود: احمد خاتم و نبی وارث؛ کسی که در زنده‌بودن و پس از قبض روح شدن فرزند پاک و آگاه به خبر او بر او صلوات می‌فرستد. خداوند او را در آخرالزمان مبعوث می‌دارد، پس از آنکه ساحت دین ویران گردد، چراغ‌های ناموس پنهان شوند و ستارگان‌ش افول کنند. با آن بنده صالح جز اندک گروهی باقی نمی‌ماند؛ تا آنجا که دین را به همان صورتی که آغاز شده بود باز می‌گرداند و خداوند عزوجل سلطنتش را در بنده‌اش استوار می‌کند و سپس در صالحان از فرزندان‌ش و از سوی او انتشار می‌دهد تا آنجا که پادشاهی‌اش تمام خاک را فراگیرد....»

بنابراین، عیسی (علیه السلام) می‌فرماید: «با آن بنده صالح جز اندک گروهی باقی نمی‌ماند تا آنجا که دین را به همان صورتی که آغاز شده بود باز می‌گرداند و خداوند عزوجل سلطنتش را در بنده‌اش استوار می‌کند و سپس در صالحان از فرزندان‌ش و از سوی او انتشار می‌دهد تا آنجا که پادشاهی‌اش تمام خاک را فراگیرد.»

یعنی با آن بنده صالح (مهدی) جز گروهی از مردم، کسی باقی نمی‌ماند یعنی نسل‌هایی از مردم و ظاهراً به غیبت امام مهدی (علیه السلام) اشاره دارد؛ «تا آنجا که دین را به همان صورتی که آغاز شده بود باز می‌گرداند» یعنی همان‌طور که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آغازش

کرده بود؛ و این همان مطلبی است که روایات بسیاری از اهل بیت (علیهم السلام) بر آن تصریح دارند؛ اینکه مهدی (علیه السلام) دین جدیدی می آورد به همان صورتی که در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود؛ «و خداوند عزوجل سلطنتش را در بنده اش قرار می دهد» یعنی سلطنت و حاکمیت خداوند در بنده اش امام مهدی (علیه السلام) مستقر و پایدار می شود و این یعنی تمکین، و این تاکنون به دست نیامده است و نخواهد آمد، مگر برای قائم آل محمد (علیهم السلام)؛ «سپس در صالحان از فرزندان او» یعنی استقرار و ثبات سلطنت خداوند در امام مهدی (علیه السلام) و سپس در صالحان از نسل او یعنی از فرزندان او و آن ها همان مهدیین (علیهم السلام) هستند که روایات متواتر به آن ها تصریح و اشاره دارند.

«و از سوی او انتشار می دهد تا آنجا که پادشاهی اش تمام خاک را فراگیرد» یعنی دین محمد (صلی الله علیه و آله) با مهدی (علیه السلام) منتشر می شود تا آنجا که حکومتش همه زمین را فراگیرد و این در حالی است که غیر از قائم (علیه السلام) هیچ یک از ائمه (علیهم السلام) یافت نمی شود که حکومتش تمام زمین را در بر گرفته باشد و حتی اجداد قائم (علیه السلام) زندگی شان را در استضعاف، زندان، قتل و مسموم شدن سپری کرده اند؛ بنابراین صالحان از نسل بنده صالح همان کسی که با او سلطنت خداوند در زمین استقرار می یابد مهدیین (علیهم السلام) هستند و آن ها رهبری دولت عدل را پس از پدرشان (علیه السلام) ادامه خواهند داد؛ و خداوند دانا است.

## حدیث بیست و سوم

شیخ طوسی در کتاب غیبت: فضل بن شاذان از حسن بن محبوب از عمرو بن ابی مقدم از جابر جعفی روایت می کند که گفت: شنیدم امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «به خدا که مردی از اهل بیت ما بعد از مرگش ۳۰۰ سال بر زمین حکومت می کند، و ۹ سال بر آن اضافه شود.» گفتیم: چه وقت؟ فرمودند: «بعد از مرگ قائم.» عرض کردم: و چقدر قائم در عالم خویش می ماند؟ فرمود: «نوزده سال از روز قیامت تا مرگش. سپس منتصر خروج می کند و خون حسین (علیه السلام) و یارانش را طلب می کند و می کشد و اسیر می کند تا سفاح

## خروج کند.»<sup>۱</sup>

این روایت، از مردی از اهل بیت (علیهم السلام) سخن می‌گوید که مدت حکومتش ۳۰۹ سال پس از وفات امام مهدی (علیه السلام) است. ادامه داشتن حکومت، خلافت و امامت پس از امام مهدی حجت بن الحسن (علیه السلام) ثابت شد و اینکه این حکومت در فرزندانش، مهدیین دوازده‌گانه (علیهم السلام) خواهد بود؛ بنابراین، مردی که ۳۰۹ سال حکومت می‌کند حتماً یکی از مهدیین از نسل امام مهدی (علیه السلام) خواهد بود.

شیخ نعمانی هم این روایت را با سند صحیح از جابر بن یزید جعفی نقل کرده است؛ به صورت زیر:

از جابر جعفی روایت است که گفت: شنیدم امام محمد باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «به خدا که مردی از اهل بیت ما بعد از مرگش ۳۰۰ سال بر زمین حکومت می‌کند، و ۹ سال بر آن اضافه شود.» گفتم: چه وقت؟ فرمودند: «بعد از مرگ قائم.» عرض کردم: و چقدر قائم در عالم خویش می‌ماند؟ فرمود: «نوزده سال از روز قیام تا روز مرگش.»<sup>۲</sup>

شیخ طوسی با سند از ابوجارود نقل می‌کند که گفت: ابوجعفر امام باقر (علیه السلام) فرمود: «قائم (علیه السلام) مدت ۳۰۹ سال به‌مقدار سال‌هایی که اصحاب کهف در غار خفته بودند حکومت و زمین را پر از عدل و قسط می‌کند، همان‌طور که پر از ظلم و ستم شده بود. خداوند مشارق و مغارب زمین را برای او می‌گشاید و آن قدر از مردم می‌کشد تا جز دین محمد باقی نماند و او به روش سلیمان بن داوود عمل می‌کند.»<sup>۳</sup>

این روایت تصریح می‌کند که قائم (علیه السلام) ۳۰۹ سال حکومت می‌کند و او همان کسی است که مدت ۳۰۹ سال بعد از وفات امام مهدی (علیه السلام) حکومت خواهد کرد. او از ذریه امام مهدی حجت بن الحسن (علیه السلام) است و این در حالی است که بیشتر روایات تصریح می‌کنند که خود امام مهدی (علیه السلام) نوزده سال یا هفت سال که معادل هفتاد سال ماست حکومت

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۷۸ و ۴۷۹، حدیث ۵۰۵.

۲. غیبت نعمانی، ص ۳۵۴.

۳. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۷۴.

خواهد کرد.

و ما سخن امام صادق (علیه السلام) را فراموش نمی‌کنیم که فرمود: «... اگر درباره مردی از ما چیزی گفتیم و در فرزندش، یا فرزند فرزندش بود آن را انکار نکنید.»<sup>۱</sup>

## حدیث بیست و چهارم

شیخ صدوق از امام جواد (علیه السلام) روایت می‌کند که فرمود:

«هنگامی که از نماز واجب فارغ شدی بگو: الله را پروردگار خود برگزیده‌ام، اسلام را دین خود، قرآن را کتاب خود، محمد (صلی الله علیه و آله) را پیامبر خود، علی و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت بن الحسن بن علی را امامان خود برگزیدم و به آنان راضی شدم. خداوندا! از بالا و پایین و راست و چپ و جلو و پشت سرش حافظ و نگهبان ولی‌ات باش که حجت است و به او عمر طولانی عطا فرما و او را قائم به امر خود و پیروز دینت قرار بده و آنچه را که دوست دارد و باعث روشنی چشمش نسبت به خودش، ذریه‌اش، اهلیش، مالش، شیعیانش و دشمنانش می‌شود به او بنمایان، و به دشمنانش آنچه را که از آن حذر می‌کنند نشان بده و به او از دشمنانش آنچه را که دوست دارد و مایه روشنی چشمش می‌شود بنمایان و دل‌های ما و دل‌های قوم مؤمنان را به وسیله او شفا بده.»<sup>۲</sup>

این دعا وجود نسل و فرزندان را برای امام مهدی (علیه السلام) ثابت می‌کند، و این بر مهدیین و حجت‌های الهی از نسل امام مهدی (علیه السلام) دلالت دارد همچنان که در روایات دیگر آمده است. و این دلالت دارد بر اینکه آن قائمی که فرزندی ندارد امام محمد بن الحسن العسکری (علیه السلام) نیست؛ بلکه او قائم دیگری است که پس از محمد بن الحسن (علیه السلام) خواهد

۱. توضیح برگرفته از کتاب «چهل حدیث درباره مهدیین و فرزندان قائم (علیه السلام)».

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۹۶۰؛ کافی، ج ۲، ص ۵۴۸.

آمد و پوشیده نیست که این دعا بر استمرار امامت پس از امام مهدی علیه السلام دلالت می‌کند.

## حدیث بیست و پنجم

علامه مجلسی در یکی از زیارت‌های امام مهدی علیه السلام گفته است:

«... سپس نماز زیارت را -که توضیحش در زیارت اول آمد- بخوان و هنگامی که آن را به‌جا آوردی و از آن فارغ شدی بگو: خداوندا، بر محمد و اهل بیتش درود فرست، آن هدایت‌گران هدایت‌یافته، عالمان راست‌گو، اوصیای پسندیده، آن ارکان دینت، ستون‌های توحیدت، تبیین‌کنندگان وحی‌ات، حجت‌هایت بر مخلوقات و جانشینانت بر زمینت. آن‌ها همان کسانی هستند که برای خودت برگزیدی، به شناخت خودت اختصاصشان دادی، به کرامت خودت بزرگشان داشتی، با حکمت خود خوراکشان دادی، با رحمت خود آن‌ها را پوشاندی، با نعمت خود آنان را زینت دادی، از نورت آنان را پوشاندی و در ملکوت بالایشان بردی، آنان را با ملائکه‌ات در بر گرفتی و با پیامبرت شرافتشان دادی. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست؛ درودی بسیار، نیکو و مداوم، که جز خودت به آن احاطه ندارد، درودی که جز در علم تو نیست و کسی جز تو حسابش را ندارد. خداوندا، بر ولی‌ات که احیاگر سنت توست درود فرست؛ به آن قائم به امرت، دعوت‌کننده به سویت، کسی که به تو راهنمایی می‌کند، حجت تو بر مخلوقات، جانشینت در زمینت و گواहत بر بندگانت.

خداوندا، او را نصرتی عزتمند عطا فرما و عمرش را طولانی گردان و زمین را با طول عمرش زینت بده. خداوندا، او را از سرکشی حسودان کفایت فرما، از شر حیل‌گران محفوظ بدار، خواست ستمکاران را از او منع کن و او را از دست جبّارها رهایی بخش. خداوندا، به او چیزی عطا فرما که مایه روشنایی چشم و شادی دلش شود در رابطه با خودش، فرزندان‌ش، شیعیان‌ش، رعیتش، و خواص و عوامش و همه اهل دنیا؛ و او را به بهترین آرزوهایش در دنیا و آخرت برسان که تو بر هر چیزی توانایی. سپس خداوند را به آنچه

دوست داری دعا کن.»<sup>۱</sup>

و توضیح این دعا مانند توضیح موضوعات قبلی است.

## حدیث بیست و ششم

از جابر از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: از ایشان (علیه السلام) تفسیر این سخن حق تعالی را پرسیدم: ﴿إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَاللَّهُ أَبَانُكَ إِنِّي أَخْلَصْتُكَ لِيَوْمِ هَذَا﴾ (آنگاه که به فرزندانش گفت: بعد از من چه چیز را می‌پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای نیاکان تو). فرمود: «در خصوص قائم (علیه السلام) جاری خواهد شد.»

یعنی قائم (علیه السلام) نیز هنگامی که وفاتش فرارسد، به فرزندانش وصیت خواهد کرد و این تأییدکننده معنای وصیت مقدس است؛ وصیتی که تصریح دارد بر اینکه قائم (علیه السلام) هنگامی که وفاتش فرارسد وصیت خواهد نمود و در عین حال بر وجود فرزندان امام مهدی (علیه السلام) نیز دلالت دارد.

## حدیث بیست و هفتم

کتاب تمحیص: <sup>۲</sup> از مفضل از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «خداوند

---

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۰ و ۱۰۱.

۲. کتاب تمحیص از محمد بن همام اسکافی، کتابی است معتبر که علما بر آن اعتماد می‌کنند. علامه مجلسی درباره این کتاب می‌گوید: «کتاب تمحیص از قدمای ماست و از قراین آشکار برمی‌آید که مؤلف آن شیخ تقه ابوعلی بن محمد بن همام بوده است.» بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷.

همچنین گفته است: «جایگاه کتاب تمحیص، دلالت بر فضیلت مؤلف آن دارد. اگر همان‌طور که ظاهر است، مؤلفش ابوعلی باشد، فضیلت و توثیق ایشان مشهور است.» بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۴.

و سید خوانساری درباره اش گفته است: «و کتاب تمحیص نزد ماست که تقریباً معادل هزار بیت است؛ و در آن، احادیث شدت بلای مؤمن را جمع‌آوری کرده است و اینکه این مسئله، تمحیص و خالص نمودن گناهانش است؛ و

عزوجل می فرماید: ده فریضه را بر بندگانم واجب ساختم که اگر آن فرایض را بشناسند آن‌ها را در ملکوت خود جای می‌دهم و بهشت خود را برایشان حلال می‌سازم:  
اول: شناخت من؛

دوم: شناخت فرستاده‌ام به‌سوی خلقم، اقرار به او و تصدیق او؛  
سوم: شناخت اولیایم؛ آن‌ها حجت‌های من بر خلقم هستند. هرکس آنان را دوست بدارد، دوست من است و هرکس آنان را دشمن بدارد، دشمن من است. آن‌ها علامت و پرچم بین من و آفریدگانم هستند. هرکس منکر آنان شود، او را وارد دوزخ می‌کنم و بر عذابش می‌افزایم.  
چهارم: شناخت کسانی که از نور قدسی من به پا خاسته‌اند و برپاکنندگان قسط و عدل من هستند؛

پنجم: شناخت کسانی که فضایل ایشان و تصدیق آن‌ها را عهده‌دار شده‌اند؛  
ششم: شناخت دشمن من، ابلیس و آگاهی از ذات او و ضمیر بارانش؛  
هفتم: پذیرفتن فرمان من و تصدیق فرستادگانم؛  
هشتم: کتمان سرّ من و سرّ اولیای من؛  
نهم: بزرگ‌داشتن برگزیدگان من و پذیرفتن آن‌ها و بازگرداندن هر آنچه شما درباره‌اش اختلاف می‌کنید به آنان تا «شرع» از آنان برگرفته شود؛  
دهم: اینکه او با برادر دینی‌اش از نظر شرع یکسان زندگی کند؛

---

در آغاز آن، بنا بر نگارش اصحاب قدیم در نوشتن آنان، آن را با نام و نسب این فرد به او منسوب کردند؛ و نزد من نیز این مسئله است که این کتاب، از جمله تصنیفات همین مرد است؛ یعنی محمد بن همام و نه دیگران. پس زنگ باش.» کتاب تمحیص، ص ۹.  
و میرزای نوری پس از مرد بودن بین ابن‌همام و ابن‌شعبه حرانی، درباره‌اش گفته است: «با چشم‌پوشی از آن، این کتاب بین دو عالم بزرگوار نقه، مرد است؛ پس در معتبر بودن و اعتماد بر آن، تردیدداشتن زبانی نمی‌زند.» خاتمه مستدرک، ج ۱، ص ۱۸۷.

اگر این چنین باشند آنان را وارد ملکوتم خواهیم کرد و از آن ترس بزرگ ایمن خواهیم ساخت و نزد من در علیین (مقامات والا) خواهند بود.»<sup>۱</sup>

در این حدیث شریف قدسی، اسرار الهی عظیم و بسیاری نهفته است که تنها بر آنچه به موضوع بحث ما ارتباط دارد تأکید می‌کنیم؛ یعنی اشاره به مقام مهدیین علیهم السلام از ذریه امام مهدی علیه السلام. از آنچه ارائه شد دانستیم که مقام مهدیین علیهم السلام بعد از مقام ائمه علیهم السلام است و این تأیید می‌کند که وقتی محمد و آل محمد علیهم السلام مهدیین را همراه با ائمه یاد می‌کنند اسم «مهدیین» را به آن‌ها اختصاص می‌دهند و این تأکید را در بیشتر امور ذکر شده در باب اوصیای قائم، حجت بن الحسن علیه السلام می‌بینیم و این دلالت می‌کند که مقام مهدیین مقامی پایین‌تر از مقام امامان دوازده‌گانه علیهم السلام است. اما امامت مهدیین علیهم السلام را منتفی نمی‌کند؛ به این معنا که آن‌ها حجت‌های الهی بر خلق و معصوم و پاک و مطهر هستند که توضیح آن پیش‌تر گفته شد.

اینکه مهدیین علیهم السلام در مرتبه و مقامی پایین‌تر از مقام امامان علیهم السلام هستند به این معناست که آنان مقصود و منظور در فریضه چهارم در سخن حق تعالی هستند: «چهارم: شناخت کسانی که از نور قدسی من به پا خاسته‌اند و برپاکنندگان قسط و عدل من هستند.» چراکه آنان فاضل‌ترین خلق بعد از ائمه علیهم السلام هستند؛ کسانی که در سخن امام باقر علیه السلام در خصوص شهر کوفه به «قائمان» توصیف شده‌اند: «و در این شهر قائم او و قائمان پس از او خواهند بود.»

از جمله موضوعاتی که بر این نکته تأکید بیشتری می‌کند، آمدن قائمان به قسط و عدل خداوند در این حدیث شریف قدسی است؛ همان کسانی که مردم مکلف به شناخت آنان هستند، بدون اینکه گفته شود مردم مکلف به پیروی یا تصدیق کس دیگری باشند؛ این خصوصیت تنها از آن حجت‌های الهی و اوصیاست؛ زیرا اوصیا و حجت‌های الهی از

۱. کتاب تمحیص، محمد بن همام اسکافی، ص ۶۹؛ بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۱۳؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۷، ص ۱۷۳ و ۱۷۴.



مردم بی‌نیازند و حال آنکه تمامی مردم نیازمند آن‌ها هستند. این در حالی است که در این حدیث قدسی بعد از ذکر قائمان به فضیلت ائمه و مهدیین در فریضه پنجم، نسبت به آنان می‌فرماید «شناخت قائمان به فضیلت آن‌ها و تصدیقشان» و آنان را تابع و پیرو حجت‌های قبل از خود و تصدیق‌کننده آنان قرار می‌دهد و این یعنی آن‌ها همگی حجت بر ایشان اقامه شده و حجت نیستند و همگی پیرو هستند نه پیروی‌شونده. فریضه پنجم شامل تمام ابواب ائمه و اولیایشان می‌شود؛ کسانی که حامل دین و رساننده آن به مردم هستند.

بنابراین، پس از مقام الوهیت در این حدیث قدسی، مقام پیامبر خدا حضرت محمد (ص) دومین مقام، و مقام امامان دوازده‌گانه سومین مقام، و مقام مهدیین دوازده‌گانه چهارمین مقام است؛ و چه بسا وجه تسمیه آنان به «قائمان به قسط و عدل الهی» از آن‌رو باشد که پیاده‌سازی قسط و عدل خداوند بر بندگان و در تمامی سرزمین‌ها به دست آن‌ها صورت خواهد پذیرفت و پس از آن‌ها وعده الهی به پر شدن زمین از قسط و عدل پس از آنکه از ظلم و ستم لبریز شده است، در آن دولت عدل الهی که منتظر و چشم‌انتظارش هستند جامه عمل خواهد پوشید.

## حدیث بیست‌وهشتم

از کعب‌الاحبار نقل شده است: «دوازده مهدی خواهد بود؛ سپس روح خدا نازل می‌شود و دجال را به قتل می‌رساند.»<sup>۱</sup>

این روایت، اگرچه از کعب‌الاحبار نقل شده و سند آن به پیامبر (ص) نمی‌رسد، اما در حکم حدیث صحیح است؛ چراکه از جمله روایات خارج از دایره رأی و اجتهاد است و نیز به جهت موافقت با روایات بسیاری که به پیامبر (ص) یا اهل بیت (ع) می‌رسند، و به‌خصوص اینکه به استمرار امامت پس از امام مهدی (عج) در مهدیین دوازده‌گانه از فرزندان آن

---

۱. فتح‌الباری، ابن‌حجر، ج ۱۳، ص ۱۸۴. عمدة القاری، عینی، ج ۲۴، ص ۲۸۲. معجم‌الموضوعی احادیث امام (عج)، ص ۳۰۳.

حضرت ارتباط پیدا می‌کند.

## حدیث بیست و نهم

علامه مجلسی می‌گوید: در ادعیه عرفه از کتاب اقبال، زیارت جامعه‌ای را که با واسطه‌های بسیاری از امام صادق علیه السلام روایت شده بود دیدم که شایسته است هر روز ائمه علیهم السلام با آن زیارت شوند؛ در این زیارت امام علیه السلام می‌فرماید: «... سلام بر تو ای مولای من، ای حجت بن الحسن صاحب الزمان. درود و سلام خدا بر تو و بر عترت طیب و طاهرت. ای آقایان من، در ریختن بار گناه و خطاهایم شفیعان من باشید. به خدا ایمان آوردم و به آنچه به شما نازل شد و آخرین شما را دوست دارم، همان‌گونه که اولین شما را دوست می‌دارم و از جبت و طاغوت و لات و عزّی دوری جستم. ای آقایان من، در صلح با آنکه با شما صلح کند و در جنگ با آنکه با شما بجنگد، دشمنم با آنکه با شما دشمنی ورزید و دوستم با آنکه با شما دوستی کرد، تا روز قیامت. خداوند ستم‌کنندگان بر شما و غاصبان حق شما را لعنت کند و شیعیان و پیروان و اهل مذهب آنان را لعنت کند؛ من از آنان به پیشگاه خدا و به سوی شما بیزاری می‌جویم.»<sup>۱</sup>

این دعا به سلام بر عترت امام مهدی علیه السلام تصریح دارد و عترت هر شخص، فرزندان و اهل بیت اوست. از کنارهم قراردادن این دعا با سایر دعاها و روایاتی که بر فرزندان امام مهدی علیه السلام تصریح دارند، روشن می‌شود که عترت امام مهدی حجت بن الحسن علیه السلام مهدیین دوازده‌گانه از نسل او هستند.

---

۱. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۴۷۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۹ تا ۳۷۱، ح ۱۲۲۰۰؛ جامع الاحادیث شیعه، ج ۱۲، ص ۲۹۴ و ۲۹۵.

## حدیث سی ام

سلیم بن قیس هلالی به نقل از سلمان فارسی می گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای مردم! آیا شما را به مهدی بشارت ندهم؟» پاسخ دادند: چرا. فرمود: «بدانید که خداوند متعال پادشاهی عادل و امامی دادگر در اتمم مبعوث خواهد نمود که زمین را از عدل و داد پر می کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده است. او نهمین فرزند از فرزندان فرزندم حسین است. نام او نام من و کنیه اش کنیه من است. آگاه باشید که پس از او هیچ خیری در زندگانی نیست و پایان حکومتش نخواهد رسید مگر چهل روز پیش از قیامت.»

به این سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) توجه کنید «پایان حکومتش» و نمی فرماید پایان زندگی یا وفاتش چهل روز پیش از قیامت است و دولت و حکومت یک شخص الزاماً تنها با خود آن شخص ادامه نمی یابد، بلکه با جانشینان، اوصیا و نمایندگان او نیز ادامه خواهد یافت. این حدیث مانند حدیث قدسی است که خداوند سبحان درباره امام مهدی (علیه السلام) می فرماید: «... سپس حکومتش ادامه خواهد داشت و روزها بین اولیای من خواهد گشت تا روز قیامت.»<sup>۱</sup> که همچنان که گذشت دلالت دارد بر اینکه حکومت امام مهدی (علیه السلام) پس از او در مهدیین اولیای خداوند از نسل امام مهدی (علیه السلام) ادامه خواهد یافت.

سید شهید صدر (رحمته الله) در کتاب دایرة المعارف امام مهدی (علیه السلام)، جلد سوم تاریخ ما بعد ظهور، هنگام بررسی سخن شیخ طبرسی، صفحه ۷۷۸ می گوید:

«و اما اینکه گفته شد پس از دولت قائم هیچ کس دولتی نخواهد داشت صحیح است؛ چراکه اگر منظور از دولت قائم نظام حکومتی اش باشد نظامی است که تقریباً یا تحقیقاً طبق آنچه خواهیم شنید تا فرجام بشریت ادامه خواهد داشت و پس از آن حکومت دیگری نخواهد بود، و اگر منظور از آن، حکومت او تا زمان حیاتش باشد به گونه ای که زندگی بشریت بلافاصله پس از آن تمام شود، این فرضی است نامحتمل؛ زیرا فرضی است که بسیاری از روایات بر نفی آن دلالت می کنند؛ روایاتی مثل روایات رجعت، روایات اولیای

صالحین و روایاتی که می‌گویند قیامت برپا نمی‌شود مگر بر بدترین مخلوقات و سایر روایات و حتی برخی از آیات قرآن نیز بر این مطلب دلالت دارند؛ مانند آیه دابة الارض (جنبنده زمین) بعد از اینکه دانستیم دابة الارض در زمان خود مهدی علیه السلام خارج نمی‌شود. بنابراین، بشریت بعد از مهدی علیه السلام نیز باقی خواهد بود و نظام حکومتی او نیز ادامه خواهد داشت. منظور از این روایت این است که پس از دولت قائم هیچ‌یک از منحرفین و کافرین به همان صورتی که پیش از ظهور بود، دولتی نخواهند داشت.»

از ابو عبدالله امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زمین از بین نخواهد رفت تا زمانی که خداوند متعال را در آن حجتی باشد که حلال و حرام را بشناسد و مردم را به راه خداوند عزوجل فرا بخواند. حجت از زمین منقطع نمی‌شود، مگر چهل روز پیش از قیامت؛ و چون حجت برداشته شود درهای توبه مسدود می‌گردد و ایمان کسی که پیش از برداشته شدن حجت ایمان نیاورده باشد سودی نبخشد. آن‌ها بدترین خلق خدا هستند و آن‌ها کسانی هستند که قیامت بر آن‌ها واقع خواهد شد.»<sup>۱</sup>

بنابراین، دلیلی وجود ندارد که در اینجا منظور از حجتی که چهل روز پیش از قیامت برداشته می‌شود یا از دنیا می‌رود محمد بن الحسن العسکری علیه السلام باشد؛ بلکه بر اینکه او آخرین مهدیین از نسل امام مهدی علیه السلام است دلیل اقامه شده است؛ به دلالت ادله استمرار امامت و باقی بودن امت و تکلیف پس از امام دوازدهم، امام مهدی علیه السلام و نیز به دلالت روایات متواتری که بر استمرار امامت بعد از امام مهدی علیه السلام تصریح دارند و آن را تأیید می‌کنند.

سید شهید صدر رحمته الله در دایرة المعارف امام مهدی علیه السلام، جلد سوم تاریخ پس از ظهور، هنگام بررسی سخن شیخ طبرسی ص ۷۷۹ می‌گوید:

«و اما این سخن او -منظورش طبرسی است- که می‌گوید: و بیشتر روایات می‌گویند آن حضرت از دنیا نمی‌رود مگر به فاصله چهل روز پیش از قیامت... این روایاتی است که ما

خواهیم شنید و مقصود آن این است که حضرت حجت چهل روز پیش از قیامت بالا خواهد رفت یعنی خواهد مرد. و خواهیم دید که مقصود از حجت، خود امام مهدی نیست؛ بلکه شخص دیگری است که به فاصله زیادی پس از دوران مهدی خواهد آمد. «  
بنابراین، روایتی که می‌گوید «و حکومتش پایان نخواهد پذیرفت مگر چهل روز پیش از قیامت»، ادامه داشتن امامت پس از امام مهدی (علیه السلام) را تأیید کرده است نه اینکه نفی‌کننده آن باشد؛ به خصوص پس از ملاحظه روایات مهدیین (علیهم السلام).

## حدیث سی و یکم

سید بن طاووس می‌گوید: روز جمعه روز صاحب‌الزمان (علیه السلام) و روزی است به نام او و روزی است که آن حضرت عجل‌الله در آن ظهور می‌کند. به آن بزرگواران (علیهم السلام) عرض می‌کنم:

دوستدار شما تا آخرین لحظه حیات / و زائر شما هستم حتی بی‌هیچ مَرکی

متن دعای خطاب به صاحب‌الزمان (علیه السلام):

«سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش، سلام بر تو ای چشم خدا در میان مخلوقاتش، سلام بر تو ای نور خدا که هدایت‌یافتگان با آن هدایت می‌شوند و با آن، کار مؤمنان گشایش می‌یابد، سلام بر تو ای پاک‌سرشت ترسان، سلام بر تو ای ولی ناصح، سلام بر تو ای کشتی نجات، سلام بر تو ای چشمه حیات، سلام بر تو که خداوند بر تو و بر خانواده پاک و طاهرت سلام و درود فرستاد، سلام بر تو ای سلامی که خداوند یاری و ظهور امرت را که وعده‌ات داده است تعجیل فرماید، سلام بر تو ای مولای من که من غلام شما هستم، آگاه به اولین شما و آخرین شما، به وسیله تو و خاندان تو به سوی خداوند تقرب می‌جویم، و ظهور تو و ظهور حق به دستانت را انتظار می‌کشم. از خدا می‌خواهم بر محمد و آل محمد درود فرستد و مرا از منتظران تو و پیروان و یاوران تو در مقابل دشمنانت و از شهدای در رکابت، در شمار اولیایت قرار دهد. ای آقای من! سلام و

صلوات خدا بر تو و بر آل بیت تو. امروز جمعه است، روزی که در آن ظهور تو و فرج مؤمنان با دستان تو و قتل کافران با شمشیر تو انتظار می‌رود، و من -ای مولای من- در این روز مهمان شما و پناهنده به شما هستم، و تو ای مولای من کریم هستی و فرزند کریمان و مأمور به مهمان‌نوازی و پناه‌دادن هستی؛ پس مرا مهمان‌نوازی کن و پناهم ده. سلام و درود خدا بر تو و بر اهل بیت پاک و طاهر تو.»

میرزای نوری در استدلال خود بر وجود فرزندان برای امام مهدی علیه السلام در کتاب *نجم الثاقب*، جلد ۲، صفحه ۷۰ می‌گوید: «سوم: در زیارت مخصوصی که در روز جمعه خوانده می‌شود و سید رضی‌الدین علی بن طاووس در کتاب «جمال‌الاسبوع» نقل کرده است: «سلام و صلوات خدا بر تو و بر آل بیت پاک و طاهر تو.» و در جایی دیگر از آن کتاب آورده است: «صلوات خداوند بر تو و بر خاندان تو در این روز جمعه.» و در انتهای آن گفته است: «صلوات خداوند بر تو و بر اهل بیت پاک و طاهر تو.» پایان سخن میرزای نوری.

«آل» و «اهل بیت» امام مهدی علیه السلام، فرزندان او هستند که همان‌طور که توضیحش گفته شد -مهدیین، اوصیا و حجت هستند.

## حدیث سی و دوم

در ماجرای دیدار و تشریف حاج علی بغدادی به محضر امام مهدی علیه السلام آمده است: «... پس در راه به موضعی وسیع از جاده رسیدیم که دو طرف آن باغ‌ها و روبه‌روی شهر شریف کاظمین است و در کنار آن جاده باغ‌های پیوسته‌ای از بغداد دیده می‌شد. ملکی متعلق به برخی یتیمان سادات بود که حکومت آن را به‌زور غصب کرده و در آن جاده ساخته بود و اهل تقوا و ورع ساکن این دو شهر (بغداد و کاظمین) همیشه از رفتن در این جاده در محدوده آن قطعه زمین پرهیز می‌کردند. من آن حضرت یعنی امام مهدی علیه السلام را دیدم که در این محدوده راه می‌رود! عرض کردم: آقای من! این قسمت متعلق به برخی

از یتیمان سادات است و تصرف در آن روا نیست. فرمود: این قسمت از اموال جدّ ما امیر مؤمنان (علیه السلام) و فرزندان او و فرزندان ماست و تصرف در آن برای دوستداران ما حلال است...»

امام مهدی (علیه السلام) می‌فرماید: «این قسمت از اموال جدّ ما امیر مؤمنان (علیه السلام) و فرزندان او و فرزندان ماست.» از این عبارت مشخص می‌شود که منظور آن حضرت فرزندان و نسل خودش (علیه السلام) است؛ زیرا این سخن حضرت: «این قسمت از اموال جدّ ما امیر مؤمنان (علیه السلام) و فرزندان او» همه فرزندان امیرالمؤمنین (علیه السلام) تا روز قیامت را شامل می‌شود. پس سخن آن حضرت در عبارت «فرزندان ما» تخصیصی برای فرزندان خود آن حضرت است، در برابر عمومیت فرزندان امیرالمؤمنین (علیه السلام).

## حدیث سی و سوم

شیخ نعمانی: احمد بن محمد بن سعید از این چهار مرد از ابن محبوب از محمد بن یعقوب کلینی ابوجعفر به ما خبر داد و گفت: علی بن ابراهیم از پدرش به من گفت: محمد بن عمران از احمد بن محمد عیسی از علی بن محمد و دیگران از سهل بن زیاد، همگی از حسن بن محبوب به ما خبر دادند: از عبدالواحد بن عبدالله موصلی از ابوعلی احمد بن محمد بن ابوناشر از احمد بن هلال از حسن بن محبوب از عمرو بن ابومقدام از جابر بن یزید جعفی نقل می‌کند که گفت: ابوجعفر محمد بن علی باقر (علیه السلام) در خصوص «قیام قائم (علیه السلام) بین رکن و مقام» فرمود: «آگاه باشید، هرکس درباره کتاب خدا با من مُحاجّه و استدلال کند من از همه به کتاب خدا سزاوارترم، هرکس درباره سنت رسول خدا با من مُحاجّه کند من از همه به سنت رسول خدا سزاوارترم؛ پس شما را به خدا سوگند می‌دهم آن کسانی که امروز سخنان مرا شنیدند آن را به غایبان برسانند. از شما به حق خداوند و به حق فرستاده‌اش و به حق خودم درخواستی نمی‌کنم جز اینکه به حق نزدیکی به رسول خدا که بر شما دارم ما را یاری کنید و ما را در برابر کسانی که به ما ستم روا

می‌دارند بازدارید و حمایت کنید که آن‌ها ما را پوشانند، به ما ستم روا داشتند و ما و فرزندانمان را از وطنمان آواره کردند، به ما ظلم کردند، ما را از حقمان دور کردند و اهل باطل بر ما افترا بستند. بترسید از خدا، بترسید از خدا! ما را تنها مگذارید و یاری‌مان کنید که خداوند متعال شما را یاری کند.»<sup>۱</sup>

توضیح این حدیث همانند احادیث قبلی است؛ امام مهدی علیه السلام تصریح می‌فرماید بر اینکه او از دیار و فرزندانش رانده شده است. این روایات مهدیین علیهم السلام را تأیید می‌کند و دلالت دارد بر اینکه رجعت بلافاصله پس از امام مهدی علیه السلام نخواهد بود، زیرا آن قائمی که رجعت بلافاصله پس از او واقع می‌شود همان‌طور که در روایت اهل بیت علیهم السلام آمده کسی است که فرزندی ندارد؛ درحالی‌که امام مهدی علیه السلام فرزندی دارد که امام و وصی هستند؛ بنابراین دلالت این روایت بر استمرار امامت پس از حجت بن الحسن صاحب الزمان علیه السلام پوشیده نیست.

## حدیث سی و چهارم

راوندی در کتاب قصص الانبیاء با سند از ابوبصیر<sup>۲</sup> نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام به وی فرمود: «ای ابومحمد! گویا می‌بینم قائم علیه السلام با اهل و عیالش در مسجد سهله فرود آمده است.» گفتم: آیا خانه او مسجد سهله است؟ فرمود: «آری، همان‌جا که منزلگاه ادريس و ابراهیم خلیل الرحمان علیهم السلام بوده است و هیچ پیامبری برانگیخته نشد مگر آنکه در

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۸۸ و ۲۸۹.

۲. علاوه بر آنچه صدوق با سند از ابوبصیر نقل کرده آن‌گونه که راوندی در قصص الانبیاء ص ۸۴ نقل کرده است، این روایت را مجلسی از یکی از کتاب‌های اصل و قابل اعتماد یعنی «کتاب مزار» نقل کرده است؛ آنجا که می‌گوید: «در کتاب مزار از برخی پیشینیان ما نقل شده است: از ابوبصیر از اباعبدالله امام صادق علیه السلام که فرمود: ای ابامحمد! گویی فرود آمدن قائم با اهل و عیالش را در مسجد سهله می‌بینم...» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶) و این تأییدکننده‌ای قوی است؛ پس این روایت معتبر است، به‌خصوص با این ملاحظه که در فضیلت قائم علیه السلام و مسجد سهله آمده است.



## آن مسجد نماز گزارده است.»<sup>۱</sup>

این روایت وجود اهل و عیال برای امام مهدی (علیه السلام) در ابتدای ورود آن حضرت به مسجد سهله را ثابت می‌کند یعنی در ابتدای قیام مقدسش- و روشن است که این سخن امام (علیه السلام): «با اهل و عیالش» به همسر و فرزندان بازمی‌گردد؛ به خصوص اینکه می‌دانیم امام مهدی (علیه السلام) در آن هنگام پدر، مادر، برادر، خواهر و... ندارد؛ پس مصداق اهل و عیال، همسر و فرزندان است و نه چیز دیگر.

## حدیث سی و پنجم

شیخ طوسی: فضل بن شاذان از عثمان بن عیسی از صالح بن ابوالاسود از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که آن حضرت مسجد سهله را یاد کرده، فرمود: «بدانید که اینجا منزل صاحب ماست آن هنگام که با خانواده‌اش بیاید.»<sup>۲</sup>

خانواده امام مهدی در این روایت همسر و فرزندان وی را شامل می‌شود، با در نظر گرفتن آنچه در روایت قبل بیان شد. مشهور این است که «اهل» (خانواده) بر همسر، فرزندان، والدین، برادران و خواهران اطلاق می‌شود و درباره امام مهدی حجت بن الحسن (علیه السلام) در هنگام قیام مقدس تنها همسر و فرزند انتظار می‌رود.

## حدیث سی و ششم

در انجیل آمده است: (۱) پس از این دیدم ناگاه دروازه‌ای در آسمان باز شد و آن آواز اَوَّل را که چون گونا شنیده بودم با من سخن می‌گفت، دیگر باره می‌گوید: به اینجا صعود

---

۱. قصص الانبیاء، راوندی، ص ۸۴؛ مزار مشهدی، ص ۱۳۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷ و ۳۷۶؛ مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۳، ص ۴۱۷.

۲. غیبت طوسی، ص ۴۷۱، ح ۴۸۸؛ کافی، ج ۳، ص ۴۹۵، باب مسجد سهله، ح ۲؛ تهذیب الاحکام طوسی، ج ۳، ص ۲۵۲، ح ۶۹۲؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱؛ انوار البهیة، شیخ عباس قمی، ص ۳۸۱.

کن تا اموری را که پس از این باید واقع شود به تو بنمایم. ۲ فی الفور در روح شدم و دیدم که تختی در آسمان است و بر آن تخت نشینده‌ای. ۳ و آن نشیننده، در صورت، مانند سنگ یشم و عقیق است و رنگین کمانی گرداگرد تخت که به منظر شباهت به زمرد دارد ۴ و گرداگرد تخت، بیست و چهار تخت است؛ و بر آن تخت‌ها بیست و چهار پیر که جامه‌های سفید در بر دارند نشسته دیدم، در حالی که بر سر ایشان تاج‌های زرین ۵ و از تخت، برق‌ها، رعد‌ها و صداها برمی‌آید).<sup>۱</sup>

این متن از انجیل، دلالتی واضح و روشن بر بیست و چهار امام دارد. آن‌ها تخت‌هایی دارند که گرداگرد صاحب عرش اعلیٰ قرار دارد و این به رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اوصیایش ائمه و مهدیین علیهم السلام اشاره دارد؛ همچنان که وصیت پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله در شب وفاتش از آنان یاد کرده است.

## حدیث سی و هفتم

(به جای پدران، پسران در سراسر زمین فرمانروایی می‌کنند \* نام تو را در هر جا یاد می‌کنم. به این دلیل مردمان، تو را همیشه و تا ابد آباد ستایش می‌کنند).<sup>۲</sup>

این متن تورات اشاره دارد بر اینکه مخاطب این سخن به پدران و اجدادی منتسب است که از حقشان در ریاست و امامت منع شده‌اند و خداوند در عوض، ریاست را در فرزندان در سراسر زمین قرار خواهد داد و یادش را برای همیشه جاودان خواهد ساخت. این شخصیت بر کسی غیر از امام مهدی محمد بن الحسن علیه السلام تطبیق پیدا نمی‌کند؛ پس این متن بر وجود فرزندان برای امام مهدی علیه السلام دلالت دارد که پس از پدرشان علیه السلام در سراسر زمین حکومت خواهند کرد؛ به خصوص که موافق با تصور اسلامی در این موضوع است.

۱. رؤیای یوحنا، اصحاح ۴.

۲. کتاب مقدس، عهد قدیم، کنیسه، مزمور ۴۵، فقره ۱۶ و ۱۷، ص ۸۶۴.

## حدیث سی و هشتم

از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمود: «مهدی و هفت تن از فرزندانش پس از او، همگی شان انسان‌های صالحی هستند که مانندشان دیده نشده است.»<sup>۱</sup>  
و این بر استمرار امامت پس از امام مهدی (علیه السلام) در نسل آن حضرت دلالت دارد و آمدن عدد هفت به معنای نفی غیر از آن و سایر دوازده مهدی (علیه السلام) نیست.

## حدیث سی و نهم

ابوحسین بن منادی در کتاب «ملاحم» از سالم بن ابوجعد آورده است: «حکومت مهدی بیست و یک سال خواهد بود، سپس شخص دیگری پس از اوست که از او پایین تر و فردی صالح است و چهارده سال حکومت می‌کند؛ سپس شخص دیگری پس از او خواهد بود که فردی صالح است و نه سال حکومت می‌کند.»<sup>۲</sup>  
این روایت نیز بر ادامه داشتن امامت پس از امام مهدی (علیه السلام) دلالت دارد.

## حدیث چهلم

در کتاب دایرةالمعارف موضوعی احادیث امام مهدی (علیه السلام) ص ۳۰۶ آمده است:  
از امام صادق (علیه السلام) از پدراناش از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «اسلام و حاکم عادل مثل دو برادرند که هیچ‌یک از آنها اصلاح نمی‌شود مگر به سبب دیگری. اسلام پایه و اساس است و حاکم عادل چون نگهبان. آنچه پایه و ریشه‌ای نداشته باشد نابود و آنچه نگهبانی نداشته باشد خراب می‌شود. از همین رو وقتی قائم ما رحلت کند اثری از اسلام باقی نمی‌ماند و وقتی اثری از اسلام بر جا نماند اثری از این دنیا باقی نمی‌ماند.»

۱. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۴۰۱.

۲. مهدی موعود منتظر، شیخ نجم‌الدین عسکری، ص ۳۲۰.

این قائمی که با رفتنش، نه از اسلام و نه از دنیا اثری باقی نمی ماند، امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام نیست؛ به دلیل تواتر روایاتی که بر باقی بودن تکلیف و دنیا و امت پس از امام مهدی علیه السلام دلالت دارد و نیز آمدن امامانی پس از او از فرزندان وی علیه السلام. پس، منظور از این قائمی که پس از وفاتش اثری از دنیا نخواهد ماند، آخرین مهدی و آخرین امام در دولت عدل الهی است و پس از او رجعت خواهد بود که عالم دیگری است و متفاوت از عالم زندگانی دنیاست.

شیخ علی کورانی بر این روایت تعلیق زده و گفته است:

«پاسخ: در اینجا قائم به معنای امام مهدی علیه السلام منتظر علیه السلام نیست؛ بلکه به معنای حاکمی از اهل بیت علیهم السلام در دولتشان است که مهدی علیه السلام آن را بنیان می نهد؛ پس این روایت ادامه داشتن دولت آل محمد علیهم السلام تا روز قیامت را منتفی نمی کند، بلکه آن را تثبیت می کند.»

\*\*\*

خلاصه آنچه تقدیم شد:

اخبار و روایاتی که بر خلفا و جانشینان امام مهدی علیه السلام دلالت دارد بسیار هستند و به حد تواتر رسیده اند؛ به خصوص پس از ملاحظه قراین تقویت کننده ای که در ابتدای بحث گفته شد. حتی می توانیم بگوییم به طور قطع، استمرار امامت پس از صاحب الزمان علیه السلام بدون تکیه بر هیچ روایتی از روایات مهدیین از نسل صاحب الزمان علیه السلام نیز ثابت شده و قطعی است؛ چراکه قرآن کریم و روایاتی که بالاتر از حد تواتر هستند، بر ضرورت ادامه داشتن امامت و خالی نبودن زمین از حجت خداوند سبحان تصریح و تأکید دارند و اینکه اگر دو نفر در زمین باشند حتماً یکی از آن دو امام و حجت بر دیگری است. این دلیلی قطعی الصدور و قطعی الدلاله است بر اینکه امامت تا هنگامی که زمین وجود دارد ادامه خواهد داشت.

این ادعا که رجعت بلافاصله پس از صاحب الزمان خواهد بود اعتبار علمی، قطعی و یقینی ندارد. که توضیحش گفته شد. اما روایاتی که تصریح دارند بر اینکه امام مهدی علیه السلام

آخرین یا خاتم اوصیا یا ائمه است، روایات واحدی هستند که یقین آور نیستند و ناظر بر اتمام تعداد اولیّه اوصیای رسول خدا حضرت محمد (ص) یعنی ائمه دوازده گانه (ع) هستند و دلالتی قطعی بر نفی امامت به طور کلی پس از محمد بن الحسن العسکری (ع) ندارند؛ پس ادله قطعی و یقینی ادامه دار بودن امامت بدون هیچ معارض و دلیل مخالفی که بتواند در برابر قوت صدوری یا دلالتی آن مقاومت کند بر جای خود باقی خواهد ماند و این همان خواسته ماست.

و سپاس و ستایش تنها از آن خداوند، آن پروردگار جهانیان است.

و سلام و صلوات تامّ و تمام خداوند بر محمد و بر جانشینان و اوصیای پاک و طاهرش امامان و مهدیین باد.